

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«فصلنامه علمی-ترویجی»
مطالعات بیداری اسلامی

سال ششم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: سازمان بسیج اساتید کشور

مدیر مسئول: مجتبی زارعی

سر دبیر: علیرضا صدرا

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

حمید احمدی؛ استاد دانشگاه تهران

خیرالله پروین؛ دانشیار دانشگاه تهران

ناصر فرشاد گوهر؛ دانشیار دانشگاه علوم اقتصادی

علیرضا صدرا؛ دانشیار دانشگاه تهران

مصطفی ملکوتیان؛ دانشیار دانشگاه تهران

سید عباس احمدی؛ استادیار دانشگاه تهران

سهراب صلاحی؛ استادیار دانشگاه امام حسین (ع)

مدیر داخلی: سیدمهدی سهیلی مقدم

ویراستار فارسی و انگلیسی: محمد امینیان

صفحه آرا و طراح جلد: یوسف بهرخ

پست الکترونیک: ipob@basijasatid.ir

نشانی وبگاه: www.ipoba.ir

این نشریه با مجوز ۱۶۹۴۵۹/۱۸/۳۱ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۰۳ وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری دارای درجه علمی-ترویجی می باشد.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، روبه روی در اصلی دانشگاه تهران پلاک ۱۲۴۶

سازمان بسیج و اساتید کشور، طبقه پنجم، دفتر نشریات تلفن: ۶۶۹۷۵۶۰۹

دوفصلنامه علمی-ترویجی
مطالعات بیداری اسلامی

سال ششم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

نشریه مطالعات بیداری اسلامی نشریه علمی-ترویجی است که در حال حاضر دو شماره در سال منتشر می‌شود، رعایت نکات و دستورالعمل زیر برای جلوگیری از تأخیر در داوری و انتشار بموقع مجله هنگام ارسال مقالات ضروری است:

- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده نگردیده، در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه باشد.
- مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح بوده و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم مبذول گردد.
- در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین را در بخش یادداشتها آورد.
- مقاله باید با آخرین نسخه برنامه Word و با قلم نازنین فونت ۱۲ (برای چکیده لاتین با قلم تایمز ۱۱) فاصله تقریبی میان سطور ۰.۹ حروفچینی و تاپ گرد. حاشیه از بالا ۶.۵، از پایین ۶.۵، از راست ۴ و حاشیه چپ ۴ سانتیمتر باشد. عنوان مقاله با فونت تیترا ۱۲، مشخصات نویسنده یا نویسندگان با فونت یاقوت ۱۲، چکیده فارسی با فونت نازنین ۱۲، فهرست عناوین متن با فونت نازنین سیاه ۱۲، منابع و مآخذ با فونت نازنین ۱۱ نگاشته شود.
- تعداد صفحات مقاله نباید از حدود ۱۸ صفحه چاپی به قطع مجله تجاوز کند.

جهت اطلاعات بیشتر به وبسایت زیر مراجعه نمایید:

<http://www.iabaj.ir/journal/authors.note>

فهرست مطالب

چالش‌های سیاسی بیداری اسلامی در جهان اسلام و راهبردهای تدافعی (wt) در مقابله با آن از منظر مقام معظم رهبری (بررسی موردی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ میلادی) ۷۰۰	عبدالله نوری گلجایی
واکاوی جلوه‌های پایداری در شعر معاصر یمن (مطالعه موردی: شهید محمد محمود الزییری) ۲۹	دکتر علی قهرمانی، فاطمه تنها، حسین الیاسی
واکاوی تطبیق نظام معارف قرآنی در فیلم‌های سینمایی: «تنگه ابوقریب» و «به وقت شام» با رویکرد بیداری اسلامی ۵۱	سمیه رسولی‌پور، سحر ذکاوت
تطبیق و تحلیل مفهوم شهید و شهادت در برخی از سروده‌های سلمان هراتی و شفیق حبیب ۷۳	راضیه کارآمد، حسین شمس آبادی
بیداری اسلامی و تأثیر آن بر ژئوپولیتیک مقاومت ۹۳	هادی ابراهیمی کیایی

پیام
اسلامی

چالش‌های سیاسی بیداری اسلامی در جهان اسلام و راهبردهای تدافعی (wt) در مقابله با آن از منظر مقام معظم رهبری (بررسی موردی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ میلادی)

عبدالله نوری گلجایی^۱

چکیده

جهان اسلام، همواره دستخوش تغییر و تحولات مختلف بوده و تهدیدها و ضعف‌های مختلفی در آن وجود داشته است. از سال ۲۰۱۱ که آغاز بیداری اسلامی بوده و تحولات بسیاری را در منطقه رقم خورده است؛ مقام معظم رهبری چالش‌های جهان اسلام را بیان نموده و راهبردهای تدافعی جهت مقابله با این چالش‌ها را مطرح ساختند. با این همه در این رابطه تحقیقی علمی با توجه به دیدگاه مقام معظم رهبری منتشر نشده است. بنابراین پرسشی که در این پژوهش طرح می‌شود این است که ضعف‌های سیاسی جهان اسلام از منظر مقام معظم رهبری و راهبردهای تدافعی ایشان از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ میلادی بر اساس روش SWot چیست؟ با توجه به آنچه بیان شد، هدف این مقاله شناسایی چالش‌های سیاسی جهان اسلام و راهبردهای تدافعی (wt) در مقابله با آن از منظر مقام معظم رهبری بعد از تحولات بیداری اسلامی است. در این پژوهش برای پاسخ به پرسش اصلی از روش SWot استفاده شده است. از دیدگاه مقام معظم رهبری برای کاهش و کنترل تهدیدهای سیاسی علیه جهان اسلام و برون‌رفت از آن، راهبردهایی وجود داشته که بر اساس روش سوات به راهبردهای تنوع (st) راهبردهای رقابتی (so)، راهبردهای بازنگری (wo)، راهبردهای تدافعی (wt) تقسیم شده است. در این تحقیق برای مقابله با چالش‌های سیاسی جهان اسلام بر اساس روش سوات از راهبردهای تدافعی (wt) استفاده شده است. برخی از یافته‌های تحقیق عبارتند از: تقویت روحیه وحدت و ایستادگی، تقویت سطح آگاهی و بصیرت در میان مسلمانان و... را می‌توان نام برد.

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی، مقام معظم رهبری، ضعف‌ها، تهدیدها، راهبردهای تدافعی

مقدمه

اسلام، یگانه مکتبی است که با داشتن دستورات و احکام جامع، قادر است بحران‌های عمیق و فراگیر دنیای اسلام را رفع نماید. دشمنان اسلام، دین اسلام را بزرگترین مانع و سد در برابر اهداف خود می‌دانند. دشمنان اسلام قدرت تحول‌آفرینی و تأثیرگذاری اسلام در مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را دریافته‌اند. آنان هیچ‌گاه وحدت، انسجام، قدرت، حفظ هویت اسلامی، توسعه با مبانی اسلامی، حکومت دینی را در جهان اسلام تحمل نکرده‌اند. در دورانی که امت‌های اسلامی بیدار شده و بیداری اسلامی را ایجاد نموده‌اند؛ از منظر مقام معظم رهبری، وجود ضعف‌ها و تهدیدهایی همچون: اختلافات درونی در جوامع اسلامی، وابستگی سران کشورهای اسلامی به غرب، وجود روشنفکران غرب‌زده و منفعل و قرار گرفتن آنها در رأس امور اجرایی و فرهنگی، دوری از ارزش‌های والای اسلامی و اخلاقی، بیداری امت‌های اسلامی را مورد تهدید قرار می‌دهد. مقام معظم رهبری به‌عنوان رهبری دینی و متفکر جهان اسلام همواره در مکتوبات و فرمایشات خویش بحران‌ها و مشکلات جهان اسلام را مورد توجه قرار داده و راهبردهایی برای برون‌رفت از تهدیدها و تقویت فرصت‌ها ارائه نموده‌اند. با توجه به اینکه جهان اسلام از امکانات و توانمندی‌های گسترده‌ای برای حل مسائل جهان اسلام برخوردار است؛ بنابراین بررسی راهبردهای تدافعی برای کاهش ضعف‌های سیاسی جهان اسلام در دوران بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری می‌تواند گامی مهم در خروج از وضعیت موجود بیداری اسلامی و رسیدن به وضع مطلوب باشد. نتایج این تحقیق می‌تواند راهبردهای لازم را در اختیار اندیشمندان و سیاست‌گذاران کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران، جهت کنترل یا مهار تهدیدها و مشکلات بیداری اسلامی قرار دهد.

۱. چهارچوب مفهومی

۱-۱. مفهوم جهان اسلام

مفهوم جهان اسلام، بر اساس شاخص‌هایی مانند: در دست داشتن ساختار سیاسی قدرت، بر اساس میزان جمعیت و رویکرد حقوقی قابل تعریف است.

۱-۱-۱. مفهوم جهان اسلام بر اساس درست داشتن ساختار سیاسی قدرت

قلمرو جهان اسلام از قرن اول هجری به بعد، سیر تحول تاریخی متفاوتی را پشت سر گذاشته است. در حال حاضر مجموعه عظیم جغرافیایی جهان اسلام، سرزمینی به طول یازده هزار کیلومتر و به عرض بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر، با ترکیبی بسیار متنوع از نظر انسانی و طبیعی را شامل می‌شود. (عزتی، ۱۳۸۷: ص ۴۶) بر اساس این تعریف، افرادی به عنوان تشکیل دهنده‌های جهان اسلام به شمار می‌آیند که در مرحله نخست در یک کشور اسلامی در حال زندگی باشند و دوم آنکه در آن کشور قدرت سیاسی در اختیار مسلمانان باشد؛ در این صورت نیازی نیست که مسلمانان در اکثریت جمعیتی آن کشور قرار داشته باشند، بلکه صرف در اختیار داشتن قدرت کافی است تا به عنوان اعضای جهان اسلام شناخته شوند.

۱-۱-۲. مفهوم جهان اسلام بر اساس رویکرد میزان جمعیت

تعریف دیگری از جهان اسلام وجود داشته که با رویکرد به میزان جمعیت است. در این تعریف، جهان اسلام به همه سرزمین‌هایی گفته می‌شود که تعداد قابل توجهی از مسلمانان به صورت بومی در آنجا زندگی می‌کنند. برای مثال، کشور آلمان که بیش از چند میلیون مسلمان در آنجا زندگی می‌کنند یک کشور اسلامی به شمار نمی‌رود. بنابراین کشورهایی که در سراسر جهان محل سکونت اقلیت‌های غیر بومی مسلمان هستند و همچنین سرزمین‌هایی که محل سکونت اقلیت‌های کوچک مسلمان بومی هستند، جزئی از جهان اسلام به شمار نمی‌آیند، ولی جزئی از امت اسلامی محسوب می‌شوند (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۲۳۵-۲۳۴). مفهوم سیاسی «امت اسلامی» به دلیل وابستگی ایدئولوژیکی همه مسلمانان جهان در برگیرنده همه مسلمانی است که در سراسر جهان به طور بومی یا غیر بومی و اقلیت یا اکثریت زندگی می‌کنند.

۱-۱-۳. مفهوم جهان اسلام بر اساس رویکرد حقوقی

حقوقدان‌ها با تکیه بر انگاره‌ها و آموزه‌های حقوقی به این پرسش که «چه کشوری را می‌توان اسلامی و چه کشوری را غیر اسلامی خواند؟» پاسخ‌های مختلفی داده‌اند. به نظر عمید زنجانی، کشورهای اسلامی، امروزه، به سرزمین‌هایی اطلاق می‌شود که مذهب رسمی آنها اسلام و اکثریت سکنه آنها مسلمان هستند و به همین لحاظ می‌توان آن را با مفهوم «دارالاسلام» یکی شمرد. (همان: ۲۳۴)

۴-۱-۱. مفهوم جهان اسلام در کلام مقام معظم رهبری

از دیدگاه مقام معظم رهبری «دنیای اسلام یک امت است و رای ایرانی بودن و عرب بودن، پاکستانی و هندی بودن و و رای همه اینها و مانند آن، ملت‌ها و دولت‌های اسلامی، امت اسلامی را تشکیل می‌دهند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۹/۲۷)

در جمع‌بندی تعاریف متعدد از جهان اسلام باید گفت، علی‌رغم کاربردی بودن مفهوم جهان اسلام، پیشینه بحث تعریف یا تعاریف جهان اسلام در برخی منابع به صورت گذرا وجود دارد، اما هیچ‌کدام از این منابع به طور مشخص و تحت این عنوان با معیارها و شاخص‌های منطقی که جامع باشد، ارائه نداده‌اند. حتی در مدخل‌های اختصاصی این مفهوم در دانشنامه جهان اسلام که از جوانب مختلف به موضوع پرداخته، تعریف جهان اسلام ارائه نشده است. شاخص‌هایی که در کتاب‌های کشورهای اسلامی و حقوق بشر، جغرافیای کشورهای اسلامی و مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی مسائل جهان اسلام به چشم می‌خورد، جامع نبوده و هر یک با رویکردی خاص به آن توجه کرده است. به نظر نویسنده، تعریفی که در بیانات مقام معظم رهبری از جهان اسلام ارائه شده بسیار جامع و مرتبط به این تحقیق است و آن تعریف چنین است: «دنیای اسلام یک امت است، و رای ایرانی بودن، و عرب بودن، پاکستانی و هندی بودن و و رای همه اینها و مانند آن، ملت‌ها و دولت‌های اسلامی، امت اسلامی را تشکیل می‌دهند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۳/۲۶).

۲-۱-۲. ضعف

نبود بعضی از توانایی‌های کلیدی در درون یک سازمان، نهاد و یا جامعه‌ای به عنوان یک ضعف تلقی می‌شود. (پیرس و رایینسون، ۱۳۹۱: ۳۰۷-۳۰۹) در درون جهان اسلام نیز برخی ناتوانایی‌هایی وجود دارد، این ضعف‌ها و کاستی‌ها، بیش از آن که ناشی از عوامل خارجی و متأثر از دشمنان باشد، به دولت‌ها، نخبگان و حتی به مردم مسلمان بر می‌گردد. فقر، جهل، ظلم، تبعیض، عقب‌ماندگی، ایستایی، زورگویی، تحمیل، تحقیر و... از امور و مسائلی هستند که بیشترین ریشه‌اش به داخل کشورهای مسلمان می‌رسد. (ولایتی، ۱۳۹۰: ۵۶)

۳-۱-۳. تهدید

تهدید، یک حالت، وضعیت خاص، رفتار و پدیده‌ای است که برداشت‌های گوناگونی از آن

وجود دارد و حد و مرز آن اعتباری و به عبارتی، در ارتباط با زمان و مکان است. مبانی فکری، اندیشه سیاسی و محیط امنیتی، بر تعریف تهدید، قدرت و امنیت، تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. ممکن است پدیده و یا مسئله‌ای برای جامعه‌ای، پدیده‌ای عادی و یا مسئله‌ای اجتماعی باشد، در حالی که همان پدیده و وضعیت برای جامعه دیگر، مسئله‌ای غیرعادی، خطر یا بحران امنیتی به‌شمار آید. بنابراین، ماهیت، نوع، شدت، سطح تهدیدها، تابع عقاید و نگرش بازیگران، محیط اجتماعی و ملی و محل وقوع تهدید باشد. (تریف تری و دیگران؛ ۱۳۸۳: ۴۸)

۴-۱. راهبرد

راهبرد حاصل ایجاد پیوند و ارتباط میان چهار عامل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی است که حاصل این پیوند و رابطه ایجاد مزیت رقابتی پایدار و کسب برتری در برابر رقبای است (فرد آر. ۱۳۸۰: ۲۳).

۵-۱. بیداری اسلامی

از منظر مقام معظم رهبری، بیداری اسلامی در واقع ایجاد برانگیختگی و آگاهی‌ای در امت اسلامی است که به تحولات و دگرگونی‌های بیرونی منجر می‌شود. از نظر ایشان مفهوم بیداری اسلامی انتزاعی نبوده، بلکه قابل مشاهده و محسوس است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۲). «بیداری اسلامی فضا را انباشته و قیامها و انقلابهای بزرگی را پدید آورده و مهره‌های خطرناکی از جبهه دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است» (مقام معظم رهبری، مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

۲. چهارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق بهره‌گیری از الگوی نظری SWOT است. در این الگو، برای انتخاب یک راهبرد مناسب، نقاط قوت و ضعف که مربوط به محیط داخلی است و فرصتها و تهدیدهای که معطوف به محیط بیرونی است باید شناسایی شود. (برایسون، ۱۳۸۶: ۱۲۳) قوت‌ها در واقع همان منابع و توانایی‌هایی است که یک نهاد یا سازمان و یا جامعه‌ای در اختیار داشته و می‌تواند از آنها به‌منظور ایجاد یک مزیت رقابتی استفاده کند (پیرس و رابینسون، ۱۳۹۱: ۳۰۷-۳۰۸).

۳۰۹). نبود بعضی از توانایی‌های کلیدی در درون یک سازمان، نهاد و یا جامعه‌ای به‌عنوان یک ضعف تلقی می‌شود (همان). یک تهدید، موفقیت نامطلوب در محیط خارجی سازمان، نهاد و یا جامعه است (همان). در مقابل یک موقعیت مناسب که در بیرون از یک سیستم است و با کمک آن می‌توان به رشد و توسعه رسید و بر مشکلات فائق آمد؛ فرصت نامیده می‌شود (همان). بعد از استخراج قوت‌ها، ضعف‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها؛ چهارچوب وضعیت کلی WT, WO, ST, SO به هم پیوند داده شده و گزینه‌های راهبرد خلق و انتخاب می‌شود. (فرد آر. ۱۳۸۰: ۲۳) راهبردها در واقع تعیین کننده زمینه‌های فعالیت در محیطی پیچیده و پویا و ابزاری است که به عنصر انسانی در یک نظام سازمانی حیات بخشیده و افراد را به حرکت وادار می‌دارد (Ansoff ۱۹۸۸: ۱۰۱) در الگوی سوات راهبردها حاصل ایجاد پیوند و ارتباط میان چهار عامل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی است که حاصل این پیوند و رابطه ایجاد مزیت رقابتی پایدار و کسب برتری در برابر رقا است (همان، ۲۱). در راهبردهای رقابتی/پیشگامی (SO) سعی می‌شود با اتکا بر نقاط قوت درونی، از فرصت‌های بیرونی بهره‌برداری به عمل آید (پیرس و رابینسون، ۱۳۸۳: ۳۱۱-۳۱۲). در راهبردهای (WO) هدف این است تا با بهره‌گیری از فرصت‌های بیرونی موجود، از نقاط ضعف درونی کاسته شود (همان). در راهبردهای ST کوشش می‌شود تا با استفاده از نقاط قوت درونی، اثرات ناشی از تهدیدهای موجود در محیط خارج، کاهش داده (همان) و در نهایت، در راهبردهای WT که بدترین وضعیت است، هدف کم کردن نقاط ضعف درونی و پرهیز از تهدیدهای ناشی از محیط خارجی است (فرد آر. ۱۳۸۶: ۳۶۴-۳۶۰). مدل سوات از ابزارهای مدیریتی برای تطابق ضعف‌ها و قوت درونی با فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی است. برای شناسایی این عوامل، تحلیل سوات، روشی نظام‌یافته و انتخابی راهبردی ارائه می‌دهد که بهترین تطابق را ایجاد نماید (Fisher 1989: 157). در تحلیل سوات مهم‌ترین عوامل درونی و بیرونی خلاصه می‌شود. عوامل مذکور با عنوان عوامل راهبردی تأثیرگذار شناخته می‌شوند. (kangasetal2003: 352) تحلیل سوات ابزار پشتیبانی مهم برای تصمیم‌گیری است و بیشتر همانند ابزاری برای تحلیل نظام‌مند محیط‌های درونی و بیرونی یک جامعه به کار می‌رود (Kotler 1988: 87) در این تحقیق با توجه به موضوع تحقیق راهبردهای تدافعی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری استخراج می‌گردد.

فرصتها - O	نقاط قوت - S	نقاط ضعف - W
راهبردهای SO (بهره‌گیری از نقاط قوت و بهره‌جستن از فرصت‌ها).	راهبردهای WO (بهره‌گیری از فرصت‌ها و کاهش نقاط ضعف).	
تهدیدها - t	راهبردهای St (جلوگیری از تهدیدها و استفاده از نقاط قوت).	راهبردهای Wt (کاهش نقاط ضعف و کنترل تهدیدها).

۳. ضعف‌های سیاسی جهان اسلام

جهان اسلام در درون خویش دارای ضعف‌های است. مقام معظم رهبری بارها ضعف‌های درونی جهان اسلام را برشمردند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

جهان اسلام ضعف‌هایی در درون دارد، در حدی که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت... فقر، جهل، ظلم، تبعیض، عقب ماندگی، ایستایی، زورگویی، تحمیل، تحقیر و... از امور و مسائلی هستند که بیشترین ریشه‌اش به داخل کشورهای مسلمان می‌رسد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

در ذیل ضعف‌های درونی جهان اسلام از منظر مقام معظم رهبری بیان شده است.

۳-۱. تفرقه مذهبی

یکی از عواملی که به‌صورت بارز بر روند اتحاد و توسعه مناسبات بین ملت‌های مسلمان تأثیر منفی بر جای گذاشته است، اختلافات مذهبی با یکدیگر است. تفرقه مذهبی میان شیعه و سنی؛ نمونه‌هایی از اختلافاتی است که دورنمای همکاری و گسترش همگرایی میان مسلمانان را به‌صورت جدی، تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «به‌راستی وضع مسلمین از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی، تأسف‌انگیز است. بسیاری از توانایی‌های علمی و فکری مسلمین در طول تاریخ، صرف تعارض با یکدیگر شده است.» (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۷۰/۷/۱). در یک جمع‌بندی می‌توان علل تفرقه مذهبی میان مسلمین را در مواردی مانند: تعدد مذاهب و عصبیت‌های مذهبی، عدم شناخت مسلمانان از یکدیگر، بخش و جعل اتهامات یا اکاذیب و تبادل القاب و اوصاف نادرست نسبت به یکدیگر، جنبه‌های ناسیونالیستی و عصبیت‌های قومی، نام برد (صفوی، ۱۳۸۷، ۴۰-۴۴).

۳-۲. وجود جریان‌های انحرافی و افراطی

استفاده از پوشش مذهب، بهترین روشی است که می‌توان آن را علیه مذهب به کار گرفت؛ زیرا زیان رساندن به اتحاد مسلمانان و پراکنده کردن صفوف یکپارچه آنان، تنها با این روش امکان‌پذیر است. یکی از راه‌های ضربه‌زدن جریان‌ات استکباری به خصوص سرویس‌های جاسوسی انگلیس، آمریکا و صهیونیسم به دین مبین اسلام، فرقه‌سازی و تشدید اختلافات در میان مذاهب اسلامی است. تشکیل گروه‌های تندروی اهل سنت موسوم به تکفیری-وهابی و همچنین حمایت از جریان‌های انحرافی و افراطی (ابراهیم فر، ۱۳۷۸: ۴۸). در مذهب تشیع، همچون جریان‌های بهائیت، انجمن حجتیه و فرقه شیرازی در داخل ایران، عراق و کشورهای منطقه از جمله اقداماتی است که کشورهای غربی در راستای سیاست‌های ضداسلامی خود دنبال می‌کنند (یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۴۳). جریان‌های انحرافی و افراطی در اهل سنت و تشیع نیز به دلیل پوشش مذهبی آنها همواره در جهان اسلام ایجاد چالش می‌کردند (نوری، ۱۳۹۶، ۷۸). جریان‌های افراطی که قرائت و برداشت خود را به عنوان اسلام حقیقی و راستین با توسل به خشونت و ترور می‌خواهند تطبیق کنند، گروه‌های اسلامی ناهمسو با این قرائت را نیز مشمول تحمیل خشونت و کشتار می‌دانند (امه طلب، ۱۳۸۶: ۴۵ و ۴۶). مقام معظم رهبری ضمن تأکید بر اهداف استکبار برای ایجاد اختلاق مذهبی در جهان اسلام؛ مسلمانان اعم از سنی و شیعه که در این راستا قدم برمی‌دارند را عاملین دست استکبار معرفی نموده و آنها را عاملین انحراف بیداری اسلامی برشمردند (نوری همان، ۹۶-۱۰۲).

جریان تکفیر توانست حرکت بیداری اسلامی را منحرف کند... جریان تکفیر، این حرکت عظیم ضد استکباری و ضد آمریکایی و ضد استبدادی را تغییر جهت داد به جنگ بین مسلمانان و به برادرکشی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۹/۴).

۳-۳. وابستگی و اعتماد به غرب

سرزمین‌های اسلامی، هم به دلایل راهبردی و هم وجود منابع طبیعی و اولیه، همیشه مورد توجه قدرت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا هستند. قدرت‌های بزرگ نیز به منظور حفظ و تقویت منافع خود در صدد روی کاری آوردن نظام‌ها حکام وابسته در کشورهای اسلامی بوده‌اند. با وجود شکل‌گیری بیداری اسلامی به دلیل اعتمادی که برخی از رهبران این جریان به کشورهای غربی و

استعماری نمودند، بیداری اسلامی از مسیر اصلی خود خارج شده و همچون چراغی روزبه‌روز به خاموشی گرایید.

دیدید در بعضی از این کشورهای عربی یک حرکت خوبی انجام گرفت، یک مبارزه خوبی به‌وجود آمد، یک غوغایی به‌پا شد، یک بیداری‌ای به‌وجود آمد، منتها مثل شعله‌ای که بیایند روی آن خاکستر بریزند و خاک بریزند، خاموش شد؛ چرا؟ چون «لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» را عمل نکردند. رکون (۱۳) کردند رفتند به سمت آمریکا، به رژیم صهیونیستی؛ نفهمیدند چه کار باید بکنند، [لذا] این جوری می‌شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۲/۱۶).

۳-۴. نبود رهبری واحد و متعهد

وجود علما و اندیشمندان همواره چراغ راه حرکت‌های مختلف بوده است. در این میان بیداری اسلامی نیز از این حیث مستثنی نبوده و نقش علما و اندیشمندان در این عرصه پر رنگ است. در این میان وجود علما و اندیشمندانی که وابستگی به قدرت و ثروت داشتند، عاملی برای انحراف است و در رابطه با بیداری اسلامی نیز وجود آنها ضعفی بزرگ در جهان اسلام است. این افراد با به انحراف کشاندن بیداری اسلامی، مانع رسیدن بیداری اسلامی به اهداف بلند آن می‌شوند. امروز در دوران حرکت‌های امیدبخش بیداری اسلامی، گاه صحنه‌هایی دیده می‌شود که نمایش‌گر تلاش عمده آمریکا و صهیونیسم برای تراشیدن مرجعیت‌های فکری نامطمئن از یک سو، و تلاش قارون‌های شهوتران برای کشاندن اهل دین و تقوا بر سر بساط مسموم و آلوده خود، از سوی دیگر است. علمای دین و رجال دیندار و دین‌مدار، باید به‌شدت مراقب و دقیق باشند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۹).

در جدول زیر ضعف‌های سیاسی جهان اسلام از منظر مقام معظم رهبری بیان شده است.

شماره	ضعف‌ها (Weaknesses)
۱w	تفرقه مذهبی حقاً وضع مسلمین از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی، تأسف انگیز است. (مقام عظم رهبری، ۱۳۹۰/۲/۱۵).
۲w	وجود جریان‌های انحرافی در مذاهب اسلامی (سنی و شیعه) دو دسته عامل و مزدور دشمن در این زمینه شدند: یک دسته از سنی‌ها، یک دسته از شیعه‌ها؛ یک دسته آن تکفیریهای منحرف از حقیقت دین، یک دسته هم از کسانی که برای دشمن کار می‌کنند، زیر اسم شیعه و به نام شیعه، تحریک احساسات دیگران را می‌کنند، و دشمنی‌ها را توجیه می‌کنند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

۳w	وابستگی حکام، سیاستمداران و اندیشمندان اسلامی به غرب یا شرق (دولت‌های اسلامی) به این فکر که چشم مردم خودشان را به حقایق باز کنند، نیستند و بیشتر بازگو کننده خواست قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گرند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۱/۱۹).
۴w	فقدان اتحاد درونی (اختلافات ارضی، ناسیونالیسم و نژادگرایی، تنوع نظام‌های سیاسی و بی‌ثباتی‌های سیاسی، نبود رهبری واحد و متعدد و رقابت‌های منفی). دنیای اسلام اتحاد درونی ندارد، به اتحاد درونی فکر نمی‌کند، در اندیشه اتحاد بین ملت با ملت، دولت با دولت و ملت با دولت نیست. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰)

۴. تهدیدهای سیاسی جهان اسلام از منظر مقام معظم رهبری (Threats)

جهان اسلام به دلیل اهمیت و ویژگی خاصی که دارد همواره مورد طمع کشورهای استکباری بوده است. برخی از مشکلات و حوادثی که در جهان اسلام رخ می‌دهد ناشی از تهدیداتی است که همواره خارج از جهان اسلام بر مسلمانان تحمیل می‌شود. دشمنان اسلام با تخریب عقائد، ترویج فساد و بی‌بند و باری، تبلیغ و ترویج اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، ایجاد اختلاف در میان کارگزاران نظام اسلامی و نمونه‌های دیگری از تهدیدها تلاش دارند از رسیدن مسلمانان به اهداف و آرمان‌های اسلام ناب که فتح قله‌های رشد و تعالی است، جلوگیری کرده و در نهایت مانع گسترش اسلام در جهان شوند. مقام معظم رهبری با بیان این مطالب همواره مسلمانان را نسبت به تهدیدات پیش‌رو آگاهی داده و ابعاد گوناگون تهدیدات علیه جهان اسلام را برشمردند. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند: گاه خطراتی که متوجه جهان اسلام است، از بیرون مرزها می‌آیند. بخش عمده خطرات به وسیله دشمنان امت اسلامی صورت می‌گیرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۳/۱۷).

۴-۱. تخریب عقائد و ایمان مسلمین توسط استعمار

مقام معظم رهبری ضمن تأکید بر اندیشه‌های بلند اسلام ناب، عمل به آن را وسیله‌ای برای نجات امت اسلامی بر شمرده‌اند. دشمنان اسلام همواره سعی می‌کنند که این عقائد و اندیشه‌های مکتب اسلام را تخریب کرده و به بی‌راه بکشانند (صواف، ۱۳۴۶: ۲۷۱). ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

استکبار و دستگاه‌های استعماری در طول دوپست سال سعی کردند این مفاهیم را از یاد مسلمانها ببرند؛ آنها را از هویت خودشان غافل کنند تا بتوانند دست

تجاوز را به محیط سیاسی آنها، به محیط اقتصادی آنها، به فرهنگ بومی آنها دراز کنند و تناول کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۳/۱۷).

۴-۲. تبلیغ و ترویج اختلافات عقیدتی و ایمانی

ایجاد اختلاف عقیدتی و ایمانی یکی دیگر از تهدیدهایی است که از خارج از مرزهای اسلام، جهان اسلام را تهدید می‌کند. مطالعه تاریخ اسلام برای هر خواننده منطقی این نتیجه را خواهد داشت که در پی خاموش کردن نور اسلام همه قدرت‌های منحرف و همه صفوف شرک و الحاد دست به دست هم داده و برای مسلمانان مشکلات زیادی را ایجاد کردند. کوشش استعمارگران در راه نیل به اهداف استعماری به صورت جنگ فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی بوده است. مقام معظم رهبری تبلیغ و ترویج اختلافات عقیدتی را با آغاز بیداری اسلامی از ناحیه دشمنان اسلام، گسترده معرفی نموده به طوری که با آغاز بیداری اسلامی این تهدید تقویت شده است. «از وقتی در این منطقه نشانه‌های بیداری اسلامی دیده شد، فعالیت‌های ایجاد تفرقه بیشتر شد.» ایشان با تأکید بر این مطلب آن را یکی از روش‌های عملیاتی جبهه استکبار معرفی نمودند. امروز در دنیا دشمنانی به صورت علنی با اسلام مقابله می‌کنند؛ مقابله آنها در درجه اول با ایجاد اختلاف است. عمیق‌ترین اختلافها و خطرناک‌ترین اختلافها، اختلاف‌های عقیدتی و ایمانی است. امروز در دنیا، تحریکات ایمانی و عقیدتی برای به جان هم انداختن مسلمانان، به وسیله دست‌های استکباری انجام می‌گیرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۳/۶).

۴-۳. تبلیغ و ترویج نژادگرایی

دشمنان اسلام برای از بین بردن قدرت بیداری اسلامی و همچنین نفوذ بیشتر در دنیای اسلام، مسئله قومیت را با جدیت زیاد تبلیغ می‌کنند. به طوری که ملیت و تعصب را به عنوان یک اصل از اصول زندگی نوین انسانی و مشخصه‌ای پربها در شناسنامه اقوام گوناگون، معرفی می‌کنند. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند: «اختلاف بین سران کشورها، بین دولتها، بین ملت‌ها، با بهانه‌های گوناگون. نقشه همیشگی و ماندگار استکبار این است که اختلاف بیندازد؛ یا قومیت‌ها و ناسیونالیسم‌گری‌ها را در میان ملت‌ها زنده کند.» (۱۳۹۱/۵/۲۹).

۴-۴. تبلیغ و ترویج اسلام هراسی

دشمنان اسلام در عصر حاضر همواره سعی می‌کنند جامعه جهانی را از مکتب اسلام ترسانده و اسلام را در مجامع بین‌المللی به‌عنوان یک دین خشن معرفی کنند. مقام معظم رهبری با توجه به موضوع اسلام‌هراسی که غرب به سرکردگی آمریکا به کمک رسانه‌ها و عناصر تبلیغاتی ایجاد کرده در نامه‌ای خطاب به «جوانان اروپا و آمریکای شمالی»، ارائه تصویری ترسناک از دین مبین اسلام را «سیاه‌نمایی گسترده» علیه اسلام نامیده و از جوانان غربی خواستند «شناخت مستقیم و بی‌واسطه از اسلام به‌دست بیاورند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۹/۸).

۴-۵. تبلیغ و ترویج شیعه‌هراسی (ایران‌هراسی)

یکی دیگر از تهدیدهایی که خارج از مرزهای جهان اسلام، مسلمانان را تهدید می‌کند؛ ترویج شیعه‌هراسی و به‌دنبال آن، ایران‌هراسی است. مقام معظم رهبری ضمن تأکید بر وجود شیعه‌هراسی که نتیجه آن ایران‌هراسی است، آن را برای فاصله گرفتن بیداری اسلامی از آرمان‌های انقلاب اسلامی برشمرده که در نتیجه حفظ منافع رژیم غاصب صهیونیستی را به دنبال خواهد داشت. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «امروز در دنیای اسلام برای اینکه دستگاه‌های استکباری به هدفهای استکباری خودشان برسند، برای اینکه مشکلات خودشان را پوشیده و مخفی نگه دارند برای اینکه رژیم غاصب صهیونیستی را محفوظ نگه‌دارند، در میان مسلمانان اختلاف ایجاد می‌کنند؛ شیعه‌هراسی به‌وجود می‌آورند، ایران‌هراسی به‌وجود می‌آورند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۳/۶).

۴-۶. ایجاد جریان‌های تکفیری

یکی دیگر از تهدیدهای جهان اسلام که بیداری اسلامی را به انحراف کشانده است، وجود جریان‌های تکفیری است. این جریان‌های شور انقلابی جوانان در کشورهای اسلامی را از مسیر خود خارج نمودند.

جریان تکفیر، شور و حماسه جوانان مسلمان را در سراسر دنیای اسلام منحرف کرد. امروز در سرتاسر دنیای اسلام، جوانان یک شور و حماسه‌ای دارند، بیداری اسلامی در آنها اثر گذاشته است، آماده هستند در خدمت هدفهای بزرگ اسلام حرکت کنند، [اما] این جریان تکفیر، این

شور و حماسه را منحرف کرد و کسانی از جوانان بی‌خبر و جاهل را کشاند به سمت سر بریدن مسلمان و قتل عام زن و بچه و کودک یک روستا! این جزء سیئات جریان تکفیر است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۹/۴).

۴-۷. وجود رژیم غاصب صهیونیستی

رژیم غاصب صهیونیستی که به فرموده امام خمینی (ره) یک غده سرطانی در جهان اسلام است. به‌عنوان نماینده کشورهای استعماری در جهان اسلام تلاش دارد امت‌های اسلامی را به انزوا کشانده و دستورات استعماری استعمارگران را عملیاتی سازد.

منطقه حساس ما، بسیاری از مسائل و مشکلاتش به‌خاطر وجود این غده سرطانی صهیونیستی است، که دستهای آلوده به‌خون قدرتهای بزرگ، با همه توان می‌خواهند آن را حفظ کنند. آمریکایی‌ها صریح می‌گویند، دیگر قدرتهای مسلط دنیا هم به‌طور صریح ابراز می‌کنند که سرنوشت خودشان را وابسته کرده‌اند به سرنوشت رژیم صهیونیستی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۲۹).

در جدول زیر تهدیدهای سیاسی جهان اسلام از منظر مقام معظم رهبری بیان شده است.

شماره	تهدیدها (t)
T۱	تخریب عقائد و ایمان مسلمین دستگاه‌های استعماری در طول دوپست سال سعی کردند مسلمانان را از هویت خودشان غافل کنند تا بتوانند دست تجاوز را به محیط سیاسی آنها، ... دراز کنند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۲/۱۸)
T۲	اختلاف افکنی و ایجاد تفرقه در میان دولت‌ها و ملت‌های مسلمان مهم‌ترین شگردهای دشمنان امت اسلامی، ایجاد اختلاف است؛ اختلاف ایجاد کنند، آنها را به هم سرگرم کنند، آنها را به هم مشغول کنند، فرصت فکر کردن به آنها ندهند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۶/۱۶) اختلاف بین سران کشورها، بین دولت‌ها، بین ملت‌ها، با بهانه‌های گوناگون. نقشه همیشگی و ماندگار استکبار این است که اختلاف بیندازد؛ یا قومیت‌ها و ناسیونالیسم‌گری‌ها را در میان ملت‌ها زنده کند. (۱۳۹۱/۵/۲۹)
T۳	ترویج اسلام هراسی در میان ملت‌ها ارائه تصویری ترسناک از دین مبین اسلام سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۹/۸).
T۴	ترویج شیعه هراسی (ایران هراسی) در میان مسلمین امروز در دنیای اسلام برای اینکه دستگاه‌های استکباری به هدفهای استکباری خودشان برسند، شیعه‌هراسی به‌وجود می‌آورند، ایران‌هراسی به‌وجود می‌آورند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۳/۶).
T۵	ترویج جدایی دین از سیاست در میان جوامع اسلامی یک سنگر دیگر از سنگرهای دشمن، جدایی دین از سیاست است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۹/۸)

T۶	ایجاد جنگ و درگیری و دخالت‌های نظامی به صورت مستقیم، ایجاد جنگ‌های نیابتی، ترور مخالفان و مبارزان و رهبران جبهه مقاومت، ترور اندیشمندان. آنجائی که استکبار با محاسبات مادی خود تصور کند که می‌تواند گام متجاوزانه‌ای بردارد، تأمل نخواهد کرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۲/۱۲).
TV	وجود رژیم غاصب صهیونیستی بسیاری از مسائل و مشکلاتش به خاطر وجود این غده سرطانی صهیونیستی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۲۹)

۱. راهبردهای تدافعی (wt)

هدف کلی راهبرد دفاعی یا حداقل-حداقل که می‌توان آن را «راهبرد بقا» نیز نامید، کاهش ضعف‌های جهان اسلام برای کاستن و خنثی سازی تهدیدها است. در این راهبرد تلاش می‌شود تا از طریق شناخت نقاط ضعف و تهدیدها راهبردهای ممکن برای بقا بیان شود. هدف این راهبرد حفظ خود در شرایط بحرانی است. (فرد آر. ۱۳۸۶: ۹۵) در این قسمت راهبردهای تدافعی جهان اسلام از منظر مقام معظم رهبری بیان می‌شود.

۴-۱. تقویت روحیه وحدت و ایستادگی: $(W1+w4+t2+t4+t5) = (wt)1$

قوم‌گرایی، نژادگرایی و تخریب عقائد و مقدسات موجب از میان رفتن وحدت، انسجام، ایستادگی، صبر و اعتماد به وعده خداوند متعال می‌شود اما ایستادگی در برابر کمبودها و مشکلات در راستای رشد و بالندگی و رهایی از اسارت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی راهی مهم برای مقابله با دشمنان اسلام است. فشارهای سیاسی و روانی دشمن یکی از اهرم‌هایی است که دشمنان با آن مسلمانان و کشورهای کم‌توان را از میدان مبارزه بیرون می‌کند. مقام معظم رهبری دستیابی به قله‌های رفیع خودباوری و بالندگی علمی و آینده درخشان مسلمانان را مرهون پایداری امروز در برابر فشارهای دشمن و مبارزه با نابسامانیها می‌داند. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «ملت‌های مسلمان اگر استقامت بورزند، خود و نسل‌های پس از خود را از ذلت عقب‌ماندگی و اسارت سیاسی اقتصادی و فرهنگی رها خواهند ساخت و طعم گوارای زندگی در سایه اسلام را خواهند چشید.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۴/۲۶).

مقام معظم رهبری با تأکید بر صبر و استقامت مسلمانان برای رسیدن به رشد و پیشرفت همه‌جانبه، در این زمینه می‌فرماید: «امت اسلامی به کمک ایستادگی، صبر و اعتماد به وعده

الهی خواهند توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قلۀ تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند.» (همان).

۲-۴. تقویت سطح آگاهی و بصیرت در میان مسلمانان: $2(Wt) = (W1 + w2 + w4 + t1 + t2 + t3)$

همواره یکی از راه‌های نفوذ دشمنان اسلام از طریق جهل و نبود آگاهی افشار مختلف مسلمانان است. در دوران بیداری اسلامی نیز دشمنان اسلام از نبود آگاهی و بصیرت مسلمانان سوء استفاده کرده و اقدام به تخریب عقائد مسلمانان می‌کنند. بالا رفتن سطح بصیرت در میان عموم مسلمانان به خصوص علماء و اندیشمندان اسلامی، برای مقابله با ترندهای اختلاف برانگیز دشمنان اسلام و جلوگیری از هر گونه اختلاف و نزاع در میان ملت‌های مسلمان، زمینه نفوذ در میان ملت‌های مسلمان را کاهش می‌دهد. بر همین اساس یکی از الزامات شخصیت انسان مسلمان بصیرت و قدرت بر تحلیل رفتارها و پدیده‌ها است تا بتواند در پرتو تحلیلی همه‌جانبه از سطح و ظاهر پدیده‌ها عبور و به درون امور و روابط ناپیدای آنها رسوخ کند تا بتواند واکنشی سنجیده و تصمیم و رفتاری به موقع در قبال آنها اتخاذ کند و بدین سبب مجذوب دشمن نگردد. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند:

امروز در دوران حرکت‌های امیدبخش بیداری اسلامی، گاه صحنه‌هایی دیده می‌شود که نمایش گر تلاش عملۀ آمریکا و صهیونیسم برای تراشیدن مرجعیت‌های فکری نامطمئن از یک سو و تلاش قارونهای شهوتران برای کشاندن اهل دین و تقوا بر سر بساط مسموم و آلودۀ خود، از سوی دیگر است. علمای دین و رجال دیندار و دین‌مدار، باید به شدت مراقب و دقیق باشند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۲/۹).

۳-۴. تقویت روند تنش‌زدایی برای ایجاد ارتش مشترک دفاعی: $3(Wt) = (w45 + t6)$

دشمنان اسلام با تهدید مسلمانان و تحقیر آنها اموال مسلمانان را به غارت می‌برند. علاوه بر این در درون جهان افرادی تحت عنوان تبلیغ مذهب خویش، به توهین به سایر مذاهب اسلامی پرداخته و در راستای دشمنان اسلام قدم می‌نهند. بر همین اساس رعایت و حفظ احترام متقابل نسبت به ارزشها و نمادهای مقدس یکدیگر و پرهیز از اختلافات و کشمکش‌های داخلی و بسیج

عمومی مسلمانان در جهت ایجاد ارتش مشترک دفاعی، برای مقابله با تجاوزات و تهدیدات کشورها و ملت‌های مسلمان می‌تواند موجب اتحاد و ائتلاف نیروهای پراکنده مسلح کشورهای اسلامی در دورانی که بیگانگان با یکدیگر متحد شده‌اند گردد. مقام معظم رهبری در نوروز سال ۸۶ طرح پیمان دفاعی مشترک را با کشورهای اسلامی همسایه و خلیج فارس مطرح ساخت تا حضور بیگانگان در این منطقه کاهش یابد و یک قدرت نظامی اسلامی و منطقه‌ای برای امنیت منطقه خاورمیانه و خلیج فارس تشکیل شود. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

اعتقاد ما این است که کشورهای حوزه خلیج فارس باید پیمان دفاعی مشترک داشته باشند و باید با هم همکاری کنند. برای دفاع از این منطقه مهم نباید امریکا و انگلیس و بیگانگان و دیگران و طمع‌ورزان بیایند؛ خود ما باید امنیت این منطقه را حفظ کنیم و این با همکاری کشورهای خلیج فارس ممکن است (مقام معظم رهبری، ۱/۱/۱۳۸۶).

۴-۴. تقویت پایبندی به ارزش‌های اسلامی: $4(Wt) = (W1 + w2 + t2 + t4)$

مسلمان اگر پایبند به ارزش‌ها و دستورات اسلامی باشند دشمنان اسلام هرگز نمی‌توانند به اهداف تجاوزکارانه و تخریبی خویش علیه اسلام دست یابند. مقام معظم رهبری نیز بازگشت به اجرای احکام اسلام را راه‌کار تجدید حیات تمدن نوین اسلامی معرفی کرده و در این زمینه می‌فرمایند:

دشمن آمریکا «اسلام‌گرایی» است؛ اسلام‌گرایی. یعنی مسلمان تا وقتی بی‌تفاوت راهش را بیاید و برود و انگیزه‌ای نسبت به اسلام نداشته باشد، احساس دشمنی با او نمی‌کنند؛ اما وقتی اسلام‌گرایی به میان آمد، پایبندی و تقید به اسلام و حاکمیت اسلام به میان آمد، پایه‌ریزی همان تمدن اسلامی وقتی به میان آمد، دشمنی‌ها شروع می‌شود؛ راست گفته، دشمن او اسلام‌گرایی است. لذا وقتی بیداری اسلامی در دنیای اسلام رخ می‌دهد، شما می‌بینید چه قدر دستپاچه می‌شوند، تلاش می‌کنند، کار می‌کنند بلکه ضایعش کنند، بلکه نابودش کنند (مقام معظم رهبری، ۸/۱۰/۱۳۹۴).

۴-۵. تقویت و توسعه همکاری‌های مشترک میان کشورهای اسلامی $(Wt)5 = (W3+w4+t5+t6)$

نبود مرادوات و یا ارتباط حداقلی در میان کشورهای اسلامی از یک سو و از سویی وجود تحریم‌ها و تهدیدها علیه بسیاری از کشورهای اسلامی موجب شده مسلمانان با بهره‌گیری از توانمندی‌های اقتصادی و ایجاد بازار مشترک اسلامی، جهان اسلام را از نوسانات و مسیر پرنشیب فراز تعاملات اقتصاد بین‌الملل مصون دارند و در آینده بتوانند به یک قطب اقتصادی و تأثیرگذار در عرصه بین‌الملل تبدیل گردند. یکی از همکاری‌ها، توسعه بانک اسلامی است که مقام معظم رهبری ضمن تقویت مبادلات پولی و بانکی می‌فرماید:

ما (کشورهای اسلامی) می‌توانیم به هم کمک کنیم و همکاری‌ها را توسعه دهیم. برای توسعه این همکاری‌ها هیأت عامل بانک توسعه اسلامی می‌تواند هدف کمی و قابل سنجش را تعریف کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۲).

۴-۶. تقویت روحیه صهیونیسم ستیزی در میان دولت‌ها و ملت‌های اسلامی: $(Wt)6 = (w4+t5+t6)$

بسیاری از کشورهای اسلامی همواره مورد تهدید استکبار جهانی و به‌ویژه رژیم غاصب صهیونیستی است. از طرف دیگر برخی از دولت‌مردان در کشورهای اسلامی دست دوستی به رژیم صهیونیستی داده و همکاری‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و غیره دارند. بر همین اساس ایجاد وحدت به واسطه تمرکز و اهتمام جدی بر تقویت باورها و ارزشهای مشترک بامحور کلمه لا اله الا الله در میان امت اسلام برای تقویت جهان اسلام به‌ویژه حمایت از فلسطین و مقابله با تهدیدهای جهان استکبار و در رأس آن نابودی رژیم غاصب صهیونیستی نشان‌دهنده مقاومت و همبستگی جهان اسلام علیه استکبار جهانی است. مقام معظم رهبری راه پیروزی در بیداری اسلامی را مبارزه با استکبار و به‌ویژه از بین بردن رژیم غاصب صهیونیستی می‌دانند.

در این قیام‌های بزرگ، مرد و زن مسلمان علیه استبداد حاکمان و سیطره آمریکا که به تحقیر و تذلیل ملت‌ها و هم‌پیمانی با رژیم جنایت‌مدار صهیونیستی انجامیده بود، به پا خاستند. عامل نجات‌بخش خود در این مبارزه مرگ و زندگی را اسلام و تعالیم و شعارهای نجات‌بخش آن

دانستند و این را به صدای رسا اعلام کردند. دفاع از ملت مظلوم فلسطین و مبارزه با رژیم غاصب را سرلوحه خواسته‌های خود قرار بدهند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۸/۴).

۴-۷. تقویت روحیه ضد استکباری و عدم وابستگی به نظام سلطه: $7(Wt) = (Wt) (W3+t5)$ جهت‌گیری ضد استکباری و به‌ویژه ضد آمریکاگرایانه مسلمانان در چارچوب اتکا بر مضامین و مفاهیم متنوعی چون «نه غربی نه شرقی» در راستای افزایش حفظ استقلال سیاسی و عدم وابستگی سیاسی به نظام سلطه به عنوان شاه‌کلیدی در راستای رشد سیاسی و بالندگی ملت‌های مسلمان خواهد بود. ملت‌های مسلمان نباید در مقابل آمریکا که همواره دشمن درجه یک مسلمانان شناخته می‌شود تسلیم شوند؛ مقام معظم رهبری با تأکید بر عدم اعتماد به آمریکا، این اقدام را تلاش برای افزایش حفظ استقلال سیاسی و عدم وابستگی سیاسی به نظام سلطه معرفی نمودند. ایشان در این زمینه فرمودند:

وعده‌ها و وعیدهای آنان [مستکبران عالم] نباید در تصمیم‌ها و اقدام‌های نخبگان سیاسی و در حرکت عظیم مردمی اثر بگذارد. در اینجا نیز باید از تجربه‌ها درس بیاموزیم. آنها که در طول سالیان به وعده‌های آمریکا دل خوش کرده و رکون به ظالم را مبنای مشی و سیاست خود ساختند، نتوانستند گرهی از کار ملت خود بگشایند، یا ستمی را از خود یا دیگران برطرف کنند. آنها با تسلیم در برابر آمریکا نتوانستند از ویرانی حتی یک خانه فلسطینی در سرزمینی که متعلق به فلسطینیان است، جلوگیری کنند. سیاستمداران و نخبگانی که فریفته تطمیع یا مرعوب تهدید جبهه استکبار شوند و فرصت بزرگ بیداری اسلامی را از دست دهند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۹).

۴-۸. تقویت روحیه مقاومت اسلامی $8(wt) = (w2+w3+t2+t4)$

جهان اسلام باید بداند که یکی از مهمترین راه موفقیت و برون رفت از تهدیدها؛ تقویت روحیه مقاومت بوده و تقویت بیداری اسلامی منوط به آن است.

عرض ما به برادران مسلمان، به ملت‌های مسلمان، به روشنفکران دنیای اسلام، به علمای محترم دینی در کشورهای اسلامی همین است؛ این حرکت اسلامی را هرچه می‌توانید تقویت

کنید؛ راه نجات این منطقه تقویت بیداری اسلامی است؛ تقویت حرکت مقاومت اسلامی است. این وظیفه متوجه عموم آحاد ملت‌های مسلمان است؛ به خصوص علمای اسلام، به خصوص روشنفکران، نویسندگان، شعرا، دانشمندان، هنرمندان، نخبگان سیاسی؛ اینها موظفند، اینها مخاطبند به خطاب دعوت پیامبر اسلام و هدایت اسلامی. امروز این زمینه در دنیای اسلام پدید آمده است؛ به خصوص در این منطقه غرب آسیا زمینه بیداری اسلامی فراهم است؛ همه باید کمک کنند، این بیداری را به ثمر برسانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۹/۴).

نتیجه‌گیری

با بررسی اندیشه‌ها و آراء مقام معظم رهبری در رابطه با ضعف‌ها و تهدیدهای سیاسی که بیداری اسلامی را در جهان اسلام به چالش می‌کشاند، به این نتیجه می‌رسیم که بیداری اسلامی اگرچه خود یک ظرفیت مهم در جهان اسلام است، اما وجود ضعف‌ها و تهدیدها مانع از به سرانجام رسیدن بیداری اسلامی می‌گردد. بخشی از این کاستی‌ها به ملت‌های مسلمان و برخی دیگر به دولت‌های کشورهای اسلامی بر می‌گردد. مواجهه و رویارویی جهان اسلام با تهدیدها و کاستی‌ها، نباید مانع از حرکت آن به سوی توسعه و تکامل بیداری اسلامی باشد، زیرا با توجه به راهبردهای تدافعی که مقام معظم رهبری برای مقابله با ضعف‌ها و تهدیدهای سیاسی بیداری اسلامی بیان نموده، به کارگیری آنها می‌تواند برای نجات بیداری اسلامی بسیار مفید فایده باشد.

کتاب نامه

- قرآن کریم
- ابراهیم فرطاهره، (۱۳۷۸)، بررسی علل واگرایی در منطقه خلیج فارس، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، ش ۲.
- برایسون، جان ام. (۱۳۸۶) برنامه ریزی استراتژیک برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی، ترجمه منوریان، عباس، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- پیرس و رابینسون. (۱۳۹۱). برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک. ترجمه سهراب خلیلی شورینی، یادواره کتب.
- تریف تری و دیگران. مطالعات امنیتی نوین. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ ۱۳۸۳، ص ۴۸.
- حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۷۵/۹/۵). بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد مسعود مولای متقیان علی (ع)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir
- _____ (۱۳۹۳/۳/۶). بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دسترسی در: www.khamenei.ir
- _____ (۱۳۹۳/۵/۷). بیانات در دیدار صدها نفر از مسئولان و قشرهای مختلف مردم و سفیران و کارداران کشورهای اسلامی در ایران، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir
- _____ (۱۳۹۵/۹/۲۷). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir
- _____ (۱۳۹۳/۶/۱۶). بیانات در دیدار مسئولان و دستدرکاران حج، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir
- _____ (۱۳۹۱/۱۲/۱۴). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir
- _____ (۱۳۹۳/۸/۲۸). گزارش از بیانات و اقدامات رهبر معظم انقلاب

اسلامی برای قطع وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir.

• (۱۳۹۲/۷/۲۲) پیام به کنگره عظیم حج، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir.

• (۱۳۹۲/۱۰/۲۹) بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir.

• (۱۳۹۳/۳/۲۹) بیانات در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم استان آذربایجان شرقی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir.

• (۱۳۹۲/۱۰/۲۹) بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir.

• (۱۳۸۷/۴/۲۶) بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی (ع)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir.

• (۱۳۹۲/۲/۹) بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir.

• (۱۳۹۰/۱۱/۱۲) بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir.

• (۱۳۹۵/۳/۱۴) بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir.

• (۱۳۹۲/۳/۱۷) بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دسترسی در: www.khamenei.ir.

• نامه خطاب به جوانان اروپایی و آمریکایی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دسترسی در: www.khamenei.ir، ۱۳۹۴/۹/۸.

• بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دسترسی در: ۱۳۹۳/۳/۶.

• بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، پایگاه اطلاع

- رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دسترسی در: www.khamenei.ir، ۱/۱/۱۳۹۵.
- سنت جان، کارون و جفری هریسون (۱۳۷۸). مترجم بهروز قاسمی، مدیریت استراتژیک، تهران، هیات.
 - صواف، محمد محمود، نقشه های استعمار در راه مبارزه با اسلام، سیدجواد هشترودی، تهران، فراهانی، ۱۳۴۶، ص ۲۷۱.
 - زنجانی، عمید (۱۳۸۴). حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی، تهران، میزان.
 - فرد آر، دیوید (۱۳۸۰). مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
 - عزتی، عزت... (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک در قرن ۲۱، تهران، سمت.
 - نوری گلجانی عبدالله، (۱۳۹۵) جریان شناسی فکری و فرهنگی انجمن خیریه حجتیه، قم، زمزم هدایت،
 - ولاپتی علی اکبر، افتتاحیه هشتمین اجلاس اتحادیه رادیو و تلویزیون های اسلامی/۱، خبرگزاری فارس، دسترسی در: <http://www.farsnews.com>، ۱۳۹۴/۵/۲۵.
 - یوسفی محمد علی و محمد یوسفی جویباری، (۱۳۸۱) همگرایی در میان کشورهای منطقه خلیج فارس: بررسی زمینه های موجود، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، ش ۲.

- Watts, G, Cope, J., & Hulme, M. (1998): Ansoff's Matrix, pain and gain: Growth strategies and adaptive learning among small food producers. International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research, 4(2), 101
- Fisher, C. (1989). Current and Recurrent Challenges in HRM Journal of Management, 15(2).
- Kotler, P. (1988). Marketing Management: Analysis, planning, implementation and control. New Jersey, Prentice-Hall.
- Kangas, J., Kurttila, M., Kajanus, M., Kangas, A. (2003). "Evaluation

واکاوی جلوه‌های پایداری در شعر معاصر یمن (مطالعه موردی: شهید محمد محمود الزبیری)

دکتر علی قهرمانی^۱ (نویسنده مسئول)

فاطمه تنها^۲

حسین الیاسی^۳

چکیده

تاریخ سیاسی معاصر یمن آکنده از تغییرات بنیادین از جمله هجوم و نفوذ کشورهای بیگانه بوده و در چند سال اخیر مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن، این کشور را آستان حوادث سیاسی کرده است. مقاومت و مبارزه این مردم در برابر ظلم و تجاوز، دارای ریشه‌های استوار تاریخی بوده و بنیان آن با صدای اعتراض و حق‌طلبی شاعران متعهد این سرزمین چون زید الموشکی، ابراهیم الحضرائی و شهادت شهیدانی چون محمد محمود الزبیری استحکام یافته است. شهید الزبیری با شعر خویش، شعله‌های امید را در روح هموطنان خود برافروخته و با تکیه بر عزت‌طلبی و آزادی‌خواهی، مردم را به استقامت فرا می‌خواند. این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی، به بیان مفهوم پایداری، استبدادستیزی و آزادی‌خواهی در شعر وی پرداخته و در پی رسیدن به این مهم است که شعر الزبیری به‌عنوان رهبر مقاومت یمن چه تأثیری در انقلاب یمن و رهایی آن از چنگال استبداد داشته است. دارا بودن روحیه آزادگی، عشق به وطن، دعوت به خیزش، اهتمام به مسأله فلسطین، مبارزه‌طلبی، اهتمام به وحدت عرب و امید به آینده‌ای درخشان، از مهمترین جلوه‌های پایداری در شعر الزبیری است که این پژوهش در صدد اثبات آن است.

واژگان کلیدی: ادبیات پایداری، شعر معاصر یمن، مقاومت، الزبیری

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. ایران.
d.ghahramani@yahoo.com
ORCID:0000-0001-6509-2426

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایران.
k.tanha68@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
hsn_elyasi@ut.ac.ir

۱- مقدمه

۱-۱ بیان مسأله:

یمن به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و استراتژیک و داشتن ذخایر غنی از دیرباز مطمح نظر استعمارگران و حکومت‌های استبدادی است. مختصات فرهنگی، جغرافیایی، امنیتی و اقتصادی این کشور آنچنان پیچیده و چندبعدی است که کنار هم قرار دادن ابعاد مختلف آنها نتیجه‌ای جز فهم اهمیت یمن در معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ندارد. یمن موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد و چشمگیری دارد که آن را از نظر استراتژیک پراهمیت ساخته است؛ با نگاهی به نقشه خاورمیانه می‌توان به سادگی نسبت آبراه باب‌المندب، خلیج فارس، دریای سرخ و اقیانوس هند و همچنین شبه جزیره عربستان، غرب آسیا، شمال آفریقا و شاخ آفریقا را فهمید. این کشور حاصل خیزترین خطه شبه جزیره عربستان به‌شمار می‌آید و با ساحلی به‌طول دو هزار و ۴۰۰ کیلومتر، دروازه طبیعی جنوبی و جنوب غربی شبه جزیره و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است. در دوره معاصر یمن مدتی را تحت سیطره حکومت عثمانی بوده است و از نظر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در رکود کامل به سر می‌برد، ضعف و اضمحلال حکومت عثمانی‌ها نیز این رکود را بیشتر می‌کرد. با آغاز جنگ جهانی اول، نبرد بین یمنی‌ها و عثمانی‌ها هم شدت بیشتری یافت و جنبش‌های مقاومت مردمی علیه عثمانی‌ها شکل گسترده‌ای گرفت که مهمترین آنها جنگ «شهاره» است که سبب عقب‌نشینی ترکان عثمانی از یمن و بسته شدن توافق نامه مشهور «دعان» با امام یحیی (در سال ۱۹۰۴ میلادی زمام حکومت را به‌دست گرفته بود) در سال ۱۹۱۱ میلادی گشت. (سعید باعباد، ۲۰۱۰: ۱۷) با پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ و تجزیه شدن یمن به شمال و جنوب، این کشور تحت سیطره کامل استعمارگران انگلیس قرار گرفت. بدیهی است که در سایه چنین وضعیت متشنج سیاسی، بازار شعر و ادبیات نیز در این دوره از رونق افتاد. اما چند سال بعد ادبیات پایداری، سبب خیزش مردم ستم‌دیده در برابر ظالمانی شد که جز سرکوب و ویرانگری چیزی در قاموس‌شان ذکر نشده است. محمد محمود زبیری شاعر نامدار یمن، از جمله شاعران متعهدی است که در عرصه تحولات و انقلاب یمن، با سلاح شعر مشوق مردم بوده. وی همواره با شعر خویش شعله‌های امید را در روح و جان هموطنان خود برافروخته و با سخن از عظمت گذشته، مردم یمن را به خیزش و هوشیاری فرا می‌خواند. اسلوب شعری وی برگرفته از میراث شعری عربی است، وی در اشعارش به سنت نظر

داشته و با وام‌گیری از گفته‌های شاعران عرب در سده‌های گذشته که از روحیه انقلابی برخوردار بوده‌اند، جنبه انقلابی شعرش را قوت بخشیده است. هدف اساسی این پژوهش آن است که تحلیلی نو از اندیشه شاعر و شعر انقلابی الزبیری عرضه نموده و به تحلیل مضامین و برخی ساختارهای شعری و ویژگی‌های فنی ادبیات پایداری در شعر وی بپردازد.

۱-۲- پیشینه پژوهش

پژوهشگران عرب به پژوهش در خصوص آثار نثری و شعری وی پرداخته‌اند که می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: ۱- "الزبیری أديب اليمن الثائر" به قلم عبد الرحمن العمرانی. ۲- "الزبیری شاعر اليمن" به قلم استاد هلال ناجی. ۳- "الزبیری ضمير اليمن الثقافي" به قلم دکتر عبدالعزیز المقالح. ۴- "الزبیری من أول قصیده وحتى آخر طلقه" به قلم عبدالله البردونی. ۵- "الزبیری الشهيد المجاهد" به قلم عبد الرحمن طیب بعکر. ۶- مقاله‌ای با عنوان "القومية فی شعر الزبیری" به قلم شادق یاسین الحلو استاد دانشگاه دمار. ۷- در ایران نیز پایان نامه‌ای با عنوان "بررسی مضامین سیاسی در شعر محمد محمود زبیری" توسط محمد بروغنی در دانشگاه حکیم سبزواری نگاشته شده است که در آن به مسئله استبداد ستیزی و حکومت مستبدانه آل حمید الدین در یمن و مبارزه با ظلم و ستم آنان پرداخته است. ۸- همچنین مقاله‌ای با عنوان "استبداد ستیزی در شعر محمد محمود زبیری" توسط محمد بروغنی در کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات در دانشگاه فرهنگیان شهید مفتاح به چاپ رسیده است که مستخرج از پایان نامه فوق بوده و در آن به موضع‌گیری‌های شاعر در برابر ظلم و ستم خاندان حمیدالدین پرداخته است. با توجه به پیشینه بحث، این جستار پژوهشی جدید است در جهت بررسی مضامین مقاومت و پایداری در شعر زبیری و نیز تکنیک‌های شعری وی در فراخوانی ملت یمن به نبرد و مبارزه.

۲- محمد محمود الزبیری (۱۹۱۰-۱۹۶۵)

الزبیری شاعر و مبارز یمنی در بستان السلطان در صنعاء در خانواده‌ای اهل علم و قضاوت به دنیا آمد. اما وی تمایلی به قضاوت نداشت و حال و هوایی صوفیانه در سر داشت (الحبشی، ۱۹۸۶: ۳۱۸). وی پس از طی مراحل اولیه تحصیل در زادگاهش رهسپار مصر شد و در آنجا در دارالعلم مشغول تحصیل گشت و پس از چند سال، در سال ۱۹۴۱ به زادگاهش بازگشت (زبیری، ۱۹۸۶: ۷).

در آن زمان حکومت یمن در دست امام یحیی بود. محمد الزبیری بعد از بازگشت از مصر یادداشتی مبنی بر ایجاد اتحادیه «دعوت به امر به معروف و نهی از منکر» در صنعاء برای او فرستاد، اما به همین سبب به زندان افتاد. وی همچنان به مبارزه علیه حکومت امام یحیی ادامه داد تا اینکه در سال ۱۹۴۸ با دخالت برخی کشورهای عربی، انقلاب زبیری شکست خورد و پس از مدتی، احمد فرزند یحیی حکومت را به دست گرفت و بر آن شد تا همه انقلابی‌ها را تیرباران کند. زبیری به چند کشور عربی پناهنده شد، ولی هیچ یک از آنها وی را نپذیرفتند؛ پس به ناچار راهی پاکستان شد و در آنجا قصیده‌ای در رثای مردم یمن و انقلاب شکست‌خورده آنان سرود. وی تا سال ۱۹۶۲ در پاکستان مقیم بود تا اینکه گروهی از افسران ارتش یمن کودتا کردند. این افسران با اطلاع از روحیه انقلابی زبیری، او را از پاکستان به یمن فراخواندند. زبیری در بازگشت به صنعاء مورد استقبال مردم قرار گرفت و پس از تشکیل مجلس نیز نخست‌وزیر شد. او برای حفظ آزادی مردم یمن هرگز دست از مبارزه برنداشت تا اینکه در سال ۱۹۶۵ ترور شد (همان: ۹).

"عبدالعزیز المقالح" در مقدمه‌ای که بر دیوان شاعر نوشته، وی را شاعری مبارز و نستوه معرفی می‌کند، نام وی تداعی‌کننده اولین معارض با حکومت یحیی و یادآور انقلاب ۱۹۴۸ است (المقالح، ۱۹۸۶: ۵). از وی سه دیوان شعر به نام‌های: «صلاة فی الجحیم» و «ثورة الشعر» و «نقطه فی الظلام» برجای مانده که مضامین این دیوان‌ها نشان از روحیه انقلابی این شاعر متعهد دارد. به اعتقاد عبدالعزیز المقالح، شعر بیداری الزبیری، وی را "پیشگام و رهبر شعر مقاومت" در یمن ساخته است (همان: ۶). وی شاعران انقلابی یمن را بین دو راه قرار داده بود و بر آن بود که آنان یا باید مانند مردم عادی در تنگنای ظلم و ستم زندگی کنند و یا اینکه به پا خیزند (معجم الباطین، ۲۰۰۲، ج ۱: ۶۶۹).

۳- جلوه‌های مقاومت در شعر الزبیری:

۳-۱ توجه به مسئله فلسطین:

مک‌دونالد در مقدمه «کتاب سفید» به محدودیت‌هایی در رابطه با مهاجرت صهیونیست‌ها به فلسطین و ممنوعیت و محدودیت و انتقال اراضی در برخی مناطق و... اشاره کرده است (زعیتیر، ۱۳۷۰: ۲۵۷). مفاد این کتاب به دلیل نیاز به حمایت اعراب در جنگ جهانی دوم هر چند فریبکارانه ولی تا حدودی باب میل اعراب تنظیم شده بود؛ با این همه اما صهیونیست‌ها

به‌شدت با کتاب سفید مخالفت کردند؛ زیرا طرح مطالب آن را برابر با لغو معاهده بالفور و قیمومت می‌دانستند. گذشته از این بازی‌های سیاسی هدف اصلی دولت بریتانیا از انتشار این کتاب تنها جلب حمایت اعراب در جنگ جهانی دوم علیه آلمان نازی بود (همان: ۲۶۹).

سران عربی در لندن با خوش‌باوری از این کتاب استقبال کردند، لکن روشنفکران عرب که از نیت و هدف شوم بریتانیا آگاه بودند، جز به خروج اسرائیل و بریتانیا از خاک فلسطین راضی نبوده و مفاد کتاب سفید را نپذیرفتند؛ زیرا می‌دانستند که دولت بریتانیا به آن پایبند نخواهد بود. یکی از این روشنفکران محمد محمود الزبیری است که به‌شدت با حضور بریتانیا و صهیونیست در سرزمین فلسطین مخالف بود. وی با ناراضی‌تبی کامل از کتاب سفید بر این باور بود که سران عرب در غفلت‌اند و از اهداف بریتانیا در صدور چنین چیزی آگاهی ندارند.

الزبیری قصیده "فی سبیل فلسطین" را بعد از انتشار کتاب سفید سروده و در آن به نکوهش سران عرب و هجو دولت بریتانیا و صهیونیست‌ها پرداخت. این قصیده تحت تأثیر میمیه فرزدق قرار دارد و در واقع وزن و آهنگ این قصیده، قصیده پایداری فرزدق را تداعی می‌کند. این قصیده سه مقطع دارد. در مقطع نخست، سخن از فلسطین است و در مقاطع دیگر سران عرب و دولت بریتانیا و صهیونیست را نکوهش می‌کند. فرازی از مقطع اول:

مَرَّاجِلٌ فِي أَثَرِ الشَّعْرِ تَضْطَرُّمُ * وَصِيحَةٌ فِي سَمَاءِ الْحَقِّ تَحْتَدُّمُ
 وَضَجَةٌ فِي صِمَاخِ الدَّهْرِ ضَاخِبَةٌ * لَهَا بِكُلِّ بِلَادٍ مَسْمَعٌ وَفُمْ
 مَا لِلْحَقَائِقِ اضْحَتْ لَا تَلَا حِظْلَهَا * عَيْنٌ وَلَا يَأْتَلَى عَنْ سَبْقِهَا الْوَهْمُ
 مَا لِلدَّمَاءِ الَّتِي تَجْرِي بِسَاحَتِنَا * هَانَتْ فَمَا قَامَ فِي انْصَافِنَا حَكْمُ
 مَا لِلظُّلُومِ الَّذِي اشْتَدَّتْ ضَرَاوُتُهُ * فِي ظُلْمِنَا تَتَلَقَّاءُ فَنَبْتَسِمُ

نَرَى مَخَالِيهَ مِنْ جُرْحِ أَمْتِنَا * تَدْمَى وَنَسْعَى إِلَيْهِ الْيَوْمَ نَخْتَصِمُ (الزبیری، ۱۹۸۶: ۲۵۹)

«چونان دیگ‌هایی است که در آسمان شعر به جوشش آمده و بانگی است که در آسمان حق اوج گرفته است و ناله‌ای است که در گوش روزگار به صدا در آمده است و در سراسر سرزمین، همه گوش‌ها آن را می‌شنوند و دهان‌ها آن را بازگو می‌کند.

حقایق را چه شده که دیدگان، قادر به دیدن آن نیستند و وهم نیز آن را تصور نمی‌کند. و خون‌ها را چه شده که به میدان‌های ما ریخته می‌شود و هیچ حکمی به انصاف درباره آن قضاوت نمی‌کند.

و ظالم را چه شده که چیرگی اش شدت گرفته و ما او را با چهره خندان ملاقات می‌کنیم. چنگال‌هایش از جراحات‌های امت‌مان خونی گشته و حال آنکه ما با خود ستیز می‌کنیم.» تکنیک تکرار استفاده‌شده در این ابیات بیانگر میزان دردمندی شاعر از ظلم و حق‌کشی در سرزمین فلسطین و نیز گویای ژرفای نفرت شاعر نسبت به دولت بریتانیا و صهیونیست است. مبتدای این چکامه می‌تواند قضیه فلسطین باشد که شاعر از آن به حقیقتی آشکار تعبیر کرده است. در این اینجا شاعر در قالب فعل «نختصم» در بیت آخر اختلاف بین کشورهای عربی را که راه را برای دشمن هموار می‌کند، محکوم می‌کند و آن را به استهزاء گرفته است و از اینکه کاری برای رهایی فلسطین نمی‌کنند، شکوه می‌کند و بی‌تفاوتی دیگر کشورهای عربی نسبت به جراحات‌های فلسطین انتقاد می‌کند. شاعر در بیت پنجم سکوت در برابر استعمار را محکوم می‌کند و با اشاره به «(سماء الحق)» به مشروعیت‌زدایی از استعمار پرداخته است.

اما مقطع دوم به سرزنش سران عرب اختصاص دارد:

يَا قَادَةَ الْعَرَبِ وَالْإِسْلَامِ قَاطِبَةً * قُومُوا فَقَدْ طَالَ بَعْدُ الصُّبْحِ نَوْمُكُمْ
مَتَى يَرَى الْإِنْكِلِيزِيُونَ ذِمَّتَنَا * كَذِمَّةٍ حَقُّهَا تُرْعَى وَتُحْتَرَمُ
لَهُمْ عَلَيْنَا قَوَانِينٌ وَلَيْسَ لَنَا إِلَّا * الرِّضْوَانُ لِمَا قَالُوا وَمَا التَّزَمُوا

وَكَيْفَ نَخْشَى الرَّدَى وَالْمَوْتَ شَيْمِثْنَا * وَنَحْنُ قَوْمٌ عَلَى الْأَجَالِ نَزْدَحُمُ (همان: ۲۵۹-۲۵۸)
«ای رهبران و پیشوایان عرب و اسلام؛ همگی برخیزید که خواب غفلت‌تان به درازا کشیده است.

انگلیسی‌ها چه موقع حق ما را محترم شمرده‌اند، آنها علیه ما قوانینی وضع کرده‌اند که ما چاره‌ای جز سر خم کردن در برابر آن را نداریم.

ما چگونه از مرگ هراس داریم، حال آنکه مرگ و شهادت خوی دیرینه ماست و ما مردمانی هستیم که به سوی مرگ می‌شتابیم.»

شاعر در این مقطع تحت تأثیر پیام قصیده مقاومت بشار بن برد قرار گرفته تا آنجا که مطلع را نیز از وی وام گرفته است. بشار در قصیده خود، از ظلم مهدی عباسی به ستوه آمده و آنان را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد:

بَنِي أُمِيَّةَ هُبُوا طَالَ نَوْمُكُمْ * إِنَّ الْخَلِيفَةَ يَعْقُوبُ ابْنَ دَاوُدَ

صَاعَتْ خِلَافَتُكُمْ يَا قَوْمَ فَالْتَمِسُوا * خَلِيفَةَ اللَّهِ بَيْنَ الرِّقِّ وَالْعَوْدِ (بشار بن برد، ج ۲، ۲۰۰۷: ۳۲۲)

شاعر یمنی با وام‌گیری از این قصیده بشاربن برد و با زبان ریشخند غفلت حاکمان عرب را نکوهش می‌کند و سکوت تسلیم شدن را مخالف سرشت عربی می‌داند و سیاست‌های ناکارآمد آنها را محکوم می‌کند و آن را مسئول شکست عرب می‌داند.

و در مقطع سوم، در نکوهش بریتانیا چنین می‌سراید:

فَيَا بَرِيتَانِيَا عُودِي بِمَخْمَصَةٍ * إِنَّ الْعُرُوبَةَ لَا شَاءَ وَلَا نَعَمَ

اِنَّ الْعُرُوبَةَ جَسَمٌ اَنْ يَّيْنَنَ بِهِ عَضُوٌّ * تَدَاعَتْ لَهُ الْاَعْضَاءُ تَنْتَقِمُ

اِنْ يُضْطَهَدُ بَعْضُهُ فَالْكُلُّ مُضْطَهَدٌ * اَوْ يُهْتَصَمُ جُزْؤُهُ فَالْكُلُّ مُهْتَصَمٌ

اِنَّ الْكِتَابَ الَّذِي جُدْتُمْ بِهِ ثَمَنًا * لِأَرْضِهِمْ لَيْسَ يَكْفِيهِمْ اِذَا اقْتَسَمُوا

زَخَارْفُ مِنْ خِدَاعِ الْوَعْدِ خَاوِيَةٌ * مَا نَالَ فِيهَا الْمَنَى اِلَّا اِتْدَابَكُمْ

أَيُّنَ الْعِدَالَةُ يَا اَعْدَاءَ مُدْبِعِهَا * مِنْكُمْ اِذَا كَانَ غَمَطُ الْحَقِّ دَائِبَكُمْ (الزبیری، ۱۹۸۶: ۲۶۲-۲۶۰)

«ای بریتانیا به جای خویش بازگرد که عرب چهارپا نیست که متفرق شود (عرب متحد است).»

بلکه چونان پیکره واحدی است که چون عضوی ناله برآرد، دیگر اعضای آن پیکره در پی انتقام او بر می‌آیند.

اگر جزئی از آن مورد ظلم قرار گیرد حال دیگر اعضا نیز چنین است.

و بدانید کتابی که به‌عنوان بهای زمینشان به آنان دادید، آنان را کفایت نمی‌کند.

وعده‌های شما چیزی جز وعده‌های پوشالی نبود که حاصل آن سیطره بر عرب بود.

شما چگونه می‌توانید اهل عدالت باشید حال آنکه شما دشمنان عدالت هستید و پایمال کردن حق خلق و خوی شماست.»

در این اشعار، شاعر کشورهای عربی به وحدت دعوت می‌کند و در بیت چهارم به غیر مشروع بودن کتاب سفید اشاره دارد؛ چراکه به اعتقاد شاعر بریتانیا به وعده‌هایش عمل نخواهد نکرد و نوشته‌های کتاب سفید وعده‌هایی دروغین است که حاصلی جز تحت‌الحمايگی عرب ندارد.

۳-۲ مبارزه طلبی و روحیه آزادگی و ستم‌ناپذیری:

اندیشه‌های پایداری در آثار الزبیری از روحیه آزادگی و ستم‌ناپذیری او در برابر ظلم و ستم

حکایت دارد. این روحیه در دیوان «صلاة فی الجحیم» بیشترین بسامد را دارد. قصیده زیر به خوبی تصویرگر روحیه مبارزه طلبی و ستم ناپذیری شاعر مقاومت یمنی است:

سَجِّلْ مَكَانَكَ فِي التَّارِيخِ يَا قَلَمُ * فَهنا هُنا تُبْعَثُ الْأَجْيَالُ وَالْأُمَمُ
هُنا الْبَرَائِكُ هَبَتْ مِنْ مَصْنُوعِهَا * تَطْغَى وَتَكْتَسُخُ الطَّاعِي وَتَلْتَهُمُ
إِنَّ الْقِيُودَ الَّتِي كَانَتْ عَلَى قَدَمِي * صَارَتْ سُهَامًا مِنَ السِّجَانِ تَنْتَقِمُ

إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ الَّذِينَ كُنَّا نُرَدِّدُهُمْ * سِرًّا غَدَا صَبِيحَةً تَصْغِي لَهَا الْأُمَمُ. (همان: ۳۶۷)

«ای قلم جایگاه خویش را در تاریخ ثبت کن که از اینجا نسل‌ها و امت‌ها به پا خاسته است. از اینجا آتش فشان‌ها سر از بالین برداشته و دشمن طغیانگر را دربرگرفته و نابود ساخته.

قید و بندهایی که بر پاهایم بود، اکنون چونان تیرهایی از زندانبان انتقام می‌گیرد. و ناله‌ای که در خفا سر می‌دادیم چونان فریادی شده که همگان آن را می‌شنوند.»

شاعر، این قصیده را در سال ۱۹۴۱ در عدن و پس از خروج از زندان سروده است. وی در این قصیده أحرار را به آشفشانی خروشان تشبیه کرده که این تشبیه بیانگر روحیه ستم ناپذیری شاعر است و نشان می‌دهد حتی زندان و مجازات‌های حکومت یحیی باعث نمی‌شود وی از آرمان خود دست بکشد. قید و بندهایی که بر دست و پای شاعر بود به تیرهایی تبدیل گشته که با آن از ظالمان انتقام می‌گیرد. این قصیده در سرتاسر یمن بازتابی گسترده داشت. مطلع این قصیده (سَجِّلْ مَكَانَكَ) پژواکی چشم‌گیر در شعر شاعران مبارز عرب داشت؛ بسیاری از آنان این مطلع را از الزبیری وام گرفتند. «عبدالله البردونی» در قصیده‌ای با عنوان «حکایة السنین» این مطلع را به کار برده و در حاشیه قصیده خود ذکر کرده که این عبارت را از دیوان محمد الزبیری وام گرفته است (اسماعیل، ۱۹۷۲: ۱۵).

الزبیری در قصیده «المغامرة هی الحیاء» پیکار را رمز زندگی معرفی نموده و چنین می‌سراید:

ثَبَّ مَعَ اللَّيْلِ فِي ظِلَامِ الْبَحَارِ * وَتَفَلَّتْ فِي لُجْجِهَا الزَّخَارِ

وَأَنْتَفَضَ كَالْبُرْكَانِ فِي ثَبَّجِ الْبَحْرِ * وَصَارَعَ زَوَابِعَ الْتِيَارِ

لَسْتُ تَلْقَى فِي الْبَحْرِ حَظًّا مِنَ السَّاحِلِ * أَوْ رَاحَةً مِنَ الْأَسْفَارِ

فَارْفَعِ الرَّأْسَ حَيْثَمَا كُنْتَ وَاطْهَرِ * وَامْشِ فَوْقَ الْخُطُوبِ وَالْأَخْطَارِ

أَنْتَ إِنْ لَمْ تَكُنْ بِنَفْسِكَ أَعْصَارًا * تُمَتُّ تَحْتَ وَطْأَةِ الْأَعْصَارِ (الزبیری، ۱۹۸۶م: ۶۲۳-۶۲۴)

«به همراه شب در تاریکی دریاها فرود آی و بر موج‌هایش سوار شو.

و چونان آتشفشانی از دل دریا به پا خیز و با امواج دریا در آمیز و مقابله کن.
در غیر این صورت، هیچ سود و راحتی ای از ساحل و سفر به دست نخواهی آورد.
پس هر کجا که بودی سر خویش را بلند کن و آشکار شو، و بر بالای مصیبت‌ها و مشکلات
گام نه.

چرا که اگر خود طوفان نباشی زیر گام طوفان‌ها جان خواهی داد.»
گویا شاعر در اینجا به آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرَ مَا بَانْفُسِهِمْ» نظر دارد و بیان
می‌دارد که این مردم هستند که سرنوشت خویش را تعیین می‌کنند و مردمی که خواهان آزادی
هستند باید خطر کنند و با سختی‌ها بجنگند تا از این رهگذر نجات یابند و از تاریکی‌ها و قید
و بندها گذر کنند.

کاربرد افعالی چون «انتفض، امش، ثب، صارع و...» بر خروش و بی‌قراری درونی شاعر
دلالت دارد. شاعر با استفاده از افعال آکنده از حرکت در این قصیده، آنچه در دل دارد را به
بهترین وجه بیان داشته و با به‌کارگیری اصوات مجهور انفجاری، شعر را پرمعنا تر ساخته است.
استفاده از حروف انفجاری، الحاح و تأکیدی است که پیام‌آور خیزش و پیکار است. «البركان
والاعصار» از پر بسامدترین واژگان در دیوان الزبیری است. بسامد بالای برخی از واژگان‌ها در
دیوان یک شاعر نمایانگر رویکرد خاص و ایدئولوژیک وی است. شاعر با به‌کارگیری این دو واژه
ایدئولوژیک و با به‌کارگیری افعال امری که اصوات مجهور انفجاری آن خشم و غضب شاعر را
تداعی می‌کند؛ سعی بر برانگیختن و دعوت به جدیت مبارزه برای رهایی از ظلم و ستم استعمار
فرا می‌خواند.

۳-۳ تهدید دشمنان:

از مهمترین بن‌مایه‌های شعر مقاومت الزبیری، تهدید دشمنان و سخن از حتمیت رهایی است
که شاعر با تهدید دشمن در صدد ایجاد روحیه مقاومت در بین مبارزان است. وی در قصیده
«إلى الغاصبين علينا» با بیانی سرشار از ترغیب به قیام اینگونه سخن می‌گوید و دشمن را تهدید
می‌کند:

احذروا يومَ الشعب يومَ يلاقىكم * ويُعطى الدرس الذى اعطينا
يومَ لن تلتقوا بمن يَمْنَحُ النصيح * إليكم ومن يسير الهوينا

یَوْمَ يَنْفُضُ الشَّعْبُ كَالْبَرَائِکِ * یریکم من أمرِهِ ما رأینا
و ترون الجمهورُ جُنَّ فلا یُعرف * لینا ولا یخاطبُ هَونا
من عبید تخر آلهةَ الیوم * لهم سُجداً وتطلب عونا
و حُفاةً یبغون من جلد جنکیز * حذاء یقضی لهم منه الدینا
و جیاع تضج کالرعد فیکم * اطعمونا من لحمکم ما اشتھینا (زبیری، ۱۹۸۶م: ۱۶۲-۱۶۱)
«از آن روزی که مردم با شما رویارو می شوند بترسید.
روزی که در آن هیچ نصیحت‌گری نیست و هیچ کس نیست که در آن روز به آرامی گام
بردارد.

آن روزی که مردم چونان آتش فشانی به جوشش در آیند و چونان دیوانگان شوند.
در این روز با آنان به نرمی سخن گفته نمی‌شود. از بردگانی که امروز خدایان در برابر آنان
سجده می‌کنند و طلب یاری دارند، و پای برهنه‌گانی که کفشی از جنس پوست چنگیز می‌خواهد
تا طلب آنها را برآورده سازد و گرسنگانی که چونان رعد و برق بانگ سرداده و طالب گوشت بدن
شما هستند.»

شاعر در این قصیده ظالمان را از روزی که ملت خیزش کنند می‌هراساند، روزی که مردم
چونان آتشفشان می‌خروشند و در آن زمان هیچ ناصحی برای ظالمن نیست. این سخن شاعر
که «بترسید از روزی که مردم چون آتشفشان خارج شوند، روزی که تمام مردم چونان دیوانه‌گان
می‌شوند؛ از بردگانی که خدایگان قدرت در برابر آنان به سجده می‌افتند و پا برهنه‌گانی که از
پوست چنگیز کفش می‌سازند تا ادای دین کنند» بر شمول و جامعیت انقلاب دلالت دارد. لفظ
چنگیز در شعر الزبیری نماد ظلم و ظالمان است؛ وی ظالمان را به چنگیز تشبیه می‌کند. علاوه
بر این، تکنیک الزبیری در این قصیده کاربرد گسترده از افعال مضارع است و این به معنای
استمرار و جریان داشتن انقلاب زبیری است. عباراتی مثل «تخر آلهة الیوم * لهم سُجداً وتطلبُ
عونا» بیانگر همین تکنیک و نزدیک بودن انقلاب است که امید به لحظه‌رهایی را نوید می‌دهد و
شاعر با تکرار واژه - الیوم - در اینجا رهایی و نجات و پیام استعمار را تأکید می‌کند. در کنار تهدید
دشمنان، شاعر آینده‌روشی را ترسیم می‌کند تا با ایجاد خوش‌بینی به آینده، روحیه مقاومت و
پیکار را تقویت کند.

۳-۴. ستایش دیگر انقلاب‌ها در راستای تأثیرپذیری از آنها:

از دیگر جلوه‌های دعوت به خیزش در شعر الزبیری، سخن از انقلاب‌های دیگر کشورها مانند استقلال پاکستان و هند است:

أَطْلَقَ اللَّهُ شَعْبَهُ مِنْ عِقَالِهِ * وَازَالَ الثَّقِيلَ مِنْ أَغْلَالِهِ
 وَأَعَادَ الْحَيَاةَ لِلْوَطَنِ الدَّامِي * وَلَمَّ الرِّفَاءَ مِنْ أَوْصَالِهِ
 طَهَّرَتْ جَوَ الْمُملُوثِ أَنْفَاسُ * الصَّحَايَا الْعَطَشَى إِلَى اسْتِقْلَالِهِ
 وَمَحَتْ كُلَّ مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ * عَارِ دِمَاءِ الْكِمَاءِ مِنْ أَبْطَالِهِ
 هَكَذَا تَبْلُغُ الشُّعُوبُ مَنَاهَا * وَيَفُوزُ الْغَادِي إِلَى آمَالِهِ
 وَالَّذِي أَخْرَجَ الْغَرِيبَ رِجَالُ * قَتَلُوا فِي صِرَاعِهِ وَنَزَالِهِ (الزبیری، ۱۹۸۶: ۴۰۸)
 «خداوند ملت را از بند رهانیده و از سنگینی غل و زنجیر آنان کاسته.
 و زندگی را به وطن مجروح بازگرداند.
 خون قربانیان تشنه استقلال، هوای آلوده وطن را پاک ساخته.
 و خون دلاوران عار و ننگ را از وطن برچیده.

و اینگونه است که ملت‌ها به آرزوهایش می‌رسد و سحرخیز کام رواست.»
 شایبیت این قطعه دعوت به خیزش و قربانی شدن است؛ یعنی یگانه راه نجات ملت‌ها از قید و بند استعمار و استبداد. در اینجا شاعر به تقدیس شهادت پرداخته و آن را ضامن آزادی و مرهمی برای جراحت شاهی کشور معرفی کرده است. در اینجا شاعر در پی بیان این حقیقت است که هر ملتی که طالب آزادی است، باید بهای آن را بپردازد و بهای آزادی از نظر زبیری شهادت و خون دادن در راه وطن و سرزمین است.

۳-۵. ایمان:

از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روحیه انقلابی الزبیری و به تبع آن شعر انقلابی وی، عنصر ایمان است که جایگاه والایی در شعر وی دارد و وجود ایمان راستین زمینه‌ساز رسیدن به آرمانهای مقاومت می‌داند. وی در این باره می‌گوید:

لَوْ كَسَبْتُ إِيمَانًا اِبْرَاهِيمَ * يَوْمًا لَكُنْتُ اِبْرَاهِيمَا
 وَلَا ذَلَّلْتُ مِنْ تَالِهِ فِي الْأَرْضِ * وَحَطَمْتُ أَنْفَهُ تَحْطِيمًا

وَلَدَمَرَّتْ كُلَّ مَنْ كَانَ نَمْرُودًا * وَآذَرِيَّتَهُ حُطَامًا هَشِيمًا (الزبیری، ۱۹۸۶: ۴۹۲)

«اگر ایمانی چون ایمان ابراهیم به دست آوری، روزی ابراهیم خواهی شد.

آنگاه می‌توانی هر سرکشی را خوار و نگونسار کنی و بینی او را به خاک بمالی.

و هر نمودی را سرنگون سازی و بر خاک سیاه نشانی.»

الزبیری در همه اشعارش امیدوار و آرمانگرا است. در شعر الزبیری سرزمینش شاهد لحظه‌های خواهد شد و تلاش برای رهایی باید با ایمان خالص همراه گردد تا محقق شود. از این رو از هموطنان خود می‌خواهد که با ایمان کامل با ستمگران مبارزه کنند و تأکید می‌کند که این ایمان، پیروزی را برای آنان رقم خواهد زد؛ همانگونه که حضرت ابراهیم با ایمانش پیروز شد و نمورود را سرنگون کرد. وجود دین راستین باعث نگاه امیدوارانه به آینده و پیکار ضد ظلم و ستم است. ابراهیم در آموزه‌های دینی نویددهنده پیروزی ایمان و حق بر باطل است و نشان می‌دهد که مؤمن راستین با ایمان خود از ستم رهایی خواهد یافت. در واقع شاعر با به‌کارگیری شخصیت ابراهیم، پیروزی در مقابل ظلم و ستم را به‌واسطه ایمان راستین عینیت می‌بخشد، از این‌رو در اشعار خویش از امت عربی می‌خواهد که در مسیر مبارزه، روح و جان خویش را به خدا بسپارند و به او اعتماد کنند؛ چراکه اعتماد به خداوند، اعتماد به فروپاشی باطل و ستم است:

جودوا بأنفسکم للحقِّ و اتَّحدوا * فی حزبه و ثقوا بالله و اعتصموا (الزبیری، ۱۹۸۶: ۳۶۹)

۳-۶- انقلاب و پایداری؛ راه رهایی:

الزبیری در قصیده «صرخه الی النائمین» از دیوان «صلاة فی الجحیم» مردم را به انقلاب

دعوت می‌کند:

یا قوم هُبُوا لِلْكَفَاحِ وَنَاضِلُوا * إِنَّ الْمَنَامَ عَلَى الذِّمَامِ حَرَامٌ

وَلَقَدْ صَبَرْتُمْ ثُلْثَ قَرْنٍ لَمْ يَصْنِ * أَعْرَاضَكُمْ صَبْرٌ وَلَا اسْتِسْلَامٌ

لَنْ يَبْرَحَ الطُّغْيَانُ ذُبَابًا ضَارِيًا * مَا دَامَ يَعْرِفُ أَنْكُمْ أَغْنَامٌ

فَتَكَلَّمُوا كَيْمَا يُصَدِّقُ أَنْكُمْ * بَشَرٌ وَيُشْعِرُ أَنَّه ظَلَامٌ

وَتَحَرَّكُوا كَيْ لَا يُشْعِرَ أَنْكُمْ * مَوْتِي وَيَحْسَبُ أَنْكُمْ أَصْنَامُ (الزبیری، ۱۹۸۶: ۳۰۴)

«ای ملت، برای پیکار به پا خیزید و بجنگید چرا که بی‌آبرو خوابیدن حرام است.

شما بیش از نیم قرن است که صبر پیشه کردید ولی با صبر کردن و تسلیم شدن، آبرویتان

مصون نگشته.

مادامی که ظلم و طغیان شما را همچون گوسفندان می‌بیند، همانند گرگی همواره پیکر شما را خواهد درید.

پس فریاد برآورد تا روشن شود که شما انسان هستید و آنان ستمگرند.» «تکلموا» در شعر الزبیری یعنی «اعتراض کنید»، و «تحرکوا» یعنی «جوشش کنید» و این دو رمز و سمبل احیا در قاموس الزبیری است. به اعتقاد وی ملتی که اعتراض نکند مرده است؛ از این روی با چنین عباراتی آتشین، مردم را به بیداری و آگاهی فرا می‌خواند و بیان می‌کند که پیروزی و جاودانگی در گرو زیر بار ظلم نرفتن و پیکار کردن است. در اینجا شاعر با به‌کارگیری واژه اغنام سکوت و تسلیم شدن در برابر ظلم را محکوم و تحقیر می‌کند و با به‌کارگیری واژه موتی مردگان را وصف حال کسانی می‌داند که در برابر ظلم و ستم سکوت اختیار کرده‌اند. شاعر در اینجا این حقیقت را بازگو می‌کند که سکوت و تسلیم شدن آبرویی را حفظ نمی‌کند و برای حفظ آبرو و ناموس مردمان بایند در برابر ظلم و ستم بایستند و تنها در این صورت است که آبرویشان نگاهداشته می‌شود.

الزبیری در قصیده «رثاء الشعب» که در هند سروده مردم را اینگونه خطاب می‌کند: «ریختن اشک دردی را درمان نمی‌کند» و از آنها می‌خواهد که با او و یارانش متحد شوند تا از بردگی ای که از آن رنج می‌برند رهایی یابند:

يَا شَعْبَنَا نِصْفُ قَرْنٍ فِي عِبَادَتِهِمْ * لَمْ يَقْبَلُوا مِنْكَ قُرْبَانًا تَوَدِّهِ
 وَلَا اسْتَطَاعَتْ دُمُوعُكَ طَاهِرَةً * تَطْهِيهِ طَاغِيَةٌ مِنْ سُكْرَةِ التِّيهِ
 فَاْمُدُّ يَدَيْكَ إِلَى الْأَحْرَارِ مِتْخَذُ * مِنْهُمْ مَلَاذِكَ مِنْ رَقٍّ تُعَانِيهِ. (الزبیری، ۱۹۸۶: ۱۹۱)
 «ای امت بیش از نیم قرن است که طاغیان را عبادت می‌کنید و هیچ قربانی ای از شما قبول نکردند.

و اشک‌هایت نتوانست مستی گمراه‌کننده هیچ ویرانگر و طغیانگری را پاک سازد. پس دست یاری به‌سوی آزادگان دراز کن و از آنان در مقابل درد بندگی پناه بطلب.» در سراسر دیوان اشعار او امید به خیزش موج می‌زند. وی در قصیده «أشجانی وآلامی» چنین می‌سراید:

أَمَنْتُ أَنْ لَنَا حَقًّا وَأَنْ لَنَا * شَعْبًا سِيْنَهُضُ مِنْ كَابُوسِنَا الطَّوَالِ
 وَأَنْ فِي ظُلُمَاتِ الْغَيْلِ مَأْسَدَةٌ * غَضْبَى عَلَى كُلِّ خَوَّانٍ وَظَلَامٍ (الزبیری، ۱۹۸۶: ۵۲۷)

«ایمان دارم که ما از حقی برخورداریم و امتی داریم که از خواب و کابوس طولانی‌اش بیدار خواهد شد، و یقین دارم که این بیشه تاریک جایگاه شیران است که بر هر خائن و ظالمی خشم می‌گیرند.»

فمن شاء لِلشَّعْبِ أَنْ لَا يَثُورَ * فَلْيَأْمُرِ الشَّمْسَ أَنْ لَا تَدُورَ (همان)
«هر کس از مردم بخواهد که قیام نکند؛ همانند آن است که به خورشید دستور دهد که چرخش نکند!»

در واقع با این بیت بر حتمی بودن انقلاب یمن و حتمی بودن رهایی تأکید می‌کند. شاعر در اشعار خود ضمن دعوت به مقاومت، همواره اندیشه القای امید به آینده را در روح ملت پرورانیده، می‌کوشد بارقه امید را در قلب‌ها روشن نگه دارد. از دیگر عواملی که باعث بیداری ملت می‌شود، یادآوری عظمت پیشین یمن است؛ شاعر دلاوری‌های گذشته عرب را به تصویر می‌کشد تا شاید بدین شیوه عصبیت قومی را در دل هموطنان برانگیزاند.

۳-۷- ترسیم عزلت و گوشه‌نشینی ملت:

شاعر در قصیده «تحیه الخروج من العزلة» علاوه بر ملامت اعراب در به فراموشی سپردن قضیه یمن، مردم سرزمین خویش را به دلیل عزلت‌نشینی نکوهش کرده و از آن‌ها می‌خواهد که برای رهایی نباید از کسی انتظار کمک داشت، چراکه طلب کمک برای رهایی، عیب و ننگ بزرگی محسوب می‌شود. به عقیده او ملتی که آزادی می‌خواهد باید خود بهای آن را بپردازد.

تَحَدَّثْ عَنْ شَعْبِكَ الصَّامِتِ الْمَكْبُوتِ * إِذْ لَيْسَ يَسْتَطِيعُ الْإِبَانَةَ

ظَلَّ فِي الْعُزْلَةِ الطَّوِيلَةِ * كَأَنَّ أَنْ يَدْعِيَ الْوَرَى فَقْدَانَهُ

كَيْفَ لَمْ يُنْقِذُوا غَرِيقًا أَتَى * مَرْقَ الْمَوْجِ رَوْحَهُ اللَّهَانَهُ

مَسْتَغِيثًا يَنْ فِي لَهَوَاتِ السَّيْلِ * لَا يَنْظُرُونَ إِلَّا بَنَانَهُ

زَعَمُوا أَنَّهُ بَعِيدٌ وَلَوْ مَاتَ * لَدَيْهِمْ مَا شَبَّعُوا جُثْمَانَهُ (الزبیری، ۱۹۸۶: ۱۹۸)

«از امت سرکوب شده و خاموشت سخن بگو؛ امتی که در عزلت به سر می‌برد و توان حضور ندارد. و بعد از عزلتی طولانی، مردم آن را به دست فراموشی سپرده‌اند.

پس چگونه غرق شده، غریبی را نجات نمی‌دهد در حالی که امواج روحش را ویران ساخته است. در میان امواج یاری می‌طلبد و فریاد بر می‌آورد در حالی که مردم تنها انگشتانش را می‌بینند.

آنان گمان کردند که جان داده و جنازه‌اش را تشییع نکردند.»

در این قصیده عبارت «لا یستطیع البانۀ» کنایه از ناتوانی اعراب در اعتراض و یا کمک رساندن به مردم یمن است، لذا مردم دردمند یمن نباید در انتظار کمک از خارج از مرزها باشند و باید خود بهای آزادی را بپردازند. همچنین نباید به انتظار کمک از کشورهای عربی باشند؛ کشورهایی که آزادی آنان در سایهٔ ظلم و ستم رنگ باخته و سکوت پیشه کرده‌اند. در اینجا شاعر با اشاره به فراموشی کشوری که سکوت پیشه کرده و عزلت اختیار کرده، مردم را از عواقب ناخوشایند سکوت کردن و کنج نشینی در برابر ظلم و ستم بر حذر می‌دارد.

۳-۸. وطن پرستی:

عشق به سرزمین مادری و دفاع از آن یکی از مهمترین عناصر خوش ساخت پایداری در شعر الزبیری است؛ البته این عنصر منحصر به وی نیست و دیگر شاعران عرب نیز شعر خود را به زیور عنصر عشق به وطن آراسته‌اند و در دورهٔ معاصر ادب عربی، به دلیل رشد حرکت‌های استقلال طلبانه از دولت‌های استعمارگر، موضوع دفاع از وطن و شعر وطنی موضوعی پر بسامد در چکامه‌ها گشته است. (حجازی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۵)

شعر ملی‌گرایی همگام با جنبش‌های آزادی خواهانه در یمن ظهور کرد و در واقع شعر وطنی، بخشی از انقلاب است؛ بدین سان که به هنگام شعله‌ور شدن آتش انقلاب، شعر وطنی نیز شدت می‌گیرد و به هنگام فروکش کردن انقلاب شعر وطنی هم آرام می‌گیرد. (المقالح، ۱۹۷۸: ۵۹)

وطن در شعر محمد الزبیری هویت بخش وی و منبع الهام شعر و جاری کنندهٔ کلمات بر زبان اوست و اشعارش به خاطر بوی خوش وطن، بین مردم محبوب گشته است:

السَّاعِرِیَّةُ فِی رَوَاعِ سِحْرِهَا * أَنْتَ الَّذِی سَوَّیْتَهَا وَصَنَعْتَهَا

مالی بها جهْدُ فَأَنْتَ سَكَبْتَهَا * بَدَمِی وَأَنْتَ بِمُهْجَتِی أَوْدَعْتَهَا

أَنْتَ الَّذِی بَشَّادَكَ قَدْ عَطَّرْتَهَا * وَنَشَرْتَهَا بَیْنَ الْوَرَى وَأَذَعْتَهَا

وَقَفْتُ لِسَانِی فِی هَوَاكَ غَنَاءَهَا * فَإِذَا تَغَنَّتْ فِی سَوَاكِ قَطْعُتَهَا (الزبیری، ۱۹۸۶: ۲۳۷)

«شاعری با شاهکارهای سحر آمیزش، (ای وطنم) تو بودی که آن را به من الهام کردی.

و من در سرودن آن دچار زحمت نشدم؛ چرا که تو الهام بخش من بودی و آن را در دل و جان

من جایی دادی.

و تو بودی که با بوی خوش آن را معطر ساختی و بین مردم منتشر کردی.
ای وطن من، زبانم تنها تو را می‌ستاید و اگر جز این کند آن را خواهم برید..»
حزن و اندوه وی از جنبش شکست خورده سال ۱۹۴۸ دال بر عشق خالص شاعر نسبت به
یمن است:

ما كُنْتُ أَحْسَبُ أَنِّي سَوْفَ أَرْثِيهِ * وَأَنْ شِعْرِي إِلَى الدُّنْيَا سِينْعِيهِ
وَكُنْتُ أَحْرَصُ لَوْ أَنِّي أَمُوتَ لَهُ * وَحَدَى فِدَاءٍ وَيَقِي كُلَّ أَهْلِيهِ
وَأِنْ مَنْ كُنْتُ أَرْجُوهُمْ لِنَجْدَتِهِ * يَوْمَ الْكَرْيَهَةِ كَانُوا مِنْ أَعَادِيهِ
وَأِنِّي سَوْفَ أَبْقَى بَعْدَ نَكْبَتِهِ * حَيًّا أُمَزُّقُ رُوحِي فِي مَرَاثِيهِ .. (همان: ۲۳۸)
«گمان نمی‌کردم که به این زودی آن را رثا بگویم و اینکه شعرم خبر مرگش را (مرگ
سرزمین‌ام) را به دنیا خواهد داد.

آرزو می‌کردم که ای کاش برایش بمیرم و تنها خودم فدایش شوم و بقیه اهل‌اش باقی بمانند.
کسانی که در روز پیکار امید داشتم به یاری‌اش (یاری وطن) برخیزند از دشمنانش بوده‌اند.
من بعد از شکست‌اش در حالی زنده خواهم ماند که روحم را در رثایش می‌درم.»
شاعر در این قصیده به صراحت پرده از غم درونی خویش برداشته و زبان به رثای وطن
گشوده است؛ در واقع رثای وطن رثای تمام آرمان‌های شاعر است. در مقطع دوم از این قصیده
وطن‌دوستی شاعر به اوج خود رسیده است؛ آنجا که وطن را تمام هستی خود میدانند و دوست
دارد که خویش را در راه وطن فدا کند و بعد از مرگش روحش را فدای وطن‌اش خواهد کرد و او
را خواهد ستود. اینکه روح شاعر پس از مرگ وطن را بستاید اوج وطن‌دوستی شاعر را به تصویر
می‌کشد:

فَإِنْ سَلِمْتُ فَإِنِّي قَدْ وَهَبْتُ لَهُ * خُلَاصَةَ الْعُمُرِ مَاضِيَهُ وَأَتِيَهُ
لَكِنَّهُ أَجَلٌ يَأْتِي لِمَوْعَدِهِ * مَا كُلُّ مَنْ يَتِمَّنَاهُ مُلَاقِيَهُ
وَلَيْسَ بَعْدَهُ عُمُرٌ وَإِنْ بَقِيَتْ * أَنْفَاسُ رُوحِي تَفْدِيهِ وَتَرْثِيهِ
فَلَسْتُ أَسْكُنُ إِلَّا فِي مَقَابِرِهِ * وَلَسْتُ أَقَاتُ إِلَّا مِنْ مَآسِيهِ (الزبیری، ۱۹۸۶: ۳۷۳)
«اگر سالم بمانم تمام لحظات عمرم (از گذشته و آینده) را فدایش خواهم کرد.
اما مرگ آنگاه باید بیاید فرا خواهد رسید و چنین نیست که انسان هر چه را که آرزو می‌کند
آن را ببیند (بدان دست یابد).

و پس از مردن عمر دوباره‌ای نیست اما اگر نفس‌های روحم باقی بماند، فدای سرزمینم می‌شود و رثایش می‌گوید.

جز سرزمین خودم جایی را برای قبرم نمی‌خواهم و همواره غم و اندوهش را می‌خورم. «عشق به یمن نهایت آرزوی الزبیری و با ذره‌ذره وجود او عجین شده است و هیچ چیز جایگزین آن در قلب دردمند شاعر نمی‌شود و حتی اگر مقیم ستارگان باشد، آنجا را رها کرده و در وطن ساکن می‌شود و برای عشق به وطن هر رنجی را تاب خواهد آورد:

بنفسی أفتدی الوطنَ الحَبِيبَا * وَاحْمَلْ فِي مَحَبَّتِهِ الْخَطُوبَا
وَلَوْ إِنِّي حَلَلْتُ رُبُوعَ النَّجْمِ * هَمَمْتُ بِهِ إِلَى الْوِطْنِ الْوُثُوبَا... (همان)

«جانم را فدای وطن محبوبم می‌کنم، و در راه عشق و محبت آن سختی‌ها و دشواری‌ها را بر دوش می‌کشم.

و اگر در میان ستارگان مقیم باشم، آنجا را رها کرده و در وطنم ساکن می‌شوم.»
شاعر در اینجا متأثر از سینه‌ی احمد شوقی بوده (البردونی، ۱۹۷۸: ۱۴۰) مفهوم وطن در ادبیات پایداری الزبیری مهمترین رکن تشکیل‌دهنده‌ی ساختار آن است که ژرف‌ترین احساسات انسانی را در قالب آن ترسیم می‌کند. شاعر در قالب «الوطن الحَبِيبَا و الوطن الْوُثُوبَا» از ریشه‌های عمیق وطن‌دوستی و وطن‌پرستی خود تعبیر می‌کند و با تأکید بر سرزمین به دنبال برانگیختن حس میهن‌پرستی است که الزبیری آن را نخستین شرط خیزش و انقلاب می‌داند.

۳-۹. اهتمام به وحدت جهان عرب:

با آنکه یمن خود مشکلات فراوانی دارد، شاعران یمنی از اهتمام به قضایای کشورهای عربی غافل نبودند. در واقع شعر یمن علاوه بر جنبه‌های ملی، ویژگی‌های فراملی و فرامکانی نیز دارد. شعر یمن نسبت به قضیه‌ی وحدت عربی دو وجه دارد؛ نخست اینکه کشورهای عربی در گذشته سرزمینی واحد بود و عرب بدون هیچ قید و بندی از مکانی رهسپار مکانی دیگر می‌شدند، بغداد و یا دمشق قلب وطن عربی بود در واقع وجود اشتراک دینی، زبانی و تمدنی و مبارزات آزادی‌خواهانه پایه‌ی انسجام و وحدت سرزمین‌های عربی می‌شد (اسماعیل، ۱۹۷۲: ۱۲۹). وجه دوم، آزادی‌خواهی و وحدت‌طلبی است که در شعر محمود الزبیری نمود بسیاری دارد. وی از حرکت‌های آزادی‌طلبانه استقبال کرده و مبارزان را می‌ستاید. برای نمونه، شاعر از جنبش‌های

آزادی بخش عراق که در سال ۱۹۵۸ برای رهایی از استعمار بریتانیا صورت گرفته، تأثیر پذیرفته و قصیده‌ای با عنوان «من أحرار اليمن إلى أحرار العراق» سروده و در آن، مبارزان را ستایش کرده و آنها را به خیزش و قیام هر چه بیشتر دعوت می‌نماید:

صِيحَةُ الشَّعْبِ فِي بِلَادِ الرُّشِيدِ * اشعلوها ناراً وثوري وزیدی

إزحفی كالطوفان یا ثورة الشعب * إلینا ودمدمی كالرعود

إخوة نحن فی القيود فهيا * لنكن إخوة بخلع القيود

نصف قرن عشنا ینام بها المحتل * فی أرضنا كنوم الولید (الزبیری، ۱۹۸۶: ۲۰۶)

«ای فریاد ملت در سرزمین هارون الرشید، آتش بر افروزید و قیام به پا کنید.

ای انقلاب مردم، به سوی ما همچون طوفان و آذرخش بپا خیز.

ای برادران بشتابید که ما در غل و زنجیر هستیم، باید برای باز کردن این زنجیرها با هم برادر و متحد شویم.

نیم قرن از زندگی ما می‌گذرد در حالی که دشمن اشغالگر در سرزمین ما همچون کودکی تازه به دنیا آمده آرام به خواب رفته است.»

هارون الرشید در شعر الزبیری نماد قدرت و ستم‌ستیزی است. شاعر با لفظ بلاد الرشید سعی بر آن دارد که عرق عربی را در وجود مخاطب بیدار سازد. لفظ الرشید پایداری الرشید را در برابر «نقفور» پادشاه روم یاد آور می‌شود. رشید از اعطای جزیه به نقفور که در زمان مهدی واجب شده بود، امتناع کرد و در مقابل نقفور از مرزهای اسلامی دفاع کرد (الطبری، ۱۹۶۹، ج ۸، ۳۰۸). در این قصیده شاعر با ستودن قیام «۱۴ ژوئن» مردم عراق علیه استعمار بریتانیا و تأثیرپذیری از آن، به پیشینه مقاومت و پایداری آن سرزمین می‌پردازد و با آوردن لفظ «الرشید» به پایداری و قدرت عرب در برابر ظالمان در گذشته اشاره می‌کند.

الزبیری شاعر یمن به تنهایی نیست؛ بلکه شاعر اسلامی-عربی است که به تمام عرب عشق می‌ورزد. پیکار مردم مصر در دهه ۵۰ و انقلاب عراق در سال ۱۹۵۸ و پیکار الجزایر موضوع بیشتر قصاید الزبیری است. او در سال ۱۹۴۰ دالیه خود را در تمجید از وحدت عرب در میان جمعیت دانشجویان سرود:

أهلا بروحك یا وئام و مرحباً * بک یا عروبه وکلنا لک فادی

سنعد افنده لِحَبِّكَ ترتضی * مَثواک فی الأحشاء والأکباد

وَنَسْجَلُ الْإِخْلَاصَ فِيمَا تَرْتِي * أَوْ مَا يَقُولُ مَنَاصِحَ وَمَنَاد (الزبیری، ۱۹۸۶: ۲۴۵)

«درود بر تو ای عرب یکپارچه، ما همه فدای تو هستیم.

و جان‌هایمان را در راه عشق به تو آماده کردیم تا خشنود گردی. جایگاه تو در دل و جان‌های ماست.

هر چیزی که تو بخواهی ما با اخلاص آن را انجام می‌دهیم و یا هر چیزی که هر انسان خیرخواه و ندا دهنده‌ای بگوید.»

شاعر تجمع‌کنندگان را به اخلاص نسبت به عرویت دعوت می‌کند و معتقد است که وحدت عربی جز از طریق تجمعات و دیدارهای گروهی محقق نمی‌شود و سردمداران نمی‌توانند وحدت عربی را تضعیف کنند. (اسماعیل، ۱۹۷۲: ۱۲۹-۱۳۰)

أولم يروا أنا نحاولُ وحدة * عربيةً علياء ذاتَ عمادٍ

لم ينجح الزعماءُ في تأليفِها * حتى تؤيدهم يد الأفراد

و يُساهم الأُدب الرفيعُ فإنّه * نعم المنار ونعم الهادي (الزبیری، ۱۹۸۶: ۳۰)

«آیا انگلیسی‌ها نمی‌دانند که ما در پی برقراری وحدتی عربی بلندپایه و عظیم هستیم.

وحدتی که رهبران در گذشته از انجام آن عاجز بودند و به انجام آن نائل نشدند تا آنکه همه عرب آن را یاری کردند.

و ادبی بلند پایه نیز در تحقق این اهداف آنان را یاری کرد که این ادبیات بهترین هدایت‌گر و بهترین هادی است.»

الزبیری در همین قصیده اهتمام به زبان عربی را یکی از عوامل وحدت عربی معرفی می‌کند و خواستار آن است که معنای «الناطق بالظاد» برای مردم توضیح داده شود:

وَأَقْلُ جُهْدٍ مِنْ سَلَاةٍ يَعْرُبُ * أَنْ يَشْرَحُوا لِلنَّاسِ مَعْنَى الظَّادِ (همان: ۳۱-۳۲)

«کمترین کاری که نسل یعرب (از نوادگان یعرب) می‌تواند انجام دهد این است که معنی الظاد (عرویت و اصالت عرب) را به مردم تشریح کند.»

گویا محمد الزبیری می‌خواهد به عرب بفهماند که تنها راه نجات و رهایی، وحدت و همبستگی بین کشورهای عربی است و در زمانی که کشورهای بیگانه به جان و مال آنان طمع کرده‌اند، تنها چیزی که رهایی آنان را به بار می‌آورد همدلی و وحدت است که شاعر با لفظ الضاد از آن تعبیر می‌کند.

الزبیری هنگامی که فرانسه به پارلمان سوریه هجوم برد قصیده نونیه‌اش را سرود که این قصیده احساسات برادرانه امت عربی و مشارکت وجدانی آنان در تراژدی دمشق را به تصویر می‌کشد و زخمی که بر پیکر سوریه وارد شد، در واقع زخمی است بر پیکر کل کشورهای عربی از مصر تا یمن تا عراق و فلسطین (المقاله، ۱۹۷۸: ۷۶).

سَالْ جَرْجُ بِالشَّامِ فَاضْطَرِبَتْ نَجْدٌ * وَسَحَتْ لَهُ عَيُونُ الْكِنَانَةِ
وَشَجَى الْأُرْدُنَ الْمُصَابَ كَأَنَّ * قَدْ دَمَّرَ الْمُعْتَدَى لَهُ عَمَانَةَ
وَاسْتَفْزَ الشَّعْبُ الْيَمَانِي حِفَافًا * فَانْتَضَى سَيْفُهُ وَهَزَّ لِدَانَهُ
وَفِلَسْطِينَ خَبَاتُ جَرَحِهَا الدَّامِي * وَهَبَتْ لِجَارِهَا غَضْبَانَهُ (الزبیری، ۱۹۸۶: ۳۳)
«جراحی بر شام وارد شد و نجد به خاطرش پریشان گشت و دیدگان قبیله کنانه برایش اشک ریخت.

و اردن مصیبت‌زده چنان غرق اندوه و ماتم شد که گویا که دشمنان متجاوز عمان را ویران کرده است.

از این رو مردم یمن برای حفاظت از غروب به پا خاستند و شمشیر کشیدند و آن را به حرکت درآوردند.

و فلسطین نیز برای جراحات‌های شام، جراحات‌های خونین خود را پنهان ساخت و برای همسایه‌اش خشمناک به پا خاست.»

در مسیر مبارزه و پیکار آن چیزی که ذهن الزبیری را به خود مشغول داشته و او را دچار اضطراب ساخته، بیم از تفرقه و اختلاف است. تفرقه و اختلاف از نظر الزبیری زمینه‌ساز سلطه بیگانه است و راه را برای آن هموار می‌کند از این رو اشعار ملت را از اختلاف و تفرقه بر حذر می‌دارد:

نَحْنُ شَعْبٌ مِنَ النَّبِيِّ مِبَادِينَا * وَ مِنْ حَمِيرِ دِمَانَا أَرْكَيَّةُ
مَلُّ أَعْرَاقِنَا إِبَاءَ مَجْدٍ * وَ طُمُوحُ إِلَى الْعُلَى وَ حَمِيَّةُ
أَرْضِنَا تَلْعَنُ الطَّغَاةَ الْأُولَى * سَادُوا عَلَيْنَا بِالْفِرْقَةِ الْمَذْهَبِيَّةِ (الزبیری، ۱۹۸۶: ۱۱۴۷)
شاعر اختلافات فرقه‌ای و طائفه‌ای را عامل سلطه و سیادت بیگانگان می‌داند و امت اسلامی را از آن بر حذر می‌دارد و با اشاره به انتساب آنان به حضرت ختمی مرتبت حضرت محمد(ص) یگانگی و برادری آنان را متذکر می‌شود.

۴- نتیجه‌گیری:

۱- یمن از جمله کشورهایی است که دستخوش تحولات سیاسی تاریخی فراوانی گشته است. محمد محمود الزبیری شاعر نامدار و دردمند یمن، از جمله شعرای متعهد و پیشوای شاعران مقاومت یمن، چون زید الموشکی و ابراهیم الحضرائی و احمد المعلمی و احمد الشامی و دیگر شاعران مقاومت است که در عرصه این تحولات و در انقلاب یمن، با سلاح شعر راهبری مردم را عهده‌دار بود.

۲- وی همواره با شعر خویش شعله‌های امید را در روح و جان هموطنان خود می‌افروخت. از جمله موضوعاتی که در شعر پایداری او جلوه‌گری می‌کند، دعوت به خیزش و انقلاب است؛ در واقع دعوت به قیام و مبارزه روح ادب پایداری است.

۳- دعوت به خیزش مهمترین عنصر شعر محمد الزبیری است که به اشکال گوناگونی در شعرش جلوه‌گری می‌کند.

۴- دارا بودن روحیه آزادگی، عشق به وطن، دعوت به خیزش، اهتمام به مسئله فلسطین، مبارزه طلبی، اهتمام به وحدت عرب، امید به آینده‌ای درخشان و تهدید دشمنان از مهمترین جلوه‌های پایداری در شعر محمد محمود الزبیری به‌شمار می‌رود.

۵- او در میدان پیکار، عزم و اراده را برنده‌تر از شمشیر می‌داند و در واقع تنها سلاح مبارزه الزبیری عزم و اراده است. ایمان محکم به وحدت کشورهای عربی و اهتمامی فراوان به مسئله فلسطین داشت. وی در کنار تأثیرپذیری از شاعران قدیم عرب با وام‌گیری برخی مضامین از قصاید سنتی جنبه انقلابی شعر خویش را قوام بخشید و در برخی موارد به آیات قرآن نظر داشته است.

فهرست منابع

- احمدی، بابک، ساختار و تاویل متن، تهران، انتشارات مرکز، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.
- اسماعیل، عزالدین، الشعر المعاصر فی الیمن، الرؤیة و الفن معهد البحوث و لدراسات العربیة، ۱۹۷۲م
- البردونی عبدالله، رحلة فی الشعر الیمن قديمة و حديثة، بیروت، دار العودة، ۱۹۷۸م.
- بشارین برد، دیوان، الجزء الثاني، الجزائر، عاصمة الثقافة العربیة، ۲۰۰۷.
- خسرو شاهی سید هادی، حرکت اسلامی فلسطین از آغاز تا انتفاضه، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.
- الزبیری، محمد محمود، دیوان، به مقدمه دکتر عبد العزیز المقالح، بیروت، دارالعودة، ۱۹۷۸.
- زعیتراکم، سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار، مترجم علی اکبر هاشمی، رفسنجانی انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۰.
- سنگری، محمد رضا، ادبیات دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، ۱۳۸۹.
- صمود، حمادی، الشعر العربی فی الیمن، المجلد السادس، هیئة المعجم، بیروت: نشر عبد العزیز مسعود البابطین، ۲۰۰۲.
- الطبری، محمد، تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابولفضل ابراهیم، ج ۸، مصر، دار المعارف، ۱۹۶۹م.
- محمد الحبشی، عبدالله، الأدب الیمنی عصر خروج الأتراك، الدار الیمنیة للنشر، ۱۹۸۶.
- المقالح، عبدالعزیز، الشعر المعاصر فی الیمن، بیروت، دارالعودة، ۱۹۷۸م.
- یاسین، عبدالقادر، كفاح الشعب الفلسطینی، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر، ۱۹۸۱م.

مقاله‌ها:

- افخمی عقدا، رضا، غلامحسین کهوری، محسن، «جلوه های ادبیات مقاومت در شعر آمل زهاوی» نشریه ادبیات پایداری، سال هفتم، ش ۱۲، ۲۲-۱، ۱۳۹۴.
- حجازی بهجت السادات، رحیمی فاتزه، «جلوه های مقاومت در شعرایلیا ابو ماضی»، فصلنامه لسان المبین، سال دوم، شماره دوم، ۴۱-۵۸، ۱۳۸۹.

واکاوی تطبیق نظام معارف قرآنی در فیلم‌های سینمایی: «تنگه ابوقریب» و «به وقت شام» با رویکرد بیداری اسلامی

سمیه رسولی‌پور^۱ (نویسنده مسئول)
سحر ذکاوت^۲

چکیده

سینما یکی از حوزه‌هایی است که ابعاد فرهنگی جامعه اسلامی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. از این رو اهمیت نظام معارف قرآنی در بیداری مسلمانان و تأثیرات مهم سینما در فرهنگ جامعه این ضرورت را ایجاد کرده است که شناخت نظام معارف قرآنی و بازتاب آن در فیلم‌های سینمایی مورد بررسی قرار گیرد. نمونه‌های مورد بررسی پژوهش حاضر فیلم‌های سینمایی تنگه ابوقریب و به وقت شام است. هدف پژوهش، شناخت نظام معارف قرآنی در فیلم‌های سینمایی تنگه ابوقریب و به وقت شام و شناسایی میزان شباهت‌ها و تفاوت‌های نظام معارف قرآنی در این دو فیلم سینمایی است و پرسش‌های مطرح شده چنین است: ۱- نظام معارف قرآنی چگونه و تا چه میزانی در فیلم‌های سینمایی «تنگه ابوقریب» و «به وقت شام» بازتاب یافته است؟ ۲- چه وجوه اشتراک و افتراق در بازتاب نظام معارف قرآنی در فیلم‌های سینمایی تنگه ابوقریب و به وقت شام وجود دارد؟ پژوهش پیش‌رو به شیوه توصیفی-تحلیلی و تطبیقی انجام پذیرفته و داده‌های آن با جستجو در منابع کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در دو فیلم سینمایی مورد بحث، ضمن رعایت و پایبندی به بیشتر مؤلفه‌های نظام معارف قرآنی، «احکام جهان‌شناسی و احکام بین‌المللی» بیشترین بازتاب را داشته‌اند. هم‌زمان برای برقراری احکام الهی و مبارزه با حکام ظالم، می‌بایست برای معنویت و شناخت خدا نیز مبارزه نمود و بعد از پیروزی برای سازوکارهای تربیتی اسلامی، تلاش نمود تا جامعه‌ای بیدار و به‌دور از ستم حاصل آید. **واژگان کلیدی:** نظام معارف قرآنی، فیلم سینمایی، تنگه ابوقریب، به وقت شام، بیداری اسلامی.

۱. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد، رشته ارتباط تصویری، دانشگاه شاهد تهران. تهران. ایران.

Somayah.66.rasouli@gmail.com

ORCID:0000-0003-2355-8624

۲. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی هنر اسلامی، گرایش کتابت و نگارگری، دانشگاه شاهد تهران. تهران. ایران.

sahar.zekavat@shahed.ac.ir

ORCID:0000-0001-7488-6527

مقدمه

«رسانه‌ها نهادهایی هستند که با اصلاح آنها امید است که تقوا در جامعه گسترش یابد و کل جامعه اصلاح شود. در این حالت محتوای رسانه‌ها نه یک کالای ارتباطی خنثی، بلکه کالایی است که تربیت و تقویت نیروی انسانی صحیح و متعالی به دست آن است. در صورت اتخاذ چنین رویکردی رسانه‌ها با ویژگی‌های منحصر به فرد و موقعیت قابل توجه (که برای پرهیز از طولانی شدن کلام از ذکر آنها خودداری کرده‌ایم) می‌توانند پیشینه مقدمات نقش‌آفرینی را در راستای پیشرفت و سعادت جامعه ایرانی داشته باشند و به عنوان یک مربی به خدمت ملت ایران بشتابند.» (سلیم، ۱۳۹۷: ۱۰۲) از آنجایی که سینما غیر از وجه هنر، دارای وجه رسانه‌ای نیز هست، یکی از وسایل ارتباط جمعی از نظر مطالعات رسانه‌ای به‌شمار می‌آید. پس نمی‌توان تأثیری که سینما بر زندگی اجتماعی و فرهنگ عامه یک ملت می‌گذارد را نادیده گرفت و منکر شد. «تعامل دیالکتیکی سینما با جامعه آن را به یک میانجی قوی برای فهم جهان اجتماعی مبدل می‌سازد. بدین ترتیب، مطالعه زندگی اجتماعی اکنون بدون توجه به بازنمودهای سینمایی آن امکان‌پذیر نیست.» (علیخانی، ۱۳۹۷: ۷۳) از سویی، نظام معارف قرآنی از موضوعات مهم در حوزه علوم اسلامی است و به جهت ضرورت وجود یک برنامه زندگی، استخراج این مفاهیم و معارف مورد توجه اکثر مسلمانان قرار گرفته است. جایگاه مهم نظام معارف قرآنی در شیوه زندگی مسلمانان ضرورت بررسی بازتاب آن را در حوزه‌های مختلف هنری، فرهنگی و اجتماعی ایجاد کرده است که یکی از این حوزه‌های مهم فرهنگی و هنری، تولیدات سینما و سینمای دفاع مقدس است. در پژوهش‌هایی که درباره سینمای دفاع مقدس شده است، بیشتر به جنبه‌های سینمایی و زیبایی‌شناختی آثار توجه و پرداخته شده است و به ندرت می‌توان تحقیقاتی را پیرامون نظام معارف قرآنی در این سبک سینمایی پیدا نمود. همین امر نگارندگان را ترغیب نمود تا جستاری در رابطه با نظام معارف قرآنی در سینمای دفاع مقدس انجام دهند. پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش‌ها است که ۱- نظام معارف قرآنی چگونه و تا چه میزانی در فیلم‌های سینمایی «تنگه ابوقریب» و «به وقت شام» بازتاب یافته است؟ ۲- چه وجوه اشتراک و افتراق در بازتاب نظام معارف قرآنی در فیلم‌های سینمایی تنگه ابوقریب و به وقت شام وجود دارد؟

در همین راستا، پیش از پرداختن به تطبیق فیلم‌ها جهت روشن شدن هر چه بیشتر ادبیات بحث، قرآن و معارف آن، نظام معارف قرآنی و جامعه‌شناسی سینمای جنگ به اختصار شرح داده شده است.

چارچوب نظری

۱- قرآن و معارف آن

انبیا و علمای بزرگ دین همواره کوشیده‌اند در پرتو وحی الهی، سبب سعادت، رستگاری و هدایت بشر شوند. که در این زمینه اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز به‌مقابله با عادات، احکام و عقاید باطل، کج‌اندیشی‌ها و انحرافات جامعه پرداخت. توجه به افکار و عملکرد انسان در عصر حاضر نشان می‌دهد که در جوامع امروزی بیشینه مردم از همان عادات و عقاید عصر جاهلیت پیش از اسلام پیروی می‌کنند (شعبان‌پور و بشارتی، ۱۳۹۴: ۸). خداوند متعال به‌منظور هدایت بشر و ارتقای روح و روان وی، مجموعه‌ای از بیان‌ها و رهنمودها را در قالب کتاب آسمانی برای بشر فرستاده است که افراد با توجه به قابلیت‌ها و شایستگی‌های فردی خود می‌توانند از آن استفاده کنند (فانز، نوروزی، صادقی، ۱۳۹۴: ۸). قرآن کتاب مقدس مسلمانان کتاب کاملی است و کامل بودن آن از دیدگاه علامه طباطبایی «بدین معنا که هم هدف کامل انسانیت را در خود دارد و هم آن هدف را به کامل‌ترین وجه بیان کرده است. ایشان سپس هدف انسانیت را جهان‌بینی کامل و به‌کار بستن اصول اخلاقی و قوانین عملی مناسب و ملازم با آن جهان‌بینی را ذکر کرده، تصریح می‌کند که قرآن مجید کامل این مقصود را برعهده دارد» (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۱). «قرآن سند معرفت و هویت اسلام است؛ از این‌رو شناخت آن و بهره‌گیری از معارفش همیشه مورد توجه مسلمانان بوده است.» (غلامی، ۱۳۹۵: ۲). باید افزود این معارف قرآن به دانش‌ها و شناخت‌هایی اطلاق می‌شود که در این کتاب مقدس وجود دارد و گستره این معارف همه گزاره‌های موجود در قرآن را شامل می‌شود (محمدی مظفر، ۱۳۹۴: ۱۰). محمدتقی مصباح استخراج و یادگیری و کاربرست معارف قرآنی را از ضروریات زندگی مسلمانان دانسته و می‌گوید: «بی‌شک یکی از واجب‌ترین وظایف روحانیت این است که تلاش کند تا تمام مفاهیم قرآن را هرچه صحیح‌تر و متقن‌تر در سطوح مختلف (عالی، متوسط و ساده) تبیین کند و در دسترس جامعه قرار دهد.» (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

اسلام هیچ قدرت فی‌نفسه و بالذات دیگری جز قدرت خداوند را در عالم به رسمیت نمی‌شناسد. إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِّينِ، یعنی ذوالاقتدار الشدید؛ وَ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِّينِ یعنی قادری است بلیغ‌الاقتدار و کامل‌القدرة است بر وجهی که ضعف و عجز به ساحت کبریایی او راه ندارد. (مروتی و گراوند، ۱۳۹۶: ۱۱۱)

۲- نظام معارف قرآنی

برای تبیین و ارائه نظام معارف قرآنی صاحب‌نظران به تفسیر آیات قرآن کریم می‌پردازند. تفسیر آیات قرآن کریم سابقه‌ای طولانی داشته و از همان آغاز نزول، آیات تفسیر نیز می‌شده است و پیامبر اکرم (ص) نخستین مفسر آیات مبارک قرآن کریم بوده است. تفسیر آیات قرآن به دو شیوه تفسیر تجزیه‌ای یا ترتیبی و تفسیر موضوعی توسط مفسران انجام می‌شود. باید یادآور شد که تفسیر ترتیبی قرآن یک شیوه رایج در تفسیر آیات قرآن کریم محسوب می‌شود. اما صاحب‌نظران، برای فهم عمیق آیات از شیوه‌هایی چون «توضیح واژگان قرآن، گردآوری انواع مختلف ساختارهای قرآنی، دسته‌بندی موضوعی آیات قرآن، تفسیر مجموعه آیات مربوط به یک موضوع، شرح و تفصیل آیه، آیات یا سوره‌ای خاص و موارد مشابه آن برای قرآن‌پژوهی بهره می‌برند» (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۱۳). مسلمانان قرآن را طبق ترتیبی خاص تلاوت می‌کردند. به گونه‌ای که باید گفت ترتیبی که اکنون نیز صورت می‌گیرد در عصر پیامبر (ص) و زیر نظر ایشان تنظیم شده است. مفسران همواره کوشیده‌اند از آغاز دور تدوین، همین ترتیب را حفظ کنند و به همین ترتیب به شرح و توضیح آن پردازند، از این رو تفسیر ترتیبی، دارای سنتی کهن در تاریخ تفسیر قرآن کریم محسوب می‌شده است (ایازی، ۱۳۸۲: ۶۶). «در تفسیر ترتیبی مدلول آیات قرآن صرف نظر از استخراج نظریه و به ترتیب مصحف انجام می‌گیرد و هدف مفسر پرده‌برداری از مفهوم و مراد معنای آیه است. لذا اهداف نهایی در تفسیر ترتیبی کشف از معانی مفردات و شناخت مراد هر یک از آیات است، گرچه این هدف به کمک آیات دیگر انجام می‌گیرد.» (ایازی، ۱۳۸۲: ۶۶). در کتاب پیام قرآن به تفسیر موضوعی قرآن پرداخته شده است. در این کتاب منظور از شیوه تفسیر موضوعی جمع‌آوری و طبقه‌بندی آیات مختلفی از قرآن مطرح شده است که در مورد یک موضوع خاص و در موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف نازل شده‌اند و در نهایت از مجموع محتوای آیات نظر قرآن در مورد آن موضوع خاص و ابعاد مختلف آن روشن شود (قاسم‌پور، نظریگی، ۱۳۹۶: ۲۶۷). به بیان دیگر تفسیر موضوعی «روشی است برای کشف، شناخت و تبیین موضوع با ملاحظه آیات مشترک، هم موضوع، هم مضمون و یا مبانی‌ای که به شناخت مطالب کمک کند. در این روش، مفسر آیات مختلف درباره یک موضوع را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و با جمع‌بندی و تحلیل، دیدگاه قرآن را درباره آن ارائه می‌دهد. تفسیر موضوعی به دنبال پاسخ پرسشی انجام می‌گیرد که در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اجتماعی، سیاسی

تاریخی، فقهی و حتی مفهومی مطرح است و مفسر به دنبال نظریه پردازی و استخراج دیدگاه قرآن است.» (ایازی، ۱۳۸۲: ۶۶) شایان ذکر است که تفسیر موضوعی قرآن هم به دو صورت تفسیر موضوعی جامع و غیر جامع انجام می‌شود و هر یک از این شیوه خود دارای محاسن و معایبی است که در پژوهش حاضر به این موارد پرداخته نمی‌شود. علی محمد قاسمی پژوهشی مفصل در این مورد انجام داده است که در نهایت یک طبقه‌بندی جامع به شیوه الله محوری ارائه داده است. نظام معارف قرآنی بر اساس پژوهش قاسمی به طور کلی به اطلاعات جدول (۱) خلاصه می‌شود:

جدول (۱)، بررسی و طبقه‌بندی نظام معارف قرآنی بر اساس شیوه الله محوری (قاسمی، ۱۳۸۴، ۲۸-۳۴)

ردیف	تقسیم‌بندی نظام معارف قرآنی	شرح و توضیح
۱	خداشناسی	«این بخش اصل مباحث مربوط به شناخت خدا، توحید، صفات و کلیات افعال الهی است و در صدر همه موضوعات قرار می‌گیرد؛ زیرا اساس تقسیم الله است.»
۲	جهان‌شناسی	«طبیعی است که پس از بحث کلیات افعال الهی - که در بخش اول انجام می‌شود - لازم است تفصیل افعال الهی مورد بررسی و تفسیر قرار گیرند که این همان مسئله خلق و تدبیر بوده و تحت عنوان جهان‌شناسی آمده است و شامل مباحث مربوط به جهان (مانند آسمان، ستارگان، زمین، پدیده‌های جوی مثل رعد، برق، باد، و باران، و پدیده‌های زمینی مانند کوه‌ها و دریاها و نیز مباحث مربوط به عرش، کرسی، فرشتگان، جن و شیطان) می‌شود و جایگاه طرح مسائل و تفسیر آیات مربوط به آن، پس از خداشناسی است»
۳	انسان‌شناسی	«پس از بررسی و تفسیر مسائل مربوط به جهان‌شناسی، مباحث مربوط به انسان‌شناسی مطرح می‌شود؛ مباحثی هم‌چون: آفرینش انسان، روح و ویژگی‌های آن، کرامت و شرافت انسانی، مسئولیت و شرایط آن؛ مثل: آگاهی، قدرت عمل، اختیار و نیز ابعاد گوناگون وجود انسان، سنت‌های الهی، مسئله معاد و سرنوشت نهایی انسان از مباحث این بخش است. در این بخش، روشن می‌شود که این جهان، مقدمه‌ای برای آخرت است و این انسان است که با اختیار خود، می‌تواند راه سعادت یا شقاوت ابدی را برگزیند و سرنوشت نهایی خود را رقم بزند.»

۴	راه‌شناسی	«به دلیل آن‌که در مبحث انسان‌شناسی روشن می‌شود که انسان موجودی انتخابگر است و باید راه خود را آگاهانه برگزیند، مسئله‌گرینش راه و شناخت آن مطرح می‌گردد که موضوع این بخش است. شایان ذکر است که مباحثی مانند شناخت‌های عادی (انواع علم حضوری و حصولی متعارف)، شناخت‌های غیرعادی (الهام و وحی)، مسئله نبوت و ضرورت بعثت انبیا و هدف آنها، مقامات انبیا (نبوت، رسالت و امامت)، اعجاز، عصمت و سرانجام، جانشینی پیامبران (امامت به معنای خاص) تحت عنوان راه‌شناسی مورد تفسیر و بررسی قرار می‌گیرند.»
۵	راهنماشناسی	«پس از اثبات نبوت و ضرورت وحی در مبحث سابق، نوبت به مبحث راهنماشناسی می‌رسد که شامل مباحثی هم‌چون تاریخ پیامبران، ویژگی‌های پیامبران، کتاب‌های پیامبران و محتویات آنها، تاریخ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، حوادث مربوط به زمان آن حضرت و نیز شامل تاریخ اقوام و ملل و سایر داستان‌های قرآن می‌شود. ترتب این بخش بر بخش پیشین نیز روشن است؛ زیرا پس از اثبات نبوت و وحی، لازم است گیرندگان وحی و رسانندگان آن به مردم را بشناسیم.»
۶	قرآن‌شناسی	«پس از آنکه از کتاب‌های آسمانی پیشین بحث شد، نوبت به قرآن می‌رسد؛ آخرین کتابی که نازل شده است و باقی خواهد ماند. مباحث کلی که در این بخش تحت عنوان قرآن‌شناسی مطرح می‌شوند، عبارتند از: عناوین و اوصاف قرآن، ویژگی‌های قرآن، هدف از نزول، کیفیت نزول، اعجاز، محکم و متشابه، تأویل، جهانی بودن، ابدی بودن و شیوه بیان (استدلال عقلی، موعظه، جدل، تمثیل، قصص و مانند آن).»
۷	اخلاق یا انسان‌سازی قرآن	«پس از مبحث قرآن‌شناسی، بخش مربوط به اخلاق/انسان‌سازی قرآن مطرح می‌شود؛ زیرا در قرآن‌شناسی، به این نتیجه می‌رسیم که هدف قرآن تزکیه و تعلیم است. تزکیه بحث اخلاق و خودسازی را ایجاب کرده است و مباحث آینده هم مربوط به تعلیم است.»
۸	برنامه‌های عبادی قرآن	«در بخش دیگر، مباحث مربوط به نماز، روزه، حج، دعا، ذکر و مانند آن مطرح می‌شود؛ یعنی اعمالی که رکن اساسی آنها تقویت رابطه انسان با خدا است، هرچند مصالح اجتماعی زیادی نیز در آنها منظور شده است. این بخش را می‌توان برنامه‌های عبادی قرآن نامید که در واقع، همان مسائل و برنامه‌های عملی قرآن است که مربوط به رابطه انسان با خدایند.»

۹	احکام فردی قرآن	«پس از بیان برنامه‌های عبادی قرآن، احکام فردی قرآن مورد تفسیر قرار می‌گیرند که مباحثی همچون حلال و حرام در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها (اطعمه و اشربه، صید و ذباحه) را شامل می‌شود. این امور هم همان برنامه‌های عملی قرآن در رابطه با خود هستند»
۱۰	احکام اجتماعی قرآن	«در مقدمه این بخش، جامعه از منظر قرآن مورد بحث قرار می‌گیرد؛ مباحث اجتماعی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد؛ یعنی برنامه‌های عملی قرآن، که در رابطه با دیگران مطرح است، مورد تفسیر قرار می‌گیرند.» مسائل این بخش به اقسام ذیل تقسیم می‌شوند:
		احکام مدنی
		احکام اقتصادی
		احکام قضایی
		احکام جزائی
		احکام سیاسی
		احکام بین‌المللی

۳- بیداری اسلامی در منظر قرآن

قرآن مجید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه مؤمنان را، امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. خداوند این دو مهم را در کنار ایمان به خدا و اطاعت از او و رسول آورده است و میزان توجه به آنها را معیار برتری امت اسلام می‌داند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران/ ۱۱۰)؛ «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اند؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.» تلاش امامان در ترویج و عمل به این دو عنصر اصلی اسلامی در راستای اهداف وحدت طلبانه آنها بوده است. راز این مسأله نیز در این نهفته است که راه و سرنوشت انسان‌ها در مسائل اجتماعی، با یک‌دیگر پیوند خورده است. انسان، طبیعتی اجتماعی دارد و عقاید، اخلاق و اعمال دیگران در او مؤثر است. از این رو با انحراف یک فرد، علاوه بر وارد کردن زیان به خود، جامعه نیز از رفتار او دچار زیان می‌شود؛ پس عقل حکم می‌کند عموم افراد، مراقب یکدیگر باشند و در حد توان، جامعه را از آلوده شدن به فساد، بازدارند. البته دایره این دو وظیفه سیاسی، علاوه بر مسائل فردی و جزئی، مسائل اجتماعی و امور کلی مسلمانان را نیز دربر می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۱۸-۱۱۹). قرآن، هدف تمام نظام هستی را خدا می‌داند. «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ؛ آگاه باشید که همه چیز به سوی خدا بازمی‌گردد.» (شوری/ ۵۳) خداوند در عالم خلقت، نه تنها تمام هستی بلکه آفرینش آدمی را هم دارای هدف بر می‌شمارد: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَإِنَّا لَإِلَيْنَا لَا تَرْجِعُونَ.» (شوری/ ۱۱۵) آیا پنداشتید که شما را بی‌هوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید؟» تمام حرکت‌های

جامعه اسلامی از جمله بیداری اسلامی باید به این سو باشد؛ در غیر این صورت از هدف واقعی باز می ماند. قرآن کریم در آسیب شناسی فراموشی این هدف حیاتی نیز می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر/ ۱۹) و مانند کسانی مباشید که خدای را فراموش کردند و خدا خودشان را از یادشان برد. اینان همام فاسقاند.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۲) «خدای متعال و (قرب به او) غایت و هدف است و چون غایت و هدف فراموش شود، انسان از حقیقت خود بیگانه می شود. ریشه و اساس همه سرکشی ها و نابسامانی ها و تباهی ها در اینجاست. بیداری اسلامی باید در عمل، کمال جویی و خداخواهی خویش را نشان دهد و این نیازمند آن است تا آدمی صفات الهی را در خود تجلی و ظهور بخشد. از این رو، بیداری جویان مسلمان باید شرایط لازم را برای حرکت پیوسته و همیشگی به سوی این هدف مطلق فراهم سازند و مبارزات خود را نیز بر پایه استقرار خلافت الهی بنا نهند. تأکید قرآن بر خداخواهی و قرب به او از آن روست که تمام فعالیت های حق طلبانه و از آن جمله بیداری اسلامی از هر گونه انحرافی در آغاز و در ادامه راه مصون ماند. پس هدف غایی و مطلوب بیداری اسلامی در نظر قرآن، رسیدن به قرب الهی و انسان کامل شدن است.» (همان، ۱۲).

۴- جامعه شناسی سینمای جنگ

یکی از راه های معرفی جنگ و پیامدهای آن از طریق فیلم های سینمایی است. به ژانری از سینما که درون مایه اصلی فیلم، جنگ و تبعات حاصل از آن باشد سینمای جنگ می گویند «پس از کوشش مغتنم، مهم و آغازگرانه رسول ملاقلی پور در "پرواز در شب" زمینه ای برای به راه افتادن جریانی سینمایی شکل گرفت که جای الگو گرفتن از فیلم های پرحادثه خارجی، از فضای متفاوت دفاع مقدس الهام می گرفت. با ساخته شدن فیلم "دیده بان" (ابراهیم حاتمی کیا) ژانر سینمای دفاع مقدس رسماً متولد شد.» (غایب زاده، ۱۳۹۴: ۲۰). سینمای دفاع مقدس توسط افرادی ایجاد شد که خود در عرصه های نبرد حضور داشتند و جنگ را تجربه کرده بودند. از این رو هدف بیشتر آنان در عین تأیید جنگ و تهییج برای رفتن به جبهه نبرد، ادای دینی به هم زمانشان نیز محسوب می شد. آنها اغلب به شکل غریزی و تجربی سینما را شروع کرده و به مرور بر دانش و اطلاعات خود در این راستا افزوده اند. از شاخص ترین این افراد می توان به رسول ملاقلی پور، احمد رضا درویش، عزیزالله حمیدنژاد، کمال تبریزی، ابراهیم حاتمی کیا،

جمال شورجه و... اشاره نمود (مدنی، ۱۳۹۰: ۴۲). «جنگ به عنوان یک پدیده ویرانگر، تمامی مناسبات اجتماعی و ساختارهای جامعه مورد تهاجم را به هم ریخته و نوعی نابسامانی و بی‌سازمانی اجتماعی را به همراه می‌آورد. به‌ویژه در موقع حمله به یک کشور، مصائب و رنج‌های حاصل از جنگ و کشتار و خونریزی در درجه اول گریبان جامعه و مردم مناطق جنگ‌زده را فرا می‌گیرد، بیماری‌های روحی و روانی و عاطفی شدیدی برای آنان به ارمغان می‌آورد و افزون بر غم از دست دادن خانه و کاشانه و اموال و دارایی‌ها، غم از دست دادن نزدیکان و عزیزان را نیز به آنها می‌افزاید.» (همان، ۱۱۷-۱۱۸). سینمای پس از انقلاب اسلامی، بعد از عبور از یک دوره فترت نسبی سال‌های ۵۸-۵۹ متولد شد. در واقع از نخستین فیلم‌های تولیدشده در سینمای بعد از انقلاب آثار جنگی بودند. (راوودراد و حیران‌پور، ۱۳۹۲: ۶۵) بین سال‌های (۱۳۶۰-۶۷) حکومت، مردم و رزمندگان به دلیل وجود شرایط جنگی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی با هم همراه بودند. بیشتر کارگردانان سینما، سعی بر آن داشتند در جهت اهداف جمعی جامعه، (ایمان به پیروزی در جنگ، حراست از انقلاب اسلامی و حمایت معنوی از رزمندگان) تلاش کنند. بنابراین سینمای جنگ ایران در بستر اجتماعی و چنین دوره‌ای پا به عرصه ظهور گذاشت. هنرمندان با توجه به حس دینی و میهن‌دوستی در جهت حمایت از مدافعان میهن و انقلاب اسلامی فعالیت می‌کرده‌اند (مدنی، ۱۳۹۰: ۵۷-۵۶).

۵- خلاصه فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب»

مجید، خلیل، حسن و عزیز چهارتن از رزمندگان گردان عمار هستند که آماده رفتن به مرخصی از جبهه شده‌اند. در این حین به یک‌باره به آنها اطلاع می‌دهند که به تنگه ابوقریب (نام آخرین عملیات پیش از قطع نامه ۵۹۸) حمله شده است. آنها غیر از حسن (برادر همسر مجید) تصمیم می‌گیرند به خط مقدم بازگردند و مرخصی را به بعد از عملیات ابوقریب موکول کنند. در حین تجهیز کردن گردان، نحوه ماسک زدن را هم به رزمندگان آموزش می‌دهند و این آموزش را به نوجوانی به نام علی محول می‌کنند. علی خواهان حضور در خط مقدم بود و مجید نمی‌پذیرفت و از او می‌خواست که در پشت خط مقدم خدمت کند. هنگامی که تمامی رزمندگان برای رفتن به تنگه ابوقریب آماده می‌شدند، نیروهای بعضی، آنها را مورد حمله موشک‌های خود قرار دادند و عده‌ای از رزمندگان را شهید کردند؛ از جمله عزیز که در حال نجات دادن دیگر رزمندگان بود،

هنگامی که علی را از تیررس دشمن نجات داد به شهادت رسید و از ادامه راه باز ماند. حسن نیز که ساک خود را بسته و آماده حرکت به سمت تهران بود، از تصمیم خود منصرف شد و تا تنگه ابوقریب دوستان خود را همراهی نمود. در طول مسیر به سمت تنگه ابوقریب با مردمان بی دفاع و جنگ زده روبه رو شدند که همگی آنها خلاف جهت حرکت رزمندگان پیاده و با چهره‌هایی خسته و ماتم زده در حرکت بودند. حسن و سایر هم‌زمانش مدتی را در آنجا ماندند و به مردم جنگ زده کمک کردند و به آنها آذوقه رساندند. در ادامه رزمندگان به روستایی خالی از سکنه رسیدند. تنها ساکن روستا به همراه همسرش، با تمام داشته‌های خود از رزمندگان پذیرایی کردند و آنها را صبح به سمت جبهه نبرد بدرقه کردند. هنگامی که رزمندگان به خط مقدم رسیدند، در تنگه ابوقریب به دست بعضی‌ها محاصره شدند. محاصره به درازا انجامید و آذوقه و آب رزمندگان به تمام شد و بسیاری از رزمندگان از تشنگی به شهادت رسیدند. حسن نیز بر اثر شکسته شدن دیوار صوتی دچار موج گرفتگی شد و در صحنه‌ای هنگامی که در تیررس دشمن قرار داشت به دست مجید نجات یافت. مجید دست و پای او را بست تا دوباره در دید دشمن قرار نگیرد. خلیل و مجید هم در پایان فیلم تا پیش از رسیدن نیروهای کمکی به شهادت رسیدند و در پایان علی رزمنده نوجوان تنها بازمانده گردان عمار، با تفنگ در دست در سکانس پایانی فیلم به تصویر کشیده شد.

۵-۱- تحلیل نظام معارف قرآنی در فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب»

طبق مباحثی که پیش‌تر در نوشتار حاضر مطرح شد در فیلم سینمایی تنگه ابوقریب سعی شده است، هشت سال دفاع مقدس با واقع‌گرایی عمیق‌تری به مخاطب ارائه شود و به نوعی حس هم‌ذات‌پنداری در مخاطبان ایجاد شود. نکته حائز اهمیت، کاربرد و جایگاه مهم نظام معارف قرآنی در بطن فیلم‌های سینمایی دفاع مقدس است. در فیلم تنگه ابوقریب شخصیت‌های اصلی در ابتدای فیلم از روزمرگی‌های زندگی و مسئولیت‌های خود در قبال خانواده صحبت می‌کنند و به نظر می‌رسد هدفی که فیلم‌نامه و فیلمساز دنبال می‌کنند عینیت بخشیدن به شرایط رزمندگان هشت‌سال دفاع مقدس است. به گونه‌ای که در طول فیلم اقشار، اقوام و حتی نیروهای مسلح مختلف کشور، در کنار هم با اتحادی مثال‌زدنی با کم‌ترین تجهیزات در برابر دشمن تا دندان مسلح به دفاع از میهن خویش می‌پردازند و این خود نشأت گرفته از نظام‌های معارف قرآنی

است که خداوند در ذات تمام آنها به ودیعه گذاشته است. در واقع رعایت این احکام در طول ۸ سال دفاع مقدس سبب برکتی شد تا انقلاب اسلامی به سراسر جهان معرفی و صادر شود و این گونه به فرهنگ بیداری اسلامی هویت بخشید.

در این میان همان طور که در جدول ۲ مشهود است، بارزترین مؤلفه‌های نظام معارف قرآنی که مورد توجه قرار گرفته‌اند احکام جهان‌شناسی و احکام بین‌المللی است و این مؤلفه‌ها در شخصیت تک تک نقش‌ها نمود پیدا کرده است.

جدول (۲)، تحلیل بازتاب نظام معارف قرآنی (براساس شیوه الله‌محوری)

در فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» (نگارندگان، ۱۳۹۹)

ردیف	نظام معارف قرآنی تنگه ابوقریب	عنوان فیلم	شرح مؤلفه در فیلم سینمایی
۱	خداشناسی	✓	در روایت قصه با وجود کمبود نیروی انسانی و آب امید به پیروزی نقش پررنگی دارد و این نشأت گرفته از شناخت و ایمان به خدا است.
۲	جهان‌شناسی	✓	- کمک مالی (وام دادن) رزمندگان به حسن - اتحاد بین اقوام مختلف در مقابل دشمن - شهادت اعضای گروه عمار و زنده ماندن یک نفر (علی)
۳	انسان‌شناسی	✓	با حق انتخابی که خدا به انسان داده است (حسن) تصمیم به ماندن در جبهه و همراهی هم‌زمان خود می‌گیرد.
۴	راه‌شناسی	✓	جهاد و شهادت در راه خدا
۵	راه‌نماشناسی	✓	- در راه دفاع از میهن ائمه (ع) را الگوی خود قرار داده‌اند.
۶	قرآن‌شناسی	-	-
۷	اخلاق یا انسان‌سازی قرآن	✓	- استفاده نکردن از بمب شیمیایی (عدم مقابل به مثل) - سکانسی که (خلیل) رزمندگان را دعوت به نشستن در خودرو کرد تا افرادی که از جنگ باز می‌گشتند خجالت زده نشوند.

۸	برنامه‌های عبادی قرآن	✓	اقامه کردن نماز جماعت در جبهه نبرد
۹	احکام فردی قرآن	-	-
۱۰	احکام اجتماعی قرآن	✓	-
	احکام مدنی	✓	کمک مالی (وام دادن) رزمندگان به حسن
	احکام اقتصادی	✓	منع کردن علی از قضاوت کردن توسط مجید
	احکام قضایی	✓	جدال با دشمن به جزای حمله به کشور
	احکام جزائی	✓	نوع مراودت با دشمن در هنگام صلح و جنگ: استفاده نکردن از بمب شیمیایی در برابر دشمن
	احکام سیاسی	✓	-کمک به غیرنظامیان در جنگ -امدادسانی زنان در جبهه -آوارگی غیرنظامیان -نوع مراودت با دشمن در هنگام صلح و جنگ: استفاده نکردن از بمب شیمیایی در برابر دشمن
	احکام بین‌المللی	✓	

۶- خلاصه فیلم سینمایی «به وقت شام»

یونس خلبان بازنشسته است که به همراه پسرش علی (که همسر باردارش در بیمارستان است) داوطلبانه مأموریت پیدا می‌کند که برای رساندن مواد غذایی و دارو به کمک مردم در حصر تدمر بروند. در شهر تدمر سوریه، نیروهای سوری به‌ویژه نیروهای بلال (که همسر خود را به تازگی در اثر جنگ از دست داده است) با داعشی‌ها درگیر می‌شوند. آنها تلاش می‌کنند موقعیت پرواز هواپیمایی حامل مردم، مصدومان، اسرای داعشی و زندانیان را فراهم کنند که بلال با برخورد خودروی خود با خودرو دشمن سبب انهدام آنها شد و با شهادت ایثارگونه خود به علی این فرصت را داد تا هواپیما را با موفقیت به پرواز درآورد و تدمر را ترک کنند. بعد از پرواز هواپیما در طول مسیر، اسرای داعشی با کمک همسر شیخ ممدوح کنترل هواپیما را در دست می‌گیرند. یونس به ناچار مجبور به معامله با شیخ تکفیری می‌شود. معامله‌ای که در آن قرار بر آزادی مردم و مصدومین می‌شود و در عوض علی نیز هواپیما را به‌دستور شیخ به تدمر برمی‌گرداند. پس از رساندن شیخ ممدوح و همراهانش به تدمر، قرار بر این بود که یونس و همراهانش برگردند،

اما بعد از نشستن هواپیما در تدمر، فرمانده چچنی از معامله شیخ عصبی شده و او را با ضرب شمشیر از پا در می آورد. از این رو یونس و علی و همراهانشان در دست داعشی‌ها اسیر می شوند. این فرمانده چچنی با انتخاب ام‌سلما (خواننده بریتانیایی شیطان پرست، که تازه مسلمان شده) برای حرکت انتحاری، او را به همراه علی به مأموریت می فرستد. علی در طول پرواز متوجه هدایت هواپیما به سمت اروپا می شود و از نقشه شیطانی و پلید آنان آگاه می شود و برای اینکه از واقعه ای مشابه انفجار برج‌های دوقلوی آمریکا در سال ۲۰۰۰ جلوگیری کند، در صدد مقابله بر می آید. با توجه به درگیری ام‌سلما با نیروی خود و کشتن او، علی توانست راحت تر بر فضای حاکم کنترل داشته باشد. او توانست چترهای نجات را به قفسه‌های اسرا وصل کند و آنها را نجات دهد. اما در پایان دست خود را که در دست یونس بود را رها کرد و پس از نجات اسرا، با انفجار هواپیما علی به شهادت رسید.

۶-۱- تحلیل نظام معارف قرآنی در فیلم سینمایی «به وقت شام»

مؤلفه‌های نظام معارف قرآنی در فیلم سینمایی به وقت شام به صورتی عمیق گنجانده شده است و براساس محوریت فیلم سینمایی که بر موضوع جنگ و تجزیه‌ی جهان اسلام تأکید دارد مؤلفه احکام بین‌المللی به صورتی پررنگ نمود یافته است. جوانی که درگیر زندگی شخصی و احکام فردی اسلامی خود است و به تازگی پدر شده و وظایف پدرانه بر احکام فردی او افزوده شده است، برای دفاع از هویت دینی و خداشناسی، راه‌شناسی، جهان‌شناسی، اخلاق یا انسان‌سازی قرآن و احکام اجتماعی قرآن (اقتصادی، سیاسی و بین‌الملل) جهاد را ترجیح داده و رهسپار سوریه می شود. در جنگ با داعش و تمامی تروریست‌ها در منطقه خاورمیانه، با رعایت تمامی دستورات الهی و نیز از طریق جنگ پرده از چهره متجاوزان کنار زده شد. فیلم سینمایی به وقت شام به خوبی توانسته است این امر را با توجه به تعداد مؤلفه‌های معارف قرآنی که در فیلمنامه رعایت کرده است، نشان دهد و نقش خود را به عنوان رسانه‌ای در جهت تبلیغ بیداری اسلامی و مقاومت به خوبی ایفا کند.

جدول (۳)، تحلیل بازتاب نظام معارف قرآنی (براساس شیوه‌الله محوری) در فیلم سینمایی «به وقت

شام» (نگارندگان، ۱۳۹۹)

ردیف	نظام معارف قرآنی به وقت شام	عنوان فیلم	شرح مؤلفه در فیلم سینمایی
۱	خداشناسی	✓	امید به پیروزی حق بر باطل و ایمان به خدا
۲	جهان‌شناسی	✓	- اتحاد بین ملت‌ها و ادیان مختلف - شهادت (علی) برای نجات بشریت - محاصره مردم شهر و مواجهه با کمبود مواد غذایی و دارویی - کمک به مردم بی‌دفاع - شریعت
۳	انسان‌شناسی	✓	دو خلبان با اختیار خود برای نجات مردم محاصره شده در تدمیر می‌روند
۴	راه‌شناسی	✓	جهاد و شهادت در راه خدا
۵	راهنماشناسی	✓	الگو قرار گرفتن انبیا (ع)، (سر بریده شده در راه خدا)
۶	قرآن‌شناسی	✓	مردم در محاصره و نبود مواد غذایی و دارویی (شعب ابوطالب)
۷	اخلاق یا انسان‌سازی قرآن	✓	نجات زندانیان به همراه مردم از دست داعش
۸	برنامه‌های عبادی قرآن	✓	ادای فریضه نماز در هنگام جهاد
۹	احکام فردی قرآن	-	-
۱۰	احکام اجتماعی قرآن	✓	- سرقت (تلفن همراه) توسط فرد داعشی از غیرنظامی که به شهادت رسیده است.
		✓	رساندن مواد غذایی و دارویی به مردم در حصر تدمیر.
		✓	سوگند به قرآن از سوی دو طرف حق و باطل (شیخ و یونس).
		✓	جدال با دشمن به جزای حمله به کشور.
		✓	در جوامع مسلمان هنگام جنگ برای نجات افراد عادی و زندانی تبعیض قائل نمی‌شوند اما دشمن به افراد غیرنظامی هم رحم نمی‌کرد.
	احکام بین‌المللی	✓	- گروه تروریستی داعش از افرادی در سراسر جهان تشکیل شده بود و ادعای خلافت بر عراق و سوریه را داشتند. - کمک نظامیان به غیرنظامیان - آوارگی غیرنظامیان - تبعیض قائل نشدن در نجات زندانیان در بند با افراد عادی - تزییق مورفین به اسرای مدافع حرم توسط گروهک داعش

۷- تطبیق نظام معارف قرآنی در فیلم‌های سینمایی «تنگه ابوقریب» و «به وقت شام»

رسانه‌ها و تأثیر آنها در شکل‌گیری افکار عمومی نقش بسزایی دارند. و نباید از اهمیت آنها در موج بیداری اسلامی غافل بود. از این‌رو دو فیلم سینمایی مذکور با رعایت احکام الهی، با ساخت و پخش صحنه‌هایی که اُبّهت دولت‌های قدرتمند را در هم می‌شکند، نشان دادند که می‌توان با بیداری و مقاومت روی پای خود ایستاد. دو فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» و «به وقت شام» هر دو با موضوع و ژانر جنگی و دفاع مقدس ساخته شده‌اند. مهم‌ترین مؤلفه‌های قرآنی لحاظ شده در فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» شامل جهان‌شناسی، اخلاق یا انسان‌سازی قرآن و احکام اجتماعی قرآن به‌ویژه بین‌الملل است و نیز نویسنده از مؤلفه‌هایی چون قرآن‌شناسی، احکام فردی قرآن و احکام مدنی در روایت داستان استفاده ننموده است. از سوی دیگر مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام معارف قرآنی به‌کار رفته در فیلم سینمایی «به وقت شام» شامل احکام جهان‌شناسی و احکام اجتماعی قرآن به‌ویژه احکام بین‌الملل بوده است. نکته حائز اهمیت این است که تنها مؤلفه‌ای که در جریان فیلم به‌کار نرفته، احکام فردی قرآن است. بنابراین طبق جدول (۱) و با توجه به تحلیل و تبیین صورت گرفته در جداول (۲) و (۳) نظام معارف قرآنی در بخش‌های مختلف دو فیلم سینمایی مشهود است و ساختار کلی فیلم‌ها بر مؤلفه‌های نظام معارف قرآنی شامل احکام جهان‌شناسی و احکام اجتماعی قرآن به‌ویژه احکام بین‌الملل تأکید دارند. بازتاب این دو مؤلفه مذکور به واسطه صحنه‌ها و مفاهیمی نظیر، کمک به غیرنظامیان، اتحاد بین اقوام و ملل مختلف، حضور زنان در جنگ، آوارگی غیرنظامیان و... در فیلم‌نامه هر دو فیلم سینمایی تنگه ابوقریب و به وقت شام، به‌طور مشهود و ملموس بیان و به تصویر کشیده شده است و احکام فردی در هیچ‌کدام از فیلم‌ها مورد توجه نبوده است. همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید، در قرآن (آل عمران/۱۱۰) به دو عنصر امر به معروف و نهی از منکر سفارش شده است و این دو عنصر مذکور در راستای اهداف وحدت طلبانه است. بنابراین سرنوشت انسان‌ها با یکدیگر پیوند خورده است. از این‌رو طبق تحلیل‌های حاصل از جداول (۲ و ۳) دو فیلم سینمایی ذکر شده بیشتر به جهان‌شناسی و احکام اجتماعی پرداخت کرده‌اند. هم‌چنین حائز اهمیت است که بازیگران در فیلم‌های سینمایی تنگه ابوقریب و به وقت شام هریک در قالب نقش خود به مؤلفه‌های نظام معارف قرآنی تأکید داشته‌اند و میزان و چگونگی بازتاب این مؤلفه‌ها در شخصیت‌های دو فیلم در جدول (۴) مورد تحلیل و تطبیق قرار گرفته است:

جدول (۴)، تحليل و تطبيق بازتاب نظام معارف قرآني (براساس شيوه الله محوري)
در عملکرد شخصيت‌هاي اصلي فيلم سينمايي تنگه ابوقريب و به وقت شام (نگارندگان، ۱۳۹۹)

ردیف	فيلم سينمايي	شخصيت‌ها	عنوان مؤلفه نظام معارف قرآني	شرح مؤلفه در عملکرد شخصيت فيلم
۱	تنگه ابوقريب	مجيد (جواد عزتي)، پزشک گردان عمار می باشد که در اوایل فيلم سعی دارد حسن (رادر همسرش) را طبق خواسته خانواده اش به عقب بازگرداند. و همچنین عزیز قبل از شهادتش علی (پسر بچه نوجوان) را به او می سپارد تا در طول مسیری که با گردان همراه است از او مراقبت کند.	- خداشناسی - احکام اجتماعی قرآن (همه موارد) - انسان شناسی - اخلاق یا انسان سازی قرآن - راه شناسی	- امید به پیروزی و ایمان به خدا - نهی کردن علی از قضاوت کردن - استفاده از بمب شیمیایی را حرام می داند ولو اینکه دشمن از این سلاح استفاده نماید. - وام دادن به هم رزم خود - جهاد و دفاع از میهن را به مرخصی و دیدار با خانواده در اولویت قرار می دهد. - در حین جنگ به یساری و مدد غیر نظامیان می شتابد. - جهاد در راه خدا و به درجه شهادت نائل شدن
		خلیل (حمید رضا آذرننگ)، رزمنده های محکم و شجاع و در عین حال به شدت عاطفی است. در ابتدای فيلم به فکر رفع نیازهای زندگی روزمره خانواده خود است که این امر بعد دیگر رزمندگان را که همان زمینی و عینی بودن هست، به نمایش می گذارد.	- خداشناسی - احکام اجتماعی قرآن (همه موارد) - انسان شناسی - اخلاق یا انسان سازی قرآن - برنامه های عبادی قرآن - راه شناسی	- امید به پیروزی و ایمان به خدا - نهی کردن علی از قضاوت کردن - وام دادن به هم رزم خود - جهاد و دفاع از میهن را به مرخصی و دیدار با خانواده در اولویت قرار می دهد. - ادای فریضه نماز جماعت - امر به معروف و نهی از منکر هم رزمان خود در برخورد با غیر نظامیان - جهاد در راه خدا و به درجه شهادت نائل شدن
		حسن (امیر جلدی)، فردی بذله گو است. او برادر همسر مجید (پزشک گردان) می باشد. که علی رغم تلاش های مکرر مجید برای بازگرداندن او به عقب، موفق می شود همراه گردان عمار به خط مقدم (تنگه ابوقريب) برود.	- خداشناسی - انسان شناسی - احکام اجتماعی قرآن (احکام جزائی، بین المللی)	- امید به پیروزی و ایمان به خدا - جهاد و دفاع از میهن را به مرخصی و دیدار با خانواده در اولویت قرار می دهد. - در حین جنگ به یاری و مدد غیر نظامیان بالاخص کودکان می شتابد.
		یکی از رزمندگان گردان عمار که نقش کوتاهی را در فیلم بر عهده داشت، عزیز (علی سلیمانی) نام دارد. او در صحنه ای از فیلم که مورد حمله هوایی یعنی ها قرار می گیرند برای نجات علی (پسر نوجوانی که مادرش او را به عزیز سپرده است) جان خود را به خطر می اندازد و سرانجام به شهادت می رسد.	- خداشناسی - انسان شناسی - راه شناسی - راهنما شناسی - احکام اجتماعی قرآن (احکام جزائی، اقتصادی و بین المللی)	- امید به پیروزی و ایمان به خدا - وام دادن به هم رزم خود - جهاد و دفاع از میهن را به مرخصی و دیدار با خانواده در اولویت قرار می دهد. - جهاد در راه خدا و به درجه شهادت نائل شدن - مداحی کردن برای ائمه (ع) در بین رزمندگان و روحیه و انگیزه دادن به آنها - در حین جنگ به یساری و مدد غیر نظامیان می شتابد.
		پسر نوجوان عکاسی که علی (مهدی قربانی) نام دارد، به طور مکرر و با پیگیری از مجید می خواهد که او را نیز همراه خود به خط مقدم ببرند. سرانجام با سماحت خود توانست رضایت مجید را جلب کند و با سایر رزمندگان راهی خط مقدم شود. در صحنه آخر با تصویری که از او در قالب دوربین ثبت می شود علی را تنها باز مانده عملیات تنگه ابوقريب معرفی می کند.	- خداشناسی - راه شناسی - احکام اجتماعی قرآن (احکام جزائی)	- امید به پیروزی و ایمان به خدا - جهاد در راه خدا

۲	به وقت شام	پونس (هادی حجازی‌فر)، خلبان بازنشسته‌ای که در طول زندگی خود در حال مبارز با استکیار و دفاع از حق بوده است این بار داوطلبانه به همراه پسر خود برای دفاع از مردم در حصر تدمر می‌شتابد که به دست نیروهای تکفیری اسیر می‌شود و در آخر علی با شهادت خود، او و دیگر نیروهای مقاومت را نجات می‌دهد. علی (بابک حمیدیان)، خلبان جوانی که در کودکی با روحیه مقاومت و شهادت طلبی بزرگ و تربیت شده است به همراه پدر خود داوطلبانه برای نجات مردم تدمر سوریه که در محاصره و کمبود مواد دارویی و آذوقه هستند می‌رود که سرانجام برای نجات بشریت جان‌فشانی می‌کند و به درجه شهادت نائل می‌شود. بلال (بیر داغر)، فرمانده نیروهای مقاومت سوریه که خانواده خود را نیز از دست داده است برای به پرواز در آمدن هواپیما و نجات جان مردم فداکاری و از خودگذشتگی می‌کند و با برخورد خودرو خود با خودرو دشمن سبب انفجار مهیبی می‌شود تا هواپیما با موفقیت تدمر را ترک کند. ابوعمر الشیشانی (ژوزف سلامه)، سرکرده جنایت‌کار و خبیث گروه تکفیری است که به نیروهای خود نیز رحم نمی‌کند و شیخ تکفیری را به علت مذاکره با مسلمانان به هلاکت می‌رساند و ام‌سلما را مأمور می‌گرداند تا با یک حرکت انتحاری و منفجر کردن هواپیمای هدایت شده به سمت منطقه‌ای غیر از سوریه (اروپا) وجه مسلمانان را در جهان تخریب کند. (به مانند واقعه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱) ام‌سلما (سینتیا کرم)، خواننده پاپ بریتانیایی که دچار افسردگی شدیدی است بنابراین به گروه داعش پیوسته است و قصد دارد با هدایت هواپیما به منطقه‌ای از اروپا و انجام حرکت انتحاری وجه مسلمانان را در جهان تخریب کنند.	- خداشناسی - جهان‌شناسی - احکام اجتماعی قرآن (اکثر موارد) - انسان‌شناسی - اخلاق یا انسان‌سازی قرآن - راه‌شناسی - راه‌ماشناسی - برنامه‌های عبادی قرآن - خداشناسی - جهان‌شناسی - احکام اجتماعی قرآن (اکثر موارد) - انسان‌شناسی - اخلاق یا انسان‌سازی قرآن - راه‌شناسی - راه‌ماشناسی - خداشناسی - جهان‌شناسی - احکام اجتماعی قرآن (اکثر موارد) - انسان‌شناسی - اخلاق یا انسان‌سازی قرآن - راه‌شناسی - خداشناسی - جهان‌شناسی - احکام اجتماعی قرآن (اکثر موارد) - انسان‌شناسی - اخلاق یا انسان‌سازی قرآن - راه‌شناسی	- امید به پیروزی و ایمان به خدا - همواره در جبهه نبرد بودن و جهاد و اسارت در راه خدا - کمک و مدد رساندن به غیرنظامیان. - یاری حق علیه باطل - ادای فریضه نماز - بازگشت به جبهه جنگ حین بازنشستگی - سلام دادن به ائمه (ع) - شریعت - اتحاد (کشورهای ایران، سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان و ...) - توکل و ایمان به خدا در بازگشت به شهر تدمر - بازگشت به جبهه جنگ در تبعیت از پدر - اسارت و شهادت در راه خدا - نجات اسرا و بشریت با گذشتن از جان خود - سلام دادن به ائمه (ع) - جهاد و دفاع از مظلوم را نسبت به خانواده اولویت قرار دادن. - شریعت - اتحاد (کشورهای ایران، سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان و ...) - امید به پیروزی و ایمان به خدا - جهاد و شهادت در راه خدا - از دست دادن خانواده در راه خدا - کمک به غیر نظامیان در جنگ - نجات جان زندانیان همراه با سایر مردم - از خود گذشتگی - اتحاد (کشورهای ایران، سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان و ...) - رحم نکردن به نیروهای خودی و عدم اتحاد (جنایت‌کار و بی‌رحم) - به شهادت رساندن مسلمانان و مردم بی‌دفاع - جنگ و نابودی برای غیر خدا - عدم امید به زندگی و ایمان به خدا - حامی ظالم در برابر مظلوم - رحم نکردن به هم‌رزم خود (عدم اتحاد) - جهاد و جان خود را از دست دادن در راه غیر خدا
---	------------	--	---	---

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که استفاده از نظام معارف قرآنی به حفظ ارزش‌های اسلامی و انقلابی کمک شایانی می‌کند؛ هویت فرهنگی جامعه پایدار می‌شود، آسیب‌های وارده از سمت دشمن را محدود و فرهنگ شهادت‌طلبی را به نسل‌های آینده منتقل می‌کند. در این روند شیوه انتخاب صحیح فیلمنامه برای همسو بودن با این ارزش‌ها دارای اهمیت بسزایی است. از این رو هنرمندان در عرصه فعالیت خود با توجه به مسائل روز جامعه، موضوع و مضمون را انتخاب می‌کنند؛ یعنی در واقع در انتخاب این مضامین تحولات اجتماعی و سیاسی نقش داشته‌اند و در هر دوره فیلم‌هایی ساخته می‌شوند تا شرایط پیرامون همان دوره را انعکاس دهند. با توجه به پرسش‌های آغازین این پژوهش، چگونگی و میزان بازتاب نظام معارف قرآنی در هر فیلم مبنی بر این است که در چه برهه‌ای از تاریخ ساخته شده‌اند؛ یعنی می‌توان گفت فیلم تنگه ابوقریب و به وقت شام هر دو به یک اندازه (با اختلاف ناچیزی) از نظام معارف اسلامی الگو گرفته‌اند و حتی هر دو فیلم مذکور بر دو مؤلفه جهان‌شناسی و احکام اجتماعی (احکام بین‌المللی) تأکید بیشتری داشته‌اند. چرا که هر دوی آنها از اتفاقات سیاسی جهان امروز (بیداری اسلامی) تأثیر گرفته‌اند. (به بیان دیگر فاصله زمانی بین داستان دو فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» و «به وقت شام» بین دهه ۶۰ تا دهه ۹۰ ه.ش است. اما ضمن رعایت اکثر مؤلفه‌های نظام معارف قرآنی دو مؤلفه احکام جهان‌شناسی و احکام بین‌المللی بیشترین بازتاب را در هر دو فیلمنامه داشته است؛ چرا که فیلم‌های سینمایی ذکر شده در واقع حاصل یک برهه از زمان و یک دوره هستند.) در ادامه برای پاسخ به پرسش دوم پژوهش حاضر، به وجوه اشتراک و افتراق دو فیلم مورد بحث پرداخته شده است.

هر دو فیلم تنگه ابوقریب و به وقت شام از نظام معارف قرآنی به‌خوبی بهره برده‌اند؛ بدین معنی که حداکثر این مؤلفه‌ها را در قالب کاراکترها و صحنه‌های فیلمنامه گنجانده‌اند. در این بین در هر دو فیلم به دو مؤلفه جهان‌شناسی و احکام بین‌المللی بیشتر توجه شده است. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد این مؤلفه‌ها در قالب سکانس‌های مشابهی در فیلم، همچون کمک به غیرنظامیان، اتحاد بین اقوام و ملل مختلف، حضور زنان در جنگ، آوارگی غیرنظامیان و... به تصویر کشیده شده‌اند. اما با این وجود فیلم به وقت شام موفق شده است از مؤلفه‌های نظام معارف قرآنی حداکثر استفاده را نماید. چرا که نویسنده و فیلمساز کوشش کرده‌اند تعداد بیشتری

از مؤلفه‌های نظام معارف قرآنی را در داستان خود جای دهند. به گونه‌ای که تنها از مؤلفه احکام فردی قرآن سود نجسته است. ولی فیلم تنگه ابوقریب علاوه بر احکام فردی قرآن، از احکام مدنی و احکام قرآن‌شناسی نیز استفاده نموده است. بر این اساس می‌توان چنین دریافت کرد که فیلم به وقت شام از نظر کمیت بازتاب موفق‌تری داشته است و اما طبق جدول شماره (۴) و نتایج حاصل از آن، اکثر مؤلفه‌های نظام معارف قرآنی در تک‌تک کاراکترهای فیلم سینمایی به وقت شام (اعم از کاراکترهای مثبت و منفی) به نمایش درآمده است. در واقع مؤلفه‌ها در میان تمامی کاراکترهای فیلم کم‌ویش به‌طور یکسان وجود دارد و این در حالی است که در فیلم سینمایی تنگه ابوقریب، اکثر مؤلفه‌ها را تنها در شخصیت‌های مجید و خلیل می‌توان مشاهده و دریافت نمود. در نتیجه در فیلم به وقت شام احتمال دریافت و درک هرکدام از این مؤلفه‌ها از طرف مخاطب بیشتر است. براین اساس چنین می‌توان استنباط کرد که فیلم سینمایی به وقت شام، علاوه بر موفقیت در بازتاب کمی نظام معارف قرآنی، از نظر کیفیت نیز موفق‌تر عمل نموده است.

در نهایت باید گفت که با رعایت نظام معارف قرآنی در ساخت فیلم‌های جنگی (دفاع مقدس و مدافعان حرم)، می‌توان در قالب رسانه به تبلیغ بیداری، آگاهی و مقاومت پرداخت و در مقابل تبلیغات و ادعای رسانه‌های غربی در راستای گسترش ایران هراسی و اینکه این انقلاب‌ها به نظامی شبیه به جمهوری اسلامی منتهی می‌شوند، روشنگری کرد. بنابراین اهمیت رعایت نظام معارف قرآنی در این گونه فیلم‌ها دو چندان می‌شود. آموزه‌های نظام معارف قرآنی در قالب احکام و دستورات الهی، هویت و فرهنگ اسلامی را می‌سازد. در نتیجه هم‌زمان برای برقراری احکام الهی و مبارزه با حکام ظالم، می‌بایست برای معنویت و شناخت خدا نیز مبارزه نمود و بعد از پیروزی برای سازوکارهای تربیتی اسلامی، تلاش نمود تا جامعه‌ای بیدار و به‌دور از ستم حاصل آید.

منابع و مآخذ

- حسینی، سید معصوم، (۱۳۹۲)، «جامعیت قرآن از نگاه علامه طباطبایی»، معارف قرآنی، سال ۴، شماره ۱۴، ۲۰-۷.
- راوودراد، اعظم؛ حیران‌پور، سپیده، (۱۳۹۲). «تحولات بازتاب جنگ در سینمای ایران»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال نهم، شماره ۳۳، ۵۸-۸۰.
- رجبی، محمود، (۱۳۸۸)، «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح»، قرآن شناخت، سال ۲، شماره ۲، ۱۴۶-۱۱۱.
- سلیم، حجت، (۱۳۹۷)، «مروری اجمالی بر تربیت اسلامی؛ با تأکید بر نقش رسانه»، فصلنامه جامعه فرهنگ رسانه، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۰۲-۱۲۷.
- شعبان‌پور، محمد؛ بشارتی، زهرا، «مؤلفه‌های قرآنی فرهنگ جاهلیت و مصادیق آن در جوامع مدرن»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۹۴، سال ۶، شماره ۱۹، ص ۷.
- فائز، قاسم؛ نوروزی، ابوالفضل؛ صادقی، عماد، (۱۳۹۴)، «تحلیل آیات مربوط به جامعیت قرآن مجید»، سراج منیر، دوره ۶، شماره ۲۱، ۲۹-۷.
- قاسمی، علی محمد، (۱۳۸۴)، «تفاسیر موضوعی و شیوه‌های تقسیم معارف قرآن»، معرفت، شماره ۹۶، ۳۴-۲۸.
- قاسم‌پور، محسن؛ نظریگی، مریم، (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی روش‌شناسی تفاسیر موضوعی "موضوع‌محور" و مکتب اثبات‌گرایی»، مطالعات قرآن و حدیث، سال ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۲۰، ۲۸۸-۲۶۳.
- صدیقی، هاشم، (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و وحدت مسلمانان از منظر قرآن، سنت و روایات»، فصلنامه حبل‌المتین، شماره اول، شماره اول، صص ۱۱۳-۱۳۶.
- عسکری، مهدی، (۱۳۹۶)، «تبیین معمای امنیتی خاورمیانه و امکان همکاری امنیتی ایران و غرب در مبارزه با گروه‌های سلفی-تکفیری»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۴۱، ۱۱۵-۱۳۲.
- علیخانی، زهره، (۱۳۹۷)، «صنعت فرهنگ و فیلم دینی: تحلیل انتقادی فیلم‌سینمایی سر به مهر، فصلنامه جامعه فرهنگ رسانه»، سال هفتم، شماره ۲۹، صص ۵۲-۷۷.
- غایب‌زاده، جواد. (۱۳۹۴)، «میزانسن در فیلم‌های دفاع مقدس در سه دهه ۶۰ تا ۹۰ (با مطالعه

موردی فیلم‌های پرواز در شب (۱۳۶۵)، آژانس شیشه‌ای (۱۳۷۶) و روز سوم (۱۳۸۵))»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تهیه‌کنندگی-گرایش نمایش، دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

- غلامی، حامد، (۱۳۹۵)، «پژوهشی در مبانی و روش‌شناسی تفسیر معارف القرآن»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، رشته الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی.
- محمدی مظفر، محمدحسن (۱۳۹۴). «ارزیابی الگوهای دسته‌بندی معارف قرآن از نگاه امامیان»، پژوهش‌نامه امامیه، سال ۱، شماره ۲، ص ۲۱-۷.
- مدنی، سعید، (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی سینمای جنگ و دفاع مقدس: چهار مقاله درباره فیلم و سینمای جنگ و دفاع مقدس، تهران: برنا.
- مروتی، سهراب؛ گراوند، نجمیه، (۱۳۹۶)، «مبانی نظری اقتدار در قرآن با رویکردی بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره) درباره بیداری اسلامی در ایران»، مطالعات بیداری اسلامی، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۱۰۶-۱۲۴.
- ایازی، سید محمدعلی، (۱۳۸۲) «تفسیر موضوعی چیست؟»، پیام جاویدان، شماره ۱، صص ۶۶-۷۳.
- یوسفی، محمدرضا؛ رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۲)، «اهداف بیداری اسلامی از منظر قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۹-۲

پیام
اسلامی

تطبیق و تحلیل مفهوم شهید و شهادت در برخی از سروده‌های سلمان هراتی و شفیق حبیب

راضیه کارآمد^۱ (نویسنده مسئول)
حسین شمس آبادی^۲

چکیده

شعرای ایران و فلسطین با ادبیات پایداری، شهید و شهادت، مأنوس هستند. سلمان هراتی و شفیق حبیب از این شعرا هستند که برخی از سروده‌های خود را به شهدا اختصاص داده‌اند. این نوشتار به تحلیل و تطبیق این سروده‌ها از نظر محتوا و سبک می‌پردازد. این دو شاعر به تأثیرگذاری و ارزش خون شهدا اذعان دارند و به جاودانگی راه و نام شهید اشاره کرده‌اند. از دست‌دادن شهدا، توأم با حسرت و دلتنگی است که سلمان هراتی و شفیق حبیب هردو با نوعی عدم تصدیق و انکار با این قضیه روبه‌رو می‌شوند و با تشبیه‌های زیبا، شهدا را تجلیل می‌کنند و از معنویت و قدرت هدایت‌گری آنها سخن می‌گویند. شفیق حبیب، امید به ظفر و پیروزی را در ضمن تکریم شهدا می‌آورد. هردو شاعر با بیانی روان و سبکی به‌دور از تکلف مفاهیم خود را به مخاطب ارائه می‌دهند و این سادگی و عدم تکلف همراه با لفظ زیبا و عمق معنا است. تکرار واژه، عبارت و حروف در اشعار سلمان هراتی و شفیق حبیب و کاربرد حروف مجهوره و مهموسه در جای مناسب در سروده‌های شفیق حبیب از جمله مختصات سبکی این دو شاعر است. در میان اسالیب مختلف جمله، اسلوب ندا در سروده‌های آنها از بسامد بیشتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: شفیق حبیب، سلمان هراتی، شهید، شهادت.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه حکیم سبزواری، خراسان رضوی، ایران. Razieh.k81@gmail.com
ORCID: 409x-4966-0002-0000

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه حکیم سبزواری. خراسان رضوی، ایران. drshamsabadi@yahoo.com

مقدمه

بیان مسئله

وقتی سرزمینی مورد تهاجم و ظلم قرار می‌گیرد، بزرگ‌مردانی از آن دفاع می‌کنند و از بذل مال و جان خویش دریغ نمی‌ورزند که بی‌گمان چنین عملی ستودنی است و قابل چشم‌پوشی نیست. دو سرزمین ایران و فلسطین از جمله سرزمین‌هایی هستند که دشمن یاغی به مرز و حریم آن حمله کرده و ساکنان این دو سرزمین را وادار به دفاع نموده‌است؛ البته همانطور که می‌دانیم ایران از شر هجوم و تعرض‌رهایی یافته و متأسفانه فلسطین هنوز درگیر این پدیده شوم است. در خلال جنگ و مبارزه با دشمن، مبارزان و رزمندگانی که به دفاع و ستیز همت می‌گمارند، افراد شجاعی هستند که با آگاهی و جانفشانی، از مردم، خانواده و مرزهای سرزمین خود پاسداری کرده و چه بسا در این راه، جان خویش را از دست بدهند و یا دچار نقص جسمی و... شوند؛ از اینجاست که مفاهیمی چون شهید، جانباز، مفقود‌الآثر و... وارد دایره واژگانی سرزمین‌های درگیر جنگ می‌شود و ادیبان و نویسندگان، از این واژه‌ها به زیبایی و با مفاهیمی والا در آثارشان یاد می‌کنند. شعر دفاع مقدس و ادبیات مقاومت سرشار از این مفاهیم است؛ «شعر فلسطینی گرچه شعر مصائب است، نوحه‌گری در آن راه ندارد. در این شعر تا پیش از انتفاضه، شهادت کمتر مفهوم اسلامی دارد. بهشت موعود شاعران، فردوس جاویدان نیست؛ بلکه بهشت آنان تحقق بخشیدن به سرنوشت روشن ملت و آینده آرمانی و تحمیل عدالت به دشمن و اعتراض به تجاوز است. در شعر انتفاضه مرگ راهی است به سوی زندگی سرافرازانه.» (گنجی، ۱۳۷۹: ۹۲). در شعر شاعران دفاع مقدس هم، شهادت و شهید با الهام از عاشورا و کربلای حسینی و بیان ایثار و فداکاری شهیدان و... به وفور به چشم می‌خورد. در واقع «یکی از شاخص‌ترین مضامین شعر پایداری، شهادت و شهادت‌طلبی است که بخشی از عالی‌ترین مفاهیم شعر پایداری را روحی سرخ و مقدس بخشیده است» (کریمی لاریمی، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

شاعران ادبیات پایداری به موضوع شهادت ارج نهاده‌اند و آن را یک ارزش برتر معرفی می‌کنند و گاه خودشان نیز آرزوی شهادت نموده‌اند چراکه «شهادت زیباترین وجه زندگی معدودی از افراد بشر است که جان خود را در طبق اخلاص می‌نهند و به فرموده قرآن "خود" را با "خدا" معامله می‌کنند. این زیبایی بی‌گمان با هنر که اساس آن هم بر زیبایی استوار است، نسبت دارد.» (غیبی، احمری، ۱۳۹۴: ۲۴۲).

با توجه به مطالب پیشین می‌توان گفت که یکی از مضامین قابل ستایش در شعر مقاومت، مضمون شهید است. کشته شدن یک انسان، آن هم با آرمانی والا برای دفاع از دین و میهن موضوعی است که به راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت. در همه جوامع نیز، انسان‌هایی که همه هستی خود را در راه آرمان‌هایی والا فدا می‌کنند؛ دارای ارزش و اعتبار ویژه‌ای هستند. «در شعر مقاومت ایران و فلسطین نیز، این مضمون از چشم تیزبین شاعران دور نمانده است و از تمام نیروهای نهفته در آن بهره برده‌اند و گاه خود نیز، آرزوی رسیدن به آن را در اشعارشان پنهان نکرده‌اند.» (صاعدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۶). سلمان هراتی - شاعر ایرانی - و شفیق حبیب - شاعر فلسطینی - از جمله شعرائی هستند که درباره شهید و شهادت در اشعارشان سخن گفته‌اند؛ این نوشتار، تنها سروده‌هایی را مورد بررسی قرار می‌دهد که شاعر آن را به شهید خاص و یا شهدا تقدیم کرده است و این نکته را در عنوان شعر خود یادآور شده است. در این نوشتار تکنیک‌های هنری و ارتباط با مخاطب و مفاهیم به کار برده شده از سوی این دو شاعر بررسی می‌شود.

عناوین اشعار سلمان هراتی در ذیل آمده است:

۱. در خلوت بعد از یک تشییع (به شهید غفور صمدپور)، ۲. ای گل خوشبو (برای شهید حسین پرنیان مرد شالیزار)، ۳. سرود برای مرد فروتن (به شهید رجایی)، ۴. واقعه (برای شهید عزیز الله گلین مقدم)، ۵. فروکش آتشفشان (برای شهید عزیز الله گلین مقدم)، ۶. به یاد شهیدان. و اسامی اشعار شفیق حبیب که به شهدا اختصاص دارد عبارتند از:
۱. رساله‌ای شهداء یوم الأرض، ۲. یافهد!!! ۱۹۳۹-۱۹۸۴ «إلى روح الشهيد فهد القواسمی»، ۳. کبیر... و صغار «إلى روح ناجی العلی، رسام الکاريكاتیرا الفلسطینی الذی اغتاله ید الإثم فی لندن»، ۴. و اسلطاناه...!! «إلى روح الشهیة غالیة فرحات»، ۵. إله الصّدید (الإهداء: «إلى شهداء الفکر و الفن فی العالم العربی»، ۶. عاصفة الدّهور (إلى شهدائنا الخالدين)، ۷. یا أيها الحرم المحزون!! «إلى أرواح الشهداء الأبرار، الذین سقطوا برصاص الاحتلال فی الحرم الإبراهیمی الشریف فی الخلیل، ۸. فجر الخامس والعشرين من شباط ۱۹۹۴، ۹. الشّهید (إلى الثاوی فی تراب الوطن.. عطاءً و خصوبة).

ضرورت پژوهش

باتوجه به اینکه مفهوم شهادت در باور ما مسلمانان در جامعه اسلامی، مقدّس و متعالی است؛ پژوهش در این مقوله از ضرورت‌های بحث است و تطبیقی بودن این مقاله بر جذابیت و تأثیر آن خواهد افزود؛ علاوه بر اینکه تجربه‌های مشترک ایران و فلسطین در عرصه جنگ و مبارزه بستر مناسبی را برای ارائه کارهای تطبیقی فراهم نموده است. لازم به ذکر است که در مورد شفیق حبیب، مقاله و پژوهشی در ایران صورت نگرفته است و این نوشتار اولین آنها است و این مسئله، ضرورت و اهمیت این پژوهش را افزون می‌کند.

پیشینه پژوهش

از جمله مقاله‌هایی که به موضوع شهید پرداخته‌اند می‌توان به دو مقاله «الشهادة و الشهید فی الشعر العربی المعاصر» نوشته امیر مقدم متقی (۱۳۸۹) و «شهید و جانباز در شعر ابراهیم طوقان شاعر مقاومت فلسطین» از حسین کیانی و سید فضل الله میرقادری (۱۳۸۸) اشاره کرد. مقاله و پایان‌نامه‌ای که به طور خاص به موضوع شهید در اشعار سلمان هراتی پرداخته باشد وجود ندارد ولی در مورد سلمان هراتی، مقاله و پایان‌نامه‌های گوناگونی نوشته شده است که محتوا، سبک، نماد و ادبیات پایداری را در آثار وی بررسی کرده‌اند. از جمله این مقاله‌ها عبارتند از: «بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی» نوشته احمد امیری خراسانی و قاسم صدقیان‌زاده (۱۳۹۰) و «جلوه‌های پایداری و تعهد در شعر سلمان هراتی و سمیع القاسم» از فائزه پسندی و تقی ازهای (۱۳۹۶). در مورد شفیق حبیب هیچ مقاله‌ای در ایران به چاپ نرسیده است و این پژوهش اولین آن است.

بحث شهید و شهادت در لفظ و معنا

«واژه شهادت از ریشه فعلی «شهید» مشتق شده است. در لغت به معنای گواهی دادن، دیدن، نمونه بودن، شاهد بودن، کشته شدن در راه خدا و شهید گردیدن است. عالم شهادت در مقابل عالم غیب آمده است و شهید یعنی، حاضر، شاهد عالم به غیب و حاضر، و یکی از اسمای حسنای خدا و سرانجام کشته شدن در راه خداوند است که در درجه اول موجب سعادت و رستگاری شهید و آنگاه سبب اصلاح نابه‌سامانی‌های جامعه می‌گردد.» (امیری خراسانی،

۱۳۸۷: ۱۶۸) در مورد معنای لفظ شهید در لسان العرب آمده است: «الشهید: الذی لا یغیب عن علمه شیء». الشهید: الحاضر المقتول فی سبیل الله الجمع شهداء» (ابن منظور، د.ت: ذیل ماده شهید: ۲۳۸ - ۲۴۰)، و در قاموس القرآن به این نکته اشاره شده است که «شهید به معنی مقتول در راه خدا در قرآن نیامده است مگر بنا بر بعضی از احادیث ولی در اصطلاح و روایات بسیار است. در قرآن تنها قتل فی سبیل الله به کار رفته است (آل عمران/۱۶۹)» (قرشی، ۱۳۷۱: ذیل ماده شهید).

ماده اصلی «شهادت» معنی حضور را می‌رساند و شهید در لغت به معنی گواه، حاضر، ناظر و... است. «شهادت در اصطلاح، بر افرادی اطلاق می‌شود که در راه خدمت به دین و دفاع از آن جان خود را فدا می‌کنند» (کرمانی، ۱۳۸۷: ۱۱) و در اصطلاح دینی به کسی اطلاق می‌شود که با انتخاب آگاهانه و بر اساس حجت شرعی، در راه خدا به شهادت می‌رسد.

گذری کوتاه بر زندگی سلمان هراتی و شفیق حبیب

شفیق حبیب در سال ۱۹۴۱م در روستای «دیرحنا» فلسطین دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی خود را همانجا آموخت و در سال ۱۹۶۱م دبیرستان خود را در شهر «ناصره» به پایان رساند و دیپلم حسابداری گرفت. وی همچنین مدرک روزنامه‌گاری و روابط عمومی را هم اخذ کرد. او شانزده دیوان شعری و کتابی به نشر به نام «فی قفص الإتهام» دارد. شاعر در سال ۱۹۹۰م مجموعه‌ای شعری به نام «العودة إلى الآتی» منتشر کرد که به دنبال آن بازداشت شد و به جرم حمایت از سازمان تروریستی و پشتیبانی از انتفاضه و تحریک ضد ارتش اسرائیل محاکمه شد. تألیفاتش در خانه‌اش و کتابخانه‌ها سوزانده شد و محاکمه‌اش تا سال ۱۹۹۳ به‌درازا انجامید. وی این محاکمه و ماجراهای آن را در کتاب «فی قفص الإتهام» بیان و منتشر کرده است. شفیق حبیب مسئولیت «سخنگوی انجمن نویسندگان فلسطینی در اسرائیل» را عهده‌دار شد و ریاست مدیر انتشاراتی این انجمن را هم بر عهده گرفت و عضو هیئت تحریریه مجله «مشاور» بود. در سال ۱۹۹۶م جایزه «التفرّج» را از طرف وزارت علوم و فنون دریافت کرد و در روزنامه‌ها و مجله‌های «الأنباء»، «کلّ العرب» و «الاتحاد» یادداشت‌ها و نظرانی را نوشت و در سال ۲۰۰۰ برنامه‌های ادبی رادیویی به نام‌های «المجلة الثقافية» و «کلام موزون» را اجرا کرد. وی هم‌اکنون در قید حیات است و فعالیت‌های ادبی و... را ادامه می‌دهد (حبیب، ۲۰۱۱: ۹۴-۹۶).
؟؟؟؟ (http://www.drmosad.com/index)

سلمان هراتی در سال ۱۳۳۸ در روستای مزردشت تنکابن مازندران در خانواده‌ای مذهبی متولد شد و درس‌های ابتدایی را در مزردشت و متوسطه را در روستای خرم‌آباد تنکابن سپری کرد. پس از اتمام دورهٔ سربازی در رشتهٔ هنر تربیت معلّم پذیرفته شد و پس از دو سال، مدرک فوق دیپلم اخذ کرد. در تهران با شاعران حوزهٔ اندیشه و هنر اسلامی، آشنا شد و در جلسات آنها حضور داشت. وی پس از پایان تحصیلات در یکی از مدارس روستاهای دور لنگرود مشغول تدریس شد. ایشان در سال ۱۳۶۵ زمانی که عازم رفتن به محلّ کارش بود، در حادثهٔ رانندگی از دنیا رفت. از وی آثاری به جا مانده است که برخی از آنها عبارتند از: آب در سماور کهنه، از این ستاره تا آن ستاره و از آسمان سبز. بیشتر اشعار سلمان، مستقیم یا غیر مستقیم به بازگویی جهان‌بینی، اعتقادات و برداشت‌های اجتماعی و سیاسی او می‌پردازد و او یکی از شاعران برجسته و توانا در عرصهٔ انقلاب و شعر جنگ است که خیلی زود انقلاب را درک و آن را در اشعارش منعکس کرد. او خود، در جبهه حضور مستقیم داشت و تبعات نامیمون جنگ را در سرزمین خود شاهد و ناظر بود. وی با استفاده از قدرت معنایی نمادها، آنها را به زیبایی و هنرمندانه به‌کار گرفته است و نماد و اسطوره را وسیله‌ای برای بیان مفاهیم و اندیشه‌های متعالی خود قرار داده است (شفیعی، ۱۳۷۳: ۱۱ و ۱۲).

توصیف شهیدان با ذکر نام شهید

توصیف شهیدان در شعر انقلاب و جنگ از ابعاد گسترده‌ای برخوردار است. گاهی، شعر به شهید خاصی اختصاص یافته است و شاعر با ذکر نام شهید و تقدیم شعر خود به او، به بیان ویژگی‌های وی و غم‌ستردگی که با در خون خفتن او بر دل شاعر سنگینی می‌کند، پرداخته است. چنین شعرهایی به‌ویژه در عصر دفاع مقدس و به‌ویژه در مجموعه شعرهایی که سرایندگان آنها خود از رزمندگان جبهه‌های نبرد بودند به وفور به چشم می‌خورد؛ سلمان هراتی، مثنوی «ای گل خوشبو» را برای شهید «حسین پرنیان» مرد شالیزار سروده است و در غزل «فروکش آتشفشان» به استواری و مقاومت مردانه شهید بزرگوار «عزیز الله گلین مقدم» اشاره دارد. وی شعر نیمایی «واقع» را در سوگ همین شهید و شعر آزاد «سرود برای مرد فروتن» را در سوگ شهادت بزرگ مرد عرصهٔ ساده‌زیستی و صلابت، شهید «محمدعلی رجایی» سروده است. سلمان هراتی شعر سپید «در خلوت بعد از یک تشییع» را در حال و هوای جبهه سروده و به شهید غفور صمدپور

(شهیدی که سر نداشت) تقدیم نموده است (کریمی لاریمی، ۱۳۸۸: ۱۵۸-۱۶۱). وی همچنین در سروده «به یاد شهیدان» از همه شهدا تجلیل کرده است.

شفیق حبیب، سروده «یافهد» را به فهد القواسمی و «کبیر... و صغار» را به «ناجی العلی» و «واسلطاناه...!!» را به شهیده «غالیه فرحات» تقدیم کرده است. وی سروده «یا ایها الحرم المحزون» را به شهدای حرم شریف ابراهیمی شهر الخلیل که در سال ۱۹۹۴ به شهادت رسیدند اختصاص داده است. این شاعر برخی از سروده‌هایش را به طور کلی برای شهدا سروده و از شهید خاصی در عنوان شعر نام نبرده است مانند «عاصفه الدهور» که به شهدای جاودانه و «إله الصدید» را به شهدای اندیشه و هنر در جهان عرب تقدیم کرده و در سروده «الشهید» و «رسالة إلی شهداء یوم الأرض» از شهدا سخن گفته است.

خون شهید

«شهادت را می‌توان محوری‌ترین عنصر ادبیات مقاومت و دفاع مقدس دانست. هرجا که عنصر شهادت به چشم می‌خورد به نوعی عناصر دیگر را هم در کنار آن می‌بینیم.» (آریان، بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۳) از جمله این عناصر خون شهید است. «اعتقاد مذهبی و دینی مسلمانان بر این است که حق و خونی که در راه آن ریخته شود پایمال و زائل نمی‌شود؛ هرچند که تأخیری در رسیدن به حق و دفاع از آن به وجود آید. خون شهیدان که به دنبال دست یافتن به هدفی والا ریخته شده نباید پایمال اهداف شوم دشمنان حق و راستی شود و دشمن خودکامه روزی به فرجام بد اعمال خود خواهد رسید» (ایران‌زاده، رحیمیان، ۱۳۸۷: ۹۵).

سلمان هراتی با عبارت «جاری گلگون» که سرخی خون شهید را تداعی می‌کند، شهید را مخاطب قرار می‌دهد و به ویژگی پاکی و تأثیر خون شهید در زدودن آثار گناه و ناراستی اشاره می‌کند: «ای شهید ای جاری گلگون/ جای از پندار ما بیرون/ رفته‌ای با اسب خونین‌بال/ ای شهید ای مرغ آتش‌بال» (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۶۱)، «آه این خون جوان/ خاک را خواهد شست؟» (همان، ۲۷۷) وی، حرف آخر و حجت را خون شهید می‌داند: «دست بردارید این خون صمیمی امروز/ حرف آخر را گفت!» (همان، ۲۷۷).

سلمان هراتی و شفیق حبیب هر دو به ارزش و تأثیرگذاری خون شهید باور دارند؛ سلمان خون شهید را عامل پویایی و ماندگاری ارزش‌ها می‌داند: «اینک ای خون شریف! ما تو را

می خوانیم/ ما می افشانیمت/ در گذرگاه نسیم و باران/ تا برویند درختانی در طوفانها» (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۷۸) و شفیق حبیب متذکر می شود که شهید همیشه ماندگار است و خورش پایمال نخواهد شد. «فالفهد فینا سیبقی حافزاً أبداً/ یا مجرمونَ دَمُ الأحرارِ ماهانا» (حبیب، ۱۹۸۷: ۴۵) ترجمه: فهد در میان ما همیشه پرانگیزه و بانشاط خواهد ماند. ای جنایتکاران خون آزدگان پایمال نخواهد شد.

وی تأکید می کند که خون شهید هرگز فراموش نخواهد شد و خون شهید در اعماق زمین، میلیون ها دهان را بر روی زمین به فریاد دادخواهی بر می انگیزد: «نادت غالیة فی بقعائنا: واسلطاناه...!!/ برصاص الغدراغتیلت بنتُ الجولان.../ صرَحَ الجولان.../ لن ننسی دَمَکِ الطاهرَ یا أختاه...!!.../ لدمی الصارخ من اعماقِ الأرضِ ملایینُ الأفواه.../ یا فارسنا.../ یا علمَ الثورة... یا رمزاً نهوا.../ أضحی واقعنا مأساه.../ وامتصماه...!!/ واسلطاناه...!!» (حبیب، ۱۹۸۸: ۷۱-۷۴) ترجمه: در بقعائنا، غالیه فریاد زد: ای حاکم ما!! با گلوله مکر و نیرنگ کشته شد دختر جولان. جولان فریاد بر آورد خواهرم! خون پاکت را هرگز از یاد نخواهیم برد. خون من از اعماق زمین با میلیون ها دهان فریاد می زند ای شهسوار ما! ای بیرق انقلاب! ای نمادی که دوستش می داریم واقعیت ما سوگ اوست. ای فرمانروا و حاکم ما.

شفیق حبیب، خون شهید را باعث برافراشته شدن مناره ها در ضمیر خود می داند و به بوی خوش آن اشاره می کند: «هذی دماؤوک یاشهیدی!/ تسمو منائر فی وجودی/.../ هذی دماؤک یاشهیدی:/ عطرٌ علی أرض الجدود (حبیب، ۱۹۸۰: ۱۷-۲۱) ترجمه: ای شهید این خون توست مناره ها در وجود من بالا می رود... این خون توست ای شهید بوی خوشی است بر سرزمین اجداد من».

او با شجاعت می خواهد خورش ریخته شود و دشمنان خون آشام خون وی را بنوشند: «یا مارقونَ کفاکم تشربونَ دمی/ فالموتُ للقدیرِ الباغی الذی خانا» (حبیب، ۱۹۸۷: ۴۳) ترجمه: ای بی دینان، شما را نوشیدن خون من بس! مرگ سزاوار آن ستمکار پلید خائن است. وی، خون شهید را دست مایه ای قرار می دهد تا قساوت و بی مبالاتی دشمن را بیان کند و می گوید خون شهید حتی در مسجد هایمان ریخته می شود: «هذا دمی مُستباحٌ فی مساجِدنا/ أضحی الرصاصُ لسانَ الحاقِدِ المذیرِ» (حبیب، ۱۹۹۴: ۸۹) ترجمه: این خون من است که در مسجد هایمان مباح شده. گلوله زبان کینه توز فاسد شده. اما با همه وی، خون شهید را آبخاری می داند که عشقی سرخ فام

را می‌پراکند و رودهایی از قلبی شکافته و جاری می‌شود که سرزمین تشنه را سیراب می‌کند و سپاه دشمن اشغالگر زبون را می‌سوزاند: «دمک النازفُ شلاًلاً... / عشقاً وردیاً یتصوّع... / دَمُکَ النازفُ انهاراً... / من قلبِ دَامٍ یتقطّع... / یسقی أرضاً عطشی، / یروی أرضاً بلقع... / احرقها جیش الخزی / جنودُ المحتلّ الأبیّشع» (حبیب، ۱۹۹۰: ۵۱) ترجمه: خون تو آبخاری را روان می‌کند. عشقی سرخ‌فام را می‌پراکند. خون تو رودهایی را از قلبی خونین قطعه قطعه شده جاری می‌کند و زمینی تشنه را سیراب می‌کند و زمینی بایر را آبیاری می‌کند. سپاه خواری آن را سوزاند سپاه اشغالگر کریه.

با توجه به اشعار ذکرشده از سلمان هراتی و شفیق حبیب می‌توان نتیجه گرفت که هر دو شاعر به ارزش و تأثیرگذاری خون شهید تأکید دارند. شفیق حبیب به قدرت انقلابی‌گری خون شهید و بوی خوش آن اشاره می‌کند و از قساوت دشمن و شهادت‌طلبی خود سخن می‌گوید.

توصیف جاودانگی شهید

شهادت مرگی است، انتخاب شده، مرگی که خود انسان به‌سوی آن می‌رود نه آنکه به‌سوی انسان بیاید و اهمیت و ارزش شهید و شهادت نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد. شهادت از برترین واژه‌های فرهنگ اسلامی و از مقدّس‌ترین مفاهیم معارف الهی و اوج کمال انسان است و «تأکید بر زنده بودن شهید، از جمله مواردی است که علاوه بر تسلّی خاطر خانواده‌ها، موجبات تقویت عواطف آنان را فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که بتوانند در جامعه سربلند زندگی کنند» (روان شاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۶). سلمان هراتی هر چند به اقتضای مشیّت الهی شولای شهادت را به سر نکشید ولی فضای خانه دلش را با یاد شهیدان، سبز و دیدنی کرده بود. (کریمی لاریمی، ۱۳۸۸: ۱۴۵) سلمان هراتی و شفیق حبیب در این سروده‌ها، به جاودانگی راه و نام شهید پرداخته‌اند و پردازش این دو شاعر متفاوت است؛ سلمان، با تشبیه شهید به مظاهر طبیعی همچون باران و... و شفیق حبیب با تأکید بر استمرار راه و نام شهید توسط رزمندگان و ملت خویش این مهم را به انجام رسانده‌اند؛ سلمان هراتی، ضمن بهره‌گیری از مظاهر طبیعی همچون باران، آفاق و... به بیان ویژگی‌های شهدا از جمله جاودانگی‌شان می‌پردازد؛ سلمان، شهید را به باران تشبیه می‌کند؛ باران جاودانه‌ای که در زیر بوته و روی دست سبزه همیشه وجود دارد و یا شهید را ازلی و بی‌انتهای و چون فردایی می‌داند که همیشه هست و حضور دارد: «مثل باران زیر هر بوته/ نام خوبت کرده

بیتوته/ باغها از نام تو سرشار/ باغبان با یاد تو بیدار/ روی دست سبزه می‌باری/ در دلت دریا مگر داری» (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۶۲) «مثل آفاق بی انتها بود/.../ مثل فرداست در قلب ما هست/ آنکه دیروز در پیش ما بود» (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۸۷).

شفیق حبیب هم جریان شهادت را در سرزمین خود امری ساری و جاری می‌داند و بر این باور است که رزمندگان و شهادت‌طلبان وطنش با ادامه راه شهدا نام و یادشان را جاودانه نگه می‌دارند و به امیدوار بودن، پایمردی و بزرگ‌منشی آنها اشاره می‌کند؛ «لن ننشی إن فی أعماقنا أملاً/ یجدوه إصرارُنا فالحرُّ مالاناً/ وعداً لكلِّ شریفٍ أن نظلَّ هنا/ فرعاً لشعبٍ کریم الأصلِ مذ کانا» (حبیب، ۱۹۸۷: ۴۱) ترجمه: هرگز تسلیم نخواهیم شد؛ چرا که در اعماق وجود ما امیدی است که پایمردی ما آن را تقویت می‌کند و آزادمرد نرمش نمی‌پذیرد به همه بزرگمردان وعده بده که ما اینجا می‌مانیم شاخه‌ای از ریشه ملّتی اصیل.

شاعر با خطاب قرار دادن شهید تأکید می‌کند که تا زمانی که خون در رگ‌های ملتش جریان دارد، راه شهید استمرار دارد و این نام و راه جاودانه خواهد ماند: «یافهد!! إنّا علی درب الألی غبروا/ مادام دَفَقُ دمانا فی حنايانا» (حبیب، ۱۹۸۷: ۴۶) ترجمه: ای فهد! ما بر درب آنان که رفتند (مقیم شدند) هستیم مادامی که جریان خون‌هایمان در سرتاسر وجودمان جریان دارد.

تبیین دلتنگی از فقدان شهیدان

شهادت که نتیجه سلامت روان و روحیه شجاعت و انتخاب آگاهانه است، مقاومت و پویایی جامعه را به دنبال دارد؛ چراکه ریشه در قدرت، قوت، صبر، استقامت، مبارزه با کفر، انسجام، آخرت‌خواهی و ظرفیت بالا دارد و این عوامل در مجموع، مقاومت جامعه را بالا برده و اجتماعی را متحرک و پویا و سازنده می‌سازد. شهیدان، مقاومت و پویایی جامعه را تضمین می‌نمایند؛ به جامعه ظرفیت روحی می‌بخشند و ضعف و سستی را از بین می‌برند و هر جامعه‌ای که افراد آن این‌گونه باشند، مشمول رحمت و نصرت خداوند هستند و دیگر شکست نخواهند خورد. علی‌رغم این پویایی و مقاومت باید اذعان داشت که از دست دادن آنان، توأم با حسرت و دلتنگی است و شعرايي که با جنگ و کشتار در وطن خویش مواجه هستند و احیاناً خویش، در عرصه نبرد حضور دارند این حسرت و دلتنگی را بیش از دیگران حس و بیان می‌کنند. سلمان هراتی و شفیق حبیب از جمله این شعرا هستند که هر دو از این حس دلتنگی سخن گفته‌اند؛ سلمان، با

وجود ابراز دلتنگی از فقدان شهید، اظهار می‌دارد که بوی خوش آنها در فضای دلش خانه کرده است و از بین رفتنی نیست و به محاکمه ضمیر خویش می‌پردازد. شفیق حبیب با انکار مرگ شهید، خود را تسکین می‌دهد و گویا حس دلتنگی‌اش را فرو می‌نشانند. او از زبان مادر شهید حس اندوه از فقدان شهید را بیان می‌کند و از پاسخ ندادن شهید به خطاب وی دلتنگ و متحیر می‌شود.

«سلمان هراتی با سوگ سروده‌ای با عنوان "به یاد شهیدان" از غم و اندوهی که در سینه‌اش جان گرفته‌است، سخن می‌گوید اما معتقد است که یاد شهدا خانه دل او را عطر آگین کرده است.» (کریمی لاری، ۱۳۸۹: ۳۱) او در سروده «در خلوت بعد از یک تشییع» که به شهید غفور صمدپور تقدیم کرده‌است با تکرار عبارت «دلم برای جبهه تنگ شده‌است» برای شهدا و حال و هوای آنها ابراز دلتنگی می‌کند و از عادت به زندگی روزمره، بوی آسفالت و داشتن تعلقات حقیر دنیوی شکوه می‌کند و صداقت، شقایق و جانبازی را می‌جوید. وی در این منظومه «از دلتنگی‌های خود می‌گوید و دنیای سرشار از لطافت و صداقت جبهه را بدون تعقید و با زبانی صمیمی پیوند می‌زند و زیبایی‌های آن را با زبان طبیعت ترجمه می‌کند.» (مدرسی، مهرآور گیکلو، ۱۳۹۳: ۱۵۰). او با مشاهده‌ایثار و رشادت‌ها بر خود نهیب می‌زند، به سرزنش و محاکمه درونی خویش می‌پردازد و آرزومند حضور و همراهی در کنار رزمندگان است: «دلم برای جبهه تنگ شده‌است/ آنجا معنویت به درک نیامده بسیار است/ آنجا ما مقابل آسمان می‌نشینیم/ و زمین را مرور می‌کنیم/ و به اندازه چندین چشم معجزه می‌بینیم/ چقدر تماشای دورها زیباست/ دلم برای جبهه تنگ شده‌است/.../ وقتی یک جرعه آب صلواتی/ عطش را می‌خشکاند/ دیگر به من چه که کولا خوشمزه‌تر از پسی است/.../ ما چقدر غافلیم/ ما که به بوی گیج آسفالت/ عادت کرده‌ایم/ و نشسته‌ایم هرروز کسی بیاید/ زباله‌ها را برد/ چه انتظار حقیری!/ دلم برای جبهه تنگ شده‌است/ چقدر صداقت نیست/ چقدر شقایق‌ها را ندیده می‌گیریم/ حس می‌کنم سرم سنگین است/ امروز دوباره کسی را آوردند/ که سرنداشت» (هراتی، ۱۳۸۰: ۸۵ - ۸۸).

سلمان، شهید را چون گلی خوشبو تصوّر می‌کند که در سالگرد چیده شدنش، هنوز جای خالی‌اش احساس می‌شود: «هر گل سرخی که می‌کاریم/ زیر لب نام تو را داریم/ ما تو را در قلبها جستیم/ خواب را از چشمها شستیم/ ای گل خوشبو تو را چیدند/ از بلند شاخه دزدیدند/ ای عزیز امسال، یکسالی است/ جای تو در مزرعه خالی است» (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۶۳) وی، در سروده

شاعر، شهید را مایه افتخار خانواده و وطن خطاب می‌کند و با یادآوری جانفشانی او، از اینکه شهید به خطاب وی پاسخ نمی‌دهد اظهار سرگشتگی می‌کند: «فَخَرَّ الْأَهْلُ.../ وفخر الوطن المسبَّب المَوْجَع.../ أَلْقَيْتَ بِنَفْسِكَ تَدْفَعُ عَنَا الْعَارَ/ و لا تجزع.../ انی أدعوک فهل تسمع...؟/ انی أدعوک فخذنی.../ علمنی کیف الراية تُرْفَعُ.../ تُرْفَعُ.../ تُرْفَعُ...» (حبیب، ۱۹۹۰: ۵۵) ترجمه: ای مایه افتخار خانواده و وطن! در بند دردمند خودت را به پیش افکندی تا از ما عار و ذلت را دور کنی. بی‌تابی نکن! من تو را می‌خوانم! آیا گوش می‌دهی؟ من تو را می‌خوانم! پس مرا بگیر و به من بیاموز چگونه پرچم برافراشته می‌شود. برافراشته می‌شود برافراشته می‌شود. با مرور و بازنگری اشعار اشاره شده درباره این موضوع می‌توان گفت که هر دو شاعر از فقدان شهدا اظهار دلتنگی می‌کنند و با بیانی متفاوت، این حس مشترک را منتقل می‌کنند. هردو به مستمسکی برای تسکین چنگ می‌زنند؛ سلمان با حس بوی خوش حضور آنها در دل و شفیق با انکار از دست دادن شهدا و یا ابراز حس دلتنگی از زبان مادر شهید، سعی در تسکین و جبران این حس دلتنگی هستند.

تجلیل و تکریم شهیدان

تکریم و تعظیم شهدا، تلاشی مقدس است در برافراشتن پرچم‌های سرخ استقلال و آزادی بشریت، از یوغ ذلت و اسارت. گام بلندی است در راستای احیای ارزش‌های مکتب توحید و عدالت؛ زیرا که شهادت، مرگ در راه ارزش‌هاست و هر شهید، مشعلی است که در بلندای عزت و سرافرازی یک ملت، جاودانه می‌درخشد. «شاعران و نویسندگان ادبیات پایداری در آثار ادبی، علاوه بر راه و شیوه ایثارگری شهیدان، مرگ و شهادت آنان را نیز می‌ستایند؛ چرا که در اسلام کشته شدن آگاهانه در راه خدا - که در راستای گسترش اهداف الهی و اسلامی است - بارها مورد تأکید قرار گرفته است.» (آقاخان و صادقی، ۱۳۹۳: ۱۰) سلمان هراتی و شفیق حبیب، با تشبیه‌های زیبا و بدیع مانند تشبیه شهید به گل، مرغ، شمشیر، ابر، رعد و برق و... از شأن و جایگاه شهدا تجلیل می‌کنند. هر دو به حق جو بودن آنان اشاره می‌کنند و در بزرگداشت آنها، جاودانگی‌شان را ارج می‌نهند. سلمان هراتی معنویت و خداپرست بودن شهید و شفیق حبیب، راهنما بودن شهید را از خصوصیات قابل تکریم شهید بیان می‌کنند. شفیق حبیب ضمن تکریم شهدا، امید به ظفر و پیروزی را با آن درهم می‌آمیزد؛ سلمان هراتی در مثنوی «ای گل خوش‌بو»

شهید را با تعبیراتی چون «جاری گلگون» و «مرغ آتش بال» توصیف می‌کند و می‌گوید که با کاشتن هرگل سرخ، زیر لب نام شهید را زمزمه می‌کند. او شهید را چون گل خوش‌بویی می‌داند که از بلندترین شاخه‌ها چیده شده است. (کریمی لاری، ۱۳۸۹: ۳۰)

شفیق حبیب هم، شهید را شمشیری ازلی به‌شمار می‌آورد که در برابر ستم و دشمنی همیشه از نیام برآمده است و او را به ابر و رعد و برق، تشبیه می‌کند. وی، شهید را امید بی‌تزلزل، بزرگوار، جاودانه، اکنون و فردا می‌داند و بر آن است که وطن در کنار شهید نشو و نما یافته است: «یا سیفاً ابدیاً مشرع!! فی وجه الظلم.. و وجه الحق.. و وجهک سیظل الأنصع.../.../ أَنْتَ المَوسِمُ../ أَنْتَ الغَیمُ..الرَّعْدُ..الْبَرْقُ اللَّمَعُ.. و سَتَبْقَى البَیَّانُ الْأَمْنَعُ..» (حبیب، ۱۹۹۰: ۵۰-۵۲) ترجمه: ای شمشیری که همیشه از نیام برآمده‌ای در برابر ستم و کینه‌توزی و صورتت همیشه سفید و روشن خواهد ماند... تو فصل (بهاری) تو ابر رعد و برق روشنی و با ساختاری محکم و استوار باقی خواهی ماند. «أَنْتَ الزَّارِعُ دُنْیَا، وَهَجَا لَا یَخْبُو.../أَمَلًا لَا یَتَزَعَعُ.../ أَنْتَ المَجدُ/ و أَنْتَ الخلدُ.../ و أَنْتَ الحَاضِرُ.../ أَنْتَ الْآتِی.../ و طَیْنِی فِی جَنَبِکَ نَمَا وَتَرَعُ...» (حبیب، ۱۹۹۰: ۵۴) ترجمه: تو در دنیای ما آتشی برافروختی که خاموش نمی‌شود و امید و آرزویی که سست و نابود نمی‌شود. تویی جاودانه و تویی آینده. وطن من در کنار تو رشد کرد و بالنده شد.

سلمان، معنویت و خداپرستی شهید را تجلیل می‌کند و به بی‌ادعایی و بی‌پیرایگی شهید اشاره می‌کند: «در نماز و نیازش خدا بود/ دستهایش به رنگ دعا بود/ در شکفتن دل داغدارش/ مثل یک لاله بی‌ادعا بود/ این غریبی که از پیش ما رفت/ با سلام خدا آشنا بود» (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۸۶). شفیق هم شهید را به گلدسته نوری که بر فراز راهی تاریک و خطرناک نورافشانی می‌کند و راه را برای پویندگان آن روشن و هموار می‌سازد، تشبیه می‌کند. وی بر درخشش نور و روشنایی خون شهید اشاره می‌کند و در واقع فقط انعکاس‌دهنده حزن و اندوه از مقوله شهادت نیست بلکه امید و آرزوی ظفر را هم در اثنای آن منعکس می‌کند: «نَمَ یا شَهِیدِ! قَرِیرَ العَینِ أَنْتَ لَنَا/ مَنَارَةٌ فَوْقَ دَرَبِ مُظْلِمٍ خَطَرٍ» (حبیب، ۱۹۹۴: ۹۰) ترجمه: ای شهید! آسوده بخواب. تو برای ما مانند گلدسته‌ای بر فراز راهی تاریک و پر خطر هستی.

شفیق حبیب در بزرگداشت قلم ناجی‌العلی -کاریکاتوریست فلسطینی- به خورشیدگونه بودن و حق‌جویی قلم وی اشاره می‌کند و اینگونه جاودانگی و بزرگ‌مردی شهدا را می‌ستاید: «ماکانَت رِیشَةُ ناجی/ غَیرَ الشَّمسِ... و غَیرَ الحَقِّ یَشُعُّ أَوَّار...» (حبیب، ۱۹۸۸: ۵۹) ترجمه: قلم

ناجی خورشید بود و حقیقتی که گرما می‌گستراند. سلمان هراتی هم «استمرار سوگ و جشن شهادت شهید رجایی را با این فعل (ماضی نقلی) ابراز می‌کند» (مدرسی، مهرآور، ۱۳۹۳: ۱۵۱) تا نشان دهد نام، یاد و راه شهدا جاودانه است و زوال نمی‌پذیرد: «ما نشان صلابت تو را/ در چهره‌های نذیران تاریخ دیده‌ایم/ یاران به سوگ تو، نه/ به سوگ توده مردم نشسته‌اند/ مردم به سوگ تو، نه/ به جشن شهادت نشسته‌اند» (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۴۳).

تحلیل سبک و محتوای سروده‌ها

شفیق حبیب و سلمان هراتی زبانی ساده و روان را برای انتقال مفاهیم خود انتخاب می‌کنند. «شعر مرحوم هراتی به دلیل سادگی در عین زیبایی، نمونه منحصر به فردی در میان آثار منظوم دفاع مقدس است. عناصر فکری در این اشعار، به شکلی هنرمندانه و جذاب مطرح می‌شوند.» (امیری خراسانی، صدقیان‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶) و بطرس دله در مورد شفیق حبیب به خصوص با توجه به دیوان «صارخ فی البریه» او می‌گوید: «شفیق حبیب، در شعر گفتن متبهر است او احتیاجی به این ندارد که ثابت کند در هر نوعی از شعر توانایی دارد، علاوه بر این، مهم این است که صنایع لفظی خاصی در این دیوان (صارخ فی البریه) وجود ندارد بلکه برعکس بیشتر قصاید، روان و شیوا است و معنا مهمتر است ولی چارچوب و دایره واژگانی در اختیار او است و بر آن مسلط است تا معنی را منتقل کند و بر جان مخاطب و خواننده بنشانند» (دله، ۲۰۱۳: ۲۰۲) با توجه به دو نکته بالا در مورد دو شاعر و اشعار ذکر شده از آنها می‌توان اذعان داشت که اشعار این دو شاعر از پیچیدگی و تکلف به دور است؛ ولی این سادگی و بی‌تکلفی از سبک، محتوا و الفاظ اشعار آنها نمی‌کاهد، بلکه خواننده را در درک و دریافت معنای مورد نظر شاعر بیشتر یاری می‌کند.

شفیق حبیب و سلمان هراتی به گزینش و تکرار واژگان اهتمام خاصی دارند چرا که «واژگان به کار گرفته شده در شعر در ایجاد لذت و زیبایی نقش مهمی دارند. هرچند در شعر واژه خوب یا بد وجود ندارد و این خلاقیت و هنر شاعر است که با به کارگیری صحیح واژگان در موقعیت و جای مناسب در بافت کلام به آنها تشخص و زیبایی می‌بخشد. تکرار واژه‌ها و نسبت آنها با یکدیگر توازنی پدید می‌آورد که موسیقی می‌آفریند» (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۵) و واج‌آرایی و تناسب حروف هم مهم‌ترین عنصر تأمین‌کننده موسیقی درونی و از عوامل مؤثر در افزایش

موسیقی و زیبایی شعر است که این دو شاعر از این دو هنر نویسندگی به خوبی در اشعار خود استفاده کرده‌اند. سلمان هراتی عبارت «باغ را دریابید» را در شعر «واقعۀ» چند بار تکرار کرده است. وی، همچنین عبارت «دلم برای جبهه تنگ شده است» را در شعر «خلوت بعد از یک تشییع» چند بار تکرار کرده و خواسته از احساس و اندیشه خود در مورد دوری از حال و هوای جبهه سخن بگوید چرا که «تکرار بهترین وسیله‌ای است که عقیده یا فکری را به کسی القا می‌کند.» (علی پور، ۱۳۷۸: ۸۹).

در مورد یکی دیگر از کارکردهای تکرار می‌توان گفت که «تکرار واژه یا عبارت، بیانگر سلطه و حضور دائم عنصر تکرار شونده در اندیشه و احساس و ضمیر ناخودآگاه شاعر است» (زاید، ۲۰۰۸: ۵۸) و در همین راستا شفیق حبیب عبارت «یافهد»، در شعر «یافهد!!! ۱۹۳۹-۱۹۸۴» و «یاناجی»، در شعر «کبیر...وصغار» و «واسلطاناه...!!!» و «غالیه» در شعر «واسلطاناه...!!!» و «یا اَیُّهَا الثَّوای» را در «عاصفۀ الدهور» تکرار کرده است. وی، عبارت «عُد یا بَنی» را در سروده «عاصفۀ الدهور» تکرار کرده است و با این تکرار، می‌گوید «ما هر روز شهدایی را تقدیم می‌کنیم. مادران داغ‌دیده بی‌صدا گریه می‌کنند و وقتی پسران کوچکشان شهید می‌شوند می‌گریند، هر پگاه منتظر بازگشت این فرزندان خویش خواهند ماند در حالی که مطمئنند آنها برنخواهند گشت.» (دله، ۲۰۱۳: ۱۹۷).

تکرار حرف، نوعی تأکید لفظی و نوعی واج‌آرایی به شمار می‌رود که هر دوی اینها باعث نفوذ و رسوخ معنا به قلب مخاطب می‌شود: مانند تکرار حرف «ن» در این عبارت «اینجا زیر نور نئون آسمان پیدا نیست» از سلمان هراتی. از سوی دیگر استفاده از حروف مهموسه و مجهوره هم می‌تواند نوعی واج‌آرایی به حساب آید که این مورد در اشعار شفیق حبیب مشاهده می‌شود؛ چرا که وی بر آن است که «واژه می‌تواند نور و آتش برافروزد، نوری که راه را در مقابل ملتش روشن کند و آتشی که اشغالگران را بسوزاند.» (سقیرق، ۲۰۱۳: ۱۴۴) وی، وقتی از مقاومت، عقب‌نشینی و درهم شکستن اشغالگران می‌گوید از حروف مجهوره «ع، غ، د» استفاده می‌کند: «إِنِّي الصَّمُودُ فَسَائِلُ أَرْضِ لَبْنَانَا/ كَيْفَ الْغَزَاءُ عَلَى أَعْقَابِهِمْ نَكْصُوا/ وَالْعَارُ فِي ثَوْبِهِمُ وَالْخِزْيُ قَدْ بَانَ/ حَطَّمْتُ أَسْطُورَةَ الْبَاغِي وَ عَزَّتْهُ/ فَارْتَدَّ كَالثَّغْلِبِ الْمَطْرُودِ خَسْرَانَا» (حبیب، ۱۹۸۷: ۴۰ و ۴۱) و در ادامه وقتی از حزن، اندوه و تسلیم فلسطین می‌سراید بیشتر از حروف مهموسه «ه، ح، س» بهره می‌برد: «هَذِي فَلَسْطِينُ تَبْكِي أَهْلَهَا إِرْبًا/ فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ تَسْتَفُّ أَحْزَانَا/ بَاعَوْكَ عِذْرَاءَ لَا

تخبو مدامعُها/ و أطمعوا لَحْمَكِ المنهوشِ خُصيانا» (حبیب، ۱۹۸۷: ۴۲)

برای ابراز انزجار، از حروف مجهوره «ع، غ، ب، د، م» و اظهار اندوه از مرگ شهید ناجی از حروف مهموسه «س، ه، ک» استفاده می‌کند: «یاعرب القار! ماذا أبقيتم غير الحقدِ/ و أجساد مَزَقها رعديدٌ خَوَّار؟/ یا اهلی!! غدرأ بعد اليوم اذا أصبحتُ مع الكفار../ فی السجن تحاصرني الأسوار../» (حبیب، ۱۹۸۸: ۶۱ و ۶۲) «دربک یا ناجی! مفروش بالغار../ آه لو أعطی ان ألمس نعشک../ أن أَلثم تابوتاً عمَّد بالنار../ يحملُ آمال و آلام الأحرار../ لكسوتُ الراية بالأزهار/ من هذا الوطنِ النازف دمعاً ودماً أنهار/ لیلاً ونهار../ ستظلُّ کبیراً یا ناجی!!» (حبیب، ۱۹۸۸: ۶۲)

این دو شاعر اشعار خود را به آرایه‌های ادبی مانند استعاره، تشبیه و... مزین ساخته‌اند؛ سلمان هراتی استعاره‌هایی مانند درهای عافیت، میز خوشبختی، دهن شهر، صحرای دل و شفیق حبیب، لهیب العزم، رصاص الموت را در این سروده‌های خود استفاده کرده‌اند. تشبیه‌های این دو شاعر با بهره‌گیری از مظاهر طبیعی صورت می‌گیرد؛ سلمان هراتی تشبیه‌هایی مانند «چشمهایش باز چون خورشیدی در کنکاش، مثل جنگل بود، چون نسیم محزون، باغ را می‌مانست، دل‌تنگی همچون جاده کوهستانها، دل داغدارش مثل یک لاله بی‌ادعا بود، مثل کوهی پر از استواری، مثل باران شب، مثل امواج دریا، مثل آفاق بی‌انتها، مثل آشفشانی پر از درد، مثل موجی سراپا صدا» را به کار می‌برد و شفیق حبیب هم از عباراتی همچون «رصاص الموت کالمطر، أنت الموسم، أنت الغیم» در تشبیه‌های خود استفاده می‌کند.

این دو شاعر علاوه بر استفاده از جمله‌های خبری و انشایی که در نوشتن گریزناپذیر است از ندا و اسلوب خطاب زیاد استفاده کرده‌اند و این بسامد به سبک و سروده آنها ویژگی خاصی بخشیده است از جمله ندهایی که سلمان هراتی در این سروده‌ها استفاده کرده است عبارت است از: «ای شهید ای جاری گلگون، ای شهید ای مرغ آتش بال، ای برادر مردم، ای پاسدار ساده، ای خون شریف» و در این عبارات «هذی دماؤوک یا شهیدی، یا حاملاً علم السلام، یا مارقون کفاکم تشربون دمی، یا مجرمون دُم الاحرار ما هانا، یا غوار، یا سمار، یا عرب القار، یا علم الثورة یارمزاً نهواه، یا أيها التائهون فی الضوء مهلا، یا زین الشباب، یا سیفاً أبدياً مشرع» خطاب‌ها و کاربرد اسلوب ندا در اشعار شفیق حبیب، مشهود است.

نتیجه‌گیری

تهاجم، دفاع و ادبیات پایداری، مفاهیم جدیدی را وارد دایره واژگانی شعرای سرزمین‌های درگیر با این مسائل کرد. از جمله این مسائل، شهید و شهادت است که سلمان هراتی - شاعر ایرانی - و شفیق حبیب - شاعر فلسطینی - از آن در سروده‌های خود یاد کرده و برخی از آنها را به شهدا تقدیم کرده‌اند. واژه شهادت بر حضور و گواهی دادن دلالت می‌کند و در اصطلاح بر افرادی اطلاق می‌شود که جان خود را در راه خدمت به دین و دفاع از آن فدا کنند. خون شهید یکی از عناصر مهم در بحث شهادت است که این دو شاعر به ارزش و تأثیرگذاری آن اشاره می‌کنند. شفیق حبیب، ضمن پرداختن به این موضوع، شهادت‌طلبی خود و قساوت و سنگدلی دشمن را هم بیان می‌کند.

این دو شاعر، شهدا را جادوانه می‌دانند؛ سلمان با تشبیه شهدا به عناصر طبیعت و شفیق حبیب، با اشاره به استمرار نام و یاد شهدا توسط رزمندگان سرزمینش به این موضوع پرداخته‌اند. با وجود اینکه مقاومت و پایداری، جوامع درگیر جنگ را پویا و سازنده می‌کند، ولی در هر حال، عدم حضور شهدا در جامعه، شعرا را با نوعی حس دلتنگی، خودتاهمی و... دچار می‌کند که سلمان هراتی و شفیق حبیب این احساس را در سروده‌های خود منعکس کرده‌اند و این انعکاس، متمایز و متفاوت است؛ هر دو به نوعی دست به انکار و عدم تصدیق شهادت شهدا می‌زنند؛ سلمان با حس بوی خوش شهدا در دل خود از عدم حضور و درک دنیای آنها ابراز دلتنگی و شرمساری می‌کند. شفیق حبیب، از زبان مادر شهید و ابراز دلتنگی او و سرگشتگی از عدم پاسخ شهید به خطاب شاعر، اظهار می‌دارد که دلش در فقدان شهدا، ناآرام است.

سلمان هراتی و شفیق حبیب، شهید را به مشبه‌به‌های طبیعی و زیبا مانند می‌کنند و ضمن اشاره به معنویت، هدایتگری و قدرت ظفرمندی شهدا، از آنها تجلیل می‌کند. هر دو شاعر، زبانی ساده و روان دارند و این سادگی و بی‌تکلفی، هنر شاعری و سبک متمایز آنها را بیشتر منعکس می‌کند؛ چراکه علی‌رغم به‌کارگیری صنایع لفظی، معنای اشعار آنها هم عمیق و ژرف است. این دو شاعر از تکرار عبارات و واژه‌ها و حروف در اشعار خود بهره می‌برند و از این تکرار غرض و هدف خاصی را دنبال می‌کنند. هر دو از انواع جمله‌های خبری و انشایی استفاده می‌کنند ولی اسلوب ندا و خطاب که بیشتر، شهدا مورد خطاب بوده‌اند در اشعار این دو شاعر نمود بیشتری دارد.

- آریان، حسین؛ بیراوند، نسرين، (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی مضامین مشترک ادب مقاومت ایران و فلسطین»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال دهم، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۵، صص ۹-۳۰.
- آقاخانی بیژنی، محمود؛ صادقی، اسماعیل؛ جهانگیر، صغری، (۱۳۹۳)، «تحلیل چند مؤلفه پایداری در آثار شاعران پایداری (دعوت به جهاد، ستایش آزادی، مهدویت و پیروزی و...)»، نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ششم، شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱-۲۱.
- ابن منظور محمدبن مكرم، (د.ت)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- امیری خراسانی، احمد، (۱۳۸۷)، نامه پایداری (مجموعه مقالات)، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- امیری خراسانی، احمد؛ صدقیان زاده، قاسم (۱۳۹۱). «بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی» نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۰ سال سوم شماره ششم بهار ۱۳۹۱، ۱-۲۵.
- ایران زاده، نعمت اله؛ رحیمیان، افسانه، (۱۳۸۷)، «بن مایه های شهید و شهادت در شعر سید حسن حسینی» فصلنامه خط اول، سال دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۷، صص ۸۵-۱۰۴.
- حبیب، شفیق (۱۹۸۷) أحزان المراكب الهائمه. الناصره: مطبعة واوفاست الحکیم.
- _____ (۱۹۸۸) الدم و المیلاد. الناصره: مطبعة واوفاست الحکیم.
- _____ (۱۹۹۰) العودة إلى الآتی. الناصره: مطبعة واوفاست الحکیم.
- _____ (۱۹۹۴) آه... یا أسوار عکا! الناصره: مطبعة واوفاست الحکیم.
- _____ (۲۰۰۱) صارخ فی البریة، الناصره: الحکیم للطباعة والنشر.
- _____ (۲۰۱۱) شایب. الحکیم للطباعة والنشر، الطبعة الأولى.
- زاید، علی عشری، (۲۰۰۸)، عن بناء القصيدة العربية الحديثة، مكتبة الآداب، القاهرة، الطبعة الخامسة.
- روان شاد، علی اصغر و غلامحسین کهوری و محسن، نظری تریزی، امین. (۱۳۹۴). «بازتاب مقاومت در شعر ابراهیم المقادمة». نشریه ادبیات پایداری. سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان، صص ۶۷-۹۲.

- شفيعی، سيد ضياء الدين (۱۳۷۳) سرود مرد غريب يادنامه زنده ياد سلمان هراتی. تهران: حوزه هنری سازمان تبليغات اسلامی.
- صاعدي، احمدرضا؛ احمدیان، حميد؛ نظری تریزی، امین، (۱۳۹۳)، «تحليل تطبیقی درون‌مایه‌های مقاومت در اشعار «طاهره صفارزاده» و «زینب عبدالسلام عبدالهادی حبش»»، نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۲۱۱-۲۳۵.
- علیپور، منوچهر. (۱۳۷۵). مست لحظه‌های بی‌ریا. تهران: انتشارات رامین.
- غیبی، عبدالاحد؛ احمري، فرزانه، (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی مفاهیم مقاومت و پایداری در اشعار فدوی طوقان و طاهره صفارزاده»، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ۷ جلد، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کرمانی، طوبی، (۱۳۸۷)، شهید و شهادت، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ هفتم.
- کریمی لاریمی، رضا (۱۳۸۸)، جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های شاعران مازندرانی، چاپ اول، ساری: مرکز انتشارات توسعه علوم.
- کریمی لاری، رضا، (۱۳۸۹)، «تحلیل غزل‌های سلمان هراتی»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی ویژه ادبیات معاصر و انقلاب، ۱۳۸۹ زمستان، شماره ۹۶، صص ۴۳-۳۷.
- گنجی، نرگس، (۱۳۷۹)، شعر انتفاضه، ستیزه‌جو و امیدوار، مدرس، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹، صص ۸۵-۹۷.
- مجموعه من الناقدین والدارسین، (۲۰۱۳)، شفیق حبیب فی مرایا النقد. القاهرة: شمس للنشر و الاعلام، الطبعة الأولى.
- محمدی، برات، (۱۳۹۵)، «تحلیل زیباشناختی ساختار آوایی اشعار سلمان هراتی»، فصلنامه زیبایی شناسی ادبی، سال چهاردهم، شماره ۲۷. ۱۰۱-۱۳۸.
- مدرسی، فاطمه؛ مهرآورگیگلو، قاسم، (۱۳۹۱)، «نگاهی به کاربرد وجه افعال در اشعار سلمان هراتی، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره سوم، پاییز، ۱۴۱-۱۶۰.
- هراتی، سلمان (۱۳۸۰) مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی. تهران: دفتر شعر جوان، چاپ سوم.

بیداری اسلامی و تأثیر آن بر ژئوپولتیک مقاومت

هادی ابراهیمی کیایی^۱ (نویسنده مسئول)

چکیده

تحولات انقلابی اخیر در منطقه خاورمیانه که با تعبیر گوناگونی همچون بیداری اسلامی از آن یاد می‌شود، ساختار ژئوپولتیکی منطقه را دستخوش دگردیسی عظیمی نموده است. سرعت و نوع تحولات اخیر خاورمیانه به گونه‌ای رقم خورد که حتی نظریه‌های سنتی ژئوپولتیک که بر عنصر مکان و مرز تأکید داشتند، قدرت تبیین آن را نداشتند. با در نظر گرفتن این موضوع ما در این پژوهش در صدد هستیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که بیداری اسلامی چه تأثیری بر ژئوپولتیک مقاومت داشته است؟ فرضیه‌ای که برای پاسخ به این پرسش در نظر گرفته‌ایم این است که بیداری اسلامی «مقاومت» را که برگرفته از ژئوپولتیک شیعی است بسط گفتمانی داده است. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع اسنادی بوده و داده‌ها و اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی (فارسی و انگلیسی) و وبلاگ‌ها و وبسایت‌های مربوط به موضوع گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: مقاومت، گفتمان شیعی، ژئوپولتیک و بیداری اسلامی.

مقدمه

جامعه بین‌المللی در سال ۲۰۱۱ بیننده مجموعه‌ای از خیزش‌های مردمی در منطقه خاورمیانه بود. این تحولات ژئوپولوتیک منطقه را دستخوش تغییرات جدی نموده است، به گونه‌ای که حتی نظریات سنتی ژئوپولوتیک که بر عنصر مکان و مرزهای جغرافیایی به عنوان عوامل کلیدی در فهم مناطق ژئوپولوتیک اصرار داشت قادر به تبیین این تحولات نبودند. ژئوپولوتیک شیعه نیز جدا از این تحولات نبود و هرچند تاحدودی قابلیت تبیین با نظریات سنتی ژئوپولوتیک را داشت اما از آنجا که این نظریه همانند نظریات رئالیستی بر عناصر جمعیتی، تنوع مذهبی و به‌طور کلی بر کمیت تأکید دارد، در تبیین نسبت تحولات منطقه و ژئوپولوتیک شیعه نمی‌تواند به توفیقی نائل آید، جز در کشورهایی همچون بحرین که دارای اکثریتی شیعه هستند که می‌توان به تحلیلی مبتنی بر نظریات ژئوپولوتیک سنتی دست یافت. لذا فهم نسبت تحولات کشورهایی چون مصر، تونس، یمن و لیبی که غالب انقلابیون را اهل سنت تشکیل می‌دهند در چارچوب این نظریه گنجانده و فهم نخواهد شد. به همین دلیل به نظر می‌رسد نظریه ژئوپولوتیک انتقادی چارچوبی دقیق‌تر و مبتنی بر نزدیکی‌های فرهنگی و اجتماعی را مهیا می‌سازد که بر اساس آن می‌توان به تغییرات جدید ناشی از تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا نگاهی نظری داشت. بر اساس این نظریه قیده‌های مذهبی چون تشیع در واکاوی تحولات ژئوپولوتیک جدید، دیگر اهمیت گذشته را که در نظریات سنتی ژئوپولوتیک داشته‌اند را ندارد، چراکه آنچه بیش از همه در تحولات اخیر دارای اهمیت است گفتمانی است که در این فضا فارغ از «مکان» شکل گرفته است. در این گفتمان «مقاومت» به عنوان اصلی‌ترین مولفه گفتمانی شیعه در حرکت انقلابیون همه کشورها موج می‌زد. اگر در گذشته در تبیین هلال شیعی که مبتنی بر نظریات سنت‌گرا بود ایران، عراق، سوریه و تاحدودی لبنان مطرح بودند، در ژئوپولوتیک جدید شیعه، حماس و اخوان المسلمین علی‌رغم آنکه سنی مذهب هستند، عنصر مهمی خواهند بود؛ چرا که همانطور که اشاره شد در این دیدگاه «مکان مقاومتی» وجود ندارد بلکه «فضای مقاومتی» جایگزین آن شده است. این تحولات حاوی مولفه‌ها و شاخص‌هایی است که باعث شده، مقاومت و انقلاب به عنوان اصلی‌ترین مولفه گفتمانی در ژئوپولوتیک شیعه، در حرکت‌ها و جنبش‌های مسلمانان منطقه خاورمیانه دیده شود. به عبارت دقیق‌تر، ژئوپولوتیک شیعی با اشتراک و توسعه گفتمانی مواجه شد که بر اساس آن دیگر مکان و مرز رنگ می‌بازد و فضای مقاومتی جایگزین آن می‌گردد. بنابراین

حرکت‌ها و جنبش‌های مبتنی بر مقاومت به‌عنوان هویت اصلی تشیع می‌تواند به هم‌افزایی و ارتقای قدرت شیعیان بیانجامد. این نوشتار، با بهره‌گیری از چارچوب نظری ژئوپولیتیک انتقادی، تأثیر تحولات بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه را بر وزن ژئوپولیتیکی شیعی مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۱- چارچوب نظری

یکی از رهیافت‌هایی که برای مطالعه روابط بین‌المللی و منطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، رویکرد انتقادی است. رویکرد انتقادی، کوششی منتقدانه برای کشف ساختارهای جامعه معاصر است که ضمن نقد زیربنائی رویکردهای رایج در شناخت جامعه، به تبیین کاستی‌های روش‌شناسی آنها می‌پردازد و شیوه‌های اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) را در مطالعه جامعه نقد می‌کند و بر این انگاره استوار است که صرف تجربه و روش‌های تجربی کافی نیست و نباید مطالعه جامعه را همان مطالعه طبیعت انگاشت. این رویکرد اثبات‌گرایی، عینی‌گرایی، تجربه‌گرایی، روش علمی واحدی را برای دستیابی به واقعیت علمی نمی‌پذیرد و بر راهبردهای تفسیری تأکید دارد. علاوه بر این، رویکرد فوق از نظر هستی‌شناختی نیز برداشت خردگرایانه از سرشت و کنش انسان را به چالش می‌کشد، زیرا سرشت بشر را ثابت نمی‌داند و بر هویت متنوع کنش‌گران تأکید می‌کند.

نظریه‌پردازان مکتب انتقادی از آن دسته از گروه‌هائی به شمار می‌روند که نسبت به پدیده‌ها و رخدادها، رویکردی میان‌رشته‌ای دارند و می‌کوشند هنجارهای اجتماعی و انگاره‌های اخلاقی و فلسفی را در نقد واقع‌گرایی سنتی و ساختاری وارد کنند. هدف آنان ایجاد دگرگونی‌های فرهنگی و روشنگرایانه برای کاهش نابرابری‌های جهانی، برقراری عدالت بین‌المللی، احترام به تفاوت و گرایش به ارزش‌های فرهنگی جدیدی است که بر فرایند تعامل موجود صحنه‌های اجتماعی و تمدنی حاکم شود و تعامل و عمل را در چارچوب ارزش‌های موجود رهبری کند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۲۲۱). رهیافت ژئوپولیتیک نیز جدا از این تحولات و نگرش‌های انتقادی نبوده است، با این حال، ماهیت ثابت و همگونی ندارد و چندکانونی بوده و به‌ویژه در پیوند با تحلیل گفتمانی قرار می‌گیرند که «ژئوپولیتیک انتقادی» نامیده می‌شود.

ژئوپولیتیک انتقادی از این استدلال ناشی می‌شود که رهبران کشورها و تصمیم‌گیران

سیاسی، تنها قرائت کننده منافع کشورهايشان يا معنای امور بين الملل از موقعیت جغرافیائی یا ساختارهای عینی تهدیدکننده کشورهايشان در نظام بين الملل آنگونه که ژئوپولوتیک سنتی بیان می کند، نیستند، برعکس، این تصمیم گیران سیاست خارجی و روشنفکران هستند که معنا و مفهوم امور بين الملل و منافع کشورها را در فرهنگ ژئوپولوتیک کشورهايشان می سازند. در اینجا فرهنگ ژئوپولوتیک را می توان به عنوان سنت ها و فرهنگ های تفسیری، تعریف نمود که در آن یک کشور به هویت خود و رویاهایش با کشورهای جهان معنا و مفهوم می دهد و مجموعه ای از استراتژی ها را برای مذاکره و رویارویی تدوین می نماید. (O Loughlin & others, 2004:5)

به عبارت دیگر ژئوپولوتیک انتقادی که بیشینه آن در چارچوب گفتمان مطرح می شود، بر این دیدگاه استوار است که تنها مرزهای سرزمینی، وسعت کشورها و یا معیارهای کمی تعیین کننده قدرت کشورها نیستند، بلکه، تصویری که دولت ها از خود می سازند، تعریفی که کشورها از ماهیت خود ارائه می دهند و آن را بسط گفتمانی می دهند، نقش بسیار مهمی در قدرت کشورها دارد.

در واقع نظریه پردازان ژئوپولوتیک انتقادی تلاش می کنند تا نشان دهند که چگونه بازنمایی جغرافیایی در روابط بين الملل قدرت تأثیر دارد و چگونه قدرت علاوه بر مناسبات جغرافیائی، در مناسبات سیاسی و فلسفی نیز متجلی می شود. (Karoline, 2001:7) بر همین اساس در این رویکرد، کیفیت انتظام فضائی اشکال خاص قدرت، از شاخصه های مهم ژئوپولوتی به شمار می رود. بر همین اساس تشریح و توجیه فرضیات و مناسبات قدرت در حوزه ژئوپولوتیک قرار می گیرد.

در مجموع ژئوپولوتیک انتقادی بر خلاف نظریات فلسفی که بر عنصر مکان و مرزهای جغرافیائی به عنوان عوامل کلیدی در فهم مناطق ژئوپولوتیک تأکید دارند، به عنوان یک نظریه کم و بیش جدید توانسته است خود را بر اساس مولفه های حاکم میان بازیگران روابط بين الملل نظام مند سازد و چارچوب مناسبی برای فهم ژئوپولوتیک جدید، به دور از عناصری همچون مرز و مکان ارائه دهد. به همین دلیل در ژئوپولوتیک انتقادی بیش از آنکه بر مرز و مکان و بازیگران رسمی تأکید شود، به گفتمان های نزدیک به یکدیگر نه در یک مکان خاص که در یک فضای عام (که دیگر مرز مفهوم قبلی را ندارد) تعیین می شود. در این رویکرد استراتژی های قدرت نیازمند به کارگیری فضا و به همین سبب گفتمان است. گفتمان در اینجا مکانی است که سلطه و مقاومت

در برابر یکدیگر می‌ایستند. در این فضای گفتمانی ناشی از رقابت بین سلطه و مقاومت، اگر مقاومت دارای استراتژی و پشتوانه مردمی باشد، می‌تواند در برابر قدرت ایستادگی مضاعفی از خود نشان دهد و گفتمان غالب را با چالش گفتمانی و سرانجام با سقوط مواجه نماید.

بدون شک با توجه به سیر تاریخی تشیع و در اقلیت بودن آن طی قرن‌های متمادی در جهان اسلام و وجود عناصر الهام‌بخشی که موجب رویکرد بیشتر انتقادی آن در این مدت شده است، "مقاومت" یک دال مهم و اساسی در گفتمان شیعی محسوب می‌شود. این رویه در شرایط کنونی که شیعیان در ایران به حکومت رسیده‌اند نیز صدق می‌کند. بر این اساس شیعیان مقاوم در برابر سلطه (در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) اصلی‌ترین بازیگران مؤثر امروز ژئوپولیتیک انتقادی شیعه هستند. اما این بدان معنا نیست که تنها شیعیان در آن اثرگذارند. از آنجا که در ژئوپولیتیک انتقادی قربات‌های گفتمانی یک عامل اثرگذار محسوب می‌شود، می‌توان برخی از بازیگران اهل سنت را نیز که رویکرد مقاومتی در قبال نظام سلطه دارند، در این راستا تحلیل کرد.

۲- بیداری اسلامی: علل و زمینه‌ها

تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی ریشه در واقعیات تاریخی، تمدنی و فرهنگی دارند. این مسئله در دنیای اسلام و به‌خصوص منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به‌دلیل برخورداری از سابقه تمدنی و هویت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این منطقه علاوه بر آنکه محل تلاقی تمدن‌های کهن باستانی و ادیان بزرگ توحیدی است، به‌دلیل اهمیت ژئواستراتژیک، ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک و مسئله انرژی از دیرباز کانون تحولات و توجهات قدرت‌های بزرگ بوده است. آنچه امروز پهنه وسیعی از خاورمیانه و شمال آفریقا را در بر گرفته و از آن به بیداری اسلامی یاد می‌شود، حوادثی بریده از ریشه‌های تاریخی و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و فکری نیستند، بنابراین بررسی و ارائه تحلیل صحیح از تأثیر این تحولات بر ژئوپولیتیک شیعه بیش از همه نیازمند بررسی مفهوم بیداری اسلامی و علل و زمینه‌های وقوع آن است.

۱-۲ بیداری اسلامی^۱

بیداری اسلامی به مفهوم زنده شدن دوباره در پرتو اسلام است که می‌تواند به‌عنوان تجدید حیات مجدد اسلام نیز تعبیر شود. یعنی در اثر آن استقلال، عدالت و دیگر آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی، بار دیگر زنده شده یا تجدید حیات می‌یابد (شیرودی، ۱۳۸۸: ۴) به تعبیر دیگر بیداری اسلامی را باید پدیده‌ای برآمده از رویارویی جهان اسلام با تمدن غرب و واکنشی در پاسخ به خواب چندصد ساله جهان اسلام که از رشد و اعتلای حقیقی خود بازداشته است دانست. بیداری اسلامی بازگشت به هویت اسلامی مردمان مسلمان است. هویتی که به‌صورت یک هویت حاشیه‌ای در آمده و نسبت به هویت‌های غربی و تقلیدی در حاشیه قرار گرفته است (فهیمی، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۹).

طرح مسئله بیداری اسلامی موضوع جدیدی نیست و برخی از اندیشمندان جهان اسلام از جمله سید جمال الدین اسدآبادی در گذشته بدان توجه کرده‌اند. وی با هدف اتحاد جهان اسلام با تفرقه‌هایی که در طول چهارده قرن به وجود آمده بود مبارزه کرد. او معتقد بود که روح حاکم بر تمامی ملل اسلامی نیازمند بیداری است (مطهری، ۱۳۶۶: ۳۷).

سید جمال الدین اسدآبادی در بحث بیداری اسلامی که ۱۵۰ سال قبل مطرح کرده است، هشت محور و نکته زیر را به‌عنوان بنیادهای بیداری اسلامی بر می‌شمارد:

- ۱- تأکید بر لزوم مبارزه با استبداد و خودکامگی استعمار
- ۲- لزوم آشنایی با علوم و فنون جدید و مجهز شدن به آنها
- ۳- بازگشت به اسلام اصیل اولیه و اسلام خالص و بدون خرافات و بدون بدعت و بازگشت به قرآن
- ۴- ایمان و اعتقاد به مکتب اسلام به‌عنوان مکتبی که توانایی لازم و کافی برای نجات مسلمانان و رهایی از آنها را دارد.
- ۵- لزوم مبارزه با استعمار خارجی
- ۶- ضرورت اتحاد جهان اسلام
- ۷- لزوم بازگرداندن روح مبارزه و جهاد به جامعه اسلامی

۸- مبارزه با خود باختگی با غرب (حسینی میرسیفی، ۱۳۹۰: ۱۷)

مسئله بیداری اسلامی مورد توجه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نیز قرار گرفته است. اهمیت بیداری اسلامی را می‌توان از برخی از سخنان ایشان به‌خوبی دریافت. به‌عنوان نمونه این جملات قابل تأمل هستند: «برای من آنچه مطرح است مبارزه با ظلم است. هیچ مسلمی حق ندارد که رضایت بدهد به حکومت ظالم ولویک ساعت» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ج ۵، صفحه نور: ۲۹-۳۰ و ۳۰۱) «مستضعفین جهان، چه آنها که زیر سلطه آمریکا و چه آنها که زیر سلطه سایر قدرتمندان هستند، اگر بیدار نشوند... و قیام نکنند، سلطه شیطانی رفع نخواهد شد.» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۷، صفحه نور: ۴۲۹) «ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه متحد اسلامی انسانی، با همان نام و نشان اسلام و انقلاب تشکیل شود و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود».

۲-۲ علل و زمینه‌ها

با توجه به توازن و فرآیند ساختار قدرت در حوزه عربی - اسلامی خاور میانه و شمال آفریقا، هرگونه تحلیل و تبیین و یا بازنمایی از چشم انداز و تحولات ژئوپولیتیکی در این حوزه مستلزم تحلیل و تبیین مجموعه‌ای از عوامل تغییر و تحول ساختاری در آن است، که همواره ضمن تأثیرات گسترده درون حوزه‌ای سبب لرزش‌ها و تحولات ژئوپولیتیکی ویژه در سطوح مختلف بین‌المللی می‌گردند.

همانند تجربیات بسیاری از جوامع معترض و انقلابی که به دگرگونی‌های متعدد و متفاوتی دست یافته‌اند، خیزش‌های عمومی در حوزه عربی اسلامی خاور میانه و شمال آفریقا نیز ریشه در مسائل و معضلات عدیده فکری، اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مغفول مانده از سوی دولت‌های سرنگون شده منطقه دارد. در شرایط کنونی رشد و گسترش این تحولات و همگامی آن با فراگیری تکنولوژیکی رسانه‌ای به‌ویژه بهره‌برداری از فضای مجازی در قالب شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات اینترنتی که بیانگر ژئوپولیتیک اینترنت و فضای مجازی است (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۹). امکان اطلاع‌رسانی سریع و بهینه در میان طیف‌ها و لایه‌های گوناگون جوامع به‌خصوص از سوی نسل‌های جوان را فراهم نموده و از منظر سیاسی و امنیتی و دیپلماتیک، ملت‌های منطقه را به بازیگرانی مؤثر در سیر تحولات و تعاملات استراتژیک تبدیل نموده است.

از سوی دیگر در جریان تحولات بهار عربی، جهانی شدن نیز باید در کنار معادلات ژئوپولیتیکی مدنظر قرار گرفته شود. جهانی شدن آگاهی‌های ملی، قومی و شهروندی را بالا می‌برد و بدین سان مردم برای دستیابی به حقوق خود وارد جدال با حکومت‌ها می‌شوند. این امر به‌ویژه در منطقه خاورمیانه که در آن بسیاری از حکومت‌ها تلاش می‌کنند تا مدل و سستفالیایی حکومت - کشور را حفظ کنند به چشم می‌خورد. دولت‌های منطقه خاورمیانه بیشتر دارای بحران مشروعیت بوده‌اند و شکاف بین ملت و حکومت از طرق غیر دموکراتیک برطرف شده است. جهانی شدن به همراه تمامی تناقضات، حداقل این شکاف و عدم مشروعیت را آشکار کرده و زمینه حرکت مخالفان و معترضان را فراهم کرده است. اما در حقیقت آمار بالای فقر، بیکاری، بی‌سوادی، سطح پایین مشارکت سیاسی، نابرابری‌های جنسیتی، مذهبی و رشد جمعیت، اوضاع نامناسب اقتصادی، فساد مالی و حکومت‌های اقتدارگرای ناکارآمد، در مجموع بستر مناسبی را برای رشد نیروهای مخالف فراهم می‌سازد. با توجه به آمار منتشر شده در گزارش «توسعه انسانی جهان عرب» منطقه خاورمیانه وضعیت دشواری را در مقابل امواج جهانی در پیش رو خواهد داشت. (جلیلوند، ۱۳۸۸: ۱۱۶۸-۱۱۶۶).

بر اساس برخی دیگر از تحلیل‌ها، شرایط اقتصادی نامناسب و چالش‌های اجتماعی حاکم بر کشورهای عربی عامل اصلی اعتراض و قیام‌ها بوده است و از واژه‌هایی چون «انقلاب نان» برای این جنبش‌ها استفاده می‌کنند. واقعیت این است که فقر، محرومیت و عدم توسعه همگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از مشکلات ریشه‌ای جهان عرب، به‌خصوص در کشورهای دچار انقلاب به‌شمار می‌رود، که باعث بسترسازی شکاف مثلث شوم فقر، فساد، تبعیض شده است. بر اساس آمارهای سازمان‌های معتبر بین‌المللی شاخص‌های اقتصادی چون نرخ بیکاری، رشد اقتصادی و خط فقر در اکثر کشورهای عربی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. بیش از ۵۰ درصد از جمعیت کشورهای عربی، جوان هستند و صندوق بین‌المللی پول هشدار داده که میزان فقر و بیکاری در منطقه عربی افزایش خواهد یافت و این منطقه تا سال ۲۰۲۰ نیاز به ایجاد حداقل ۱۰۰ میلیون فرصت شغلی دارد (شهیدی، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

در کنار عوامل فوق، عامل فرهنگی و اعتقادی و به‌عبارت دقیق‌تر رستاخیز دینی و اسلامی را می‌توان یکی از عوامل اصلی بروز قیام‌ها و انقلاب‌های مردم منطقه دانست. بر اساس شواهد موجود، کسی نمی‌تواند این واقعیت را انکار کند که نهضت‌ها و حرکات و اعتراضات یک سال

گذشته ملت‌های منطقه صبغه دینی، اعتقادی، اسلامی داشته‌اند. این موضوع را به وضوح می‌توان در شعار الله اکبر، نمازهای جمعه و جماعت و فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا در این اعتراضات و نقش و قدرت تأثیرگذاری آنان در به نتیجه رسیدن قیام‌ها مشاهده کرد. در کشورهای مصر، یمن، تونس، لیبی، بحرین، الجزایر، اردن قدرتمندترین گروه‌های، اسلام‌گراها حضور دارند.

۳- تأثیر بیداری اسلامی بر ژئوپولیتیک شیعه

توازن قدرت در خاورمیانه از آغاز دهه ۱۹۹۰ تاکنون در قالب دو محور اصلی از بازیگران سیاسی شکل گرفته و پایدار مانده است. محور اول که محور مقاومت نامیده می‌شود و شامل دو دولت ایران و سوریه و بازیگران غیردولتی اما نیرومندی چون حزب الله و گروه‌های جهاد فلسطینی حماس و جهاد اسلامی هستند. ویژگی بنیادین این محور، رویکرد غیرقابل تغییر ضد اسرائیلی و ضد جریان سازشکار و آشتی جوی عربی با دولت اسرائیل است. مخالفت با حضور و نفوذ ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و به‌طور کلی کشورهای عربی و نیز روابط پرتنش و خصومت‌آمیز با دولت‌های دوست آمریکا یعنی پادشاهی‌های عربی (شیخ نشینها) ورژیم‌های دیکتاتور سکولار نزدیک به غرب و ویژگی‌های دیگری است که توصیف‌کننده ماهیت محور مقاومت است.

محور دوم، محوری است که باید آن را محور دوستان، متحدان و شرکای راهبردی ایالات متحده و غرب نامید. ستون اول این محور عربستان سعودی و دیگر حکومت‌های پادشاهی (امارات متحده عربی، عمان، بحرین، کویت، اردن و با رویکردی متفاوت قطر) و ستون دیگر آن دیکتاتورهای نظامی و سکولار در مصر، تونس و یمن بوده‌اند. آنچه ماهیت این محور را مشخص می‌کند، دارا بودن منافع و اتحاد راهبردی با ایالات متحده و غرب در مسائل امنیتی و نظامی، ترس از جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای مهار قدرت آن و نیز مقابله با دوستان و متحدان ایران در سطح منطقه، کوشش برای دستیابی به صلحی فراگیر میان اسرائیل و اعراب و در عین حال دامن زدن به ایران‌هراسی از طریق برقراری دوگانه شیعه‌سنی در خاورمیانه بود. نمود این رفتار را می‌توان در ایجاد بلوک دولت‌های عربی سنی مذهب در مقابله با جنبش‌های شیعی مورد حمایت ایران در عراق، یمن، لبنان و اخیراً بحرین و عربستان نشان داد. (Borm, ۲۰۱۱: ۴۳).

تحولات اخیر در شمال آفریقا و خاور میانه که با خودسوزی «بوعزیزی» در تونس آغاز گردید، هرچند با موانعی در یمن، اردن، عربستان، بحرین و سوریه مواجه شد، اما معادلات امنیتی و ژئوپولیتیکی در خاور میانه را تغییر داد. شاید مهم‌ترین تغییر در این زمینه بسط گفتمان مقاومت در جوامع دستخوش تغییر و دولت‌های برآمده از آن و اشاعه آن در سیاست خارجی این کشورها باشد، به طوری که این بار تنها دولت‌های شیعه (ایران و سوریه)^۱ و بازیگران غیر دولتی (که زمانی تنها مروجان این گفتمان بودند) نیستند که این گفتمان را بسط می‌دهند، بلکه اراده مردم که در قالب دولت‌های برآمده از آنان تجلی یافت خواستار الگو گرفتن و پیوستن به جریان مقاومت هستند. جریانی که همانند ملت‌های عرب (اعم از شیعه و سنی) دال مرکزی گفتمان خود را مقاومت در برابر تجاوزات اسرائیل به سرزمین‌های اشغالی و آزادسازی فلسطین از اشغال و تشکیل دولت مستقل در این کشور قرار داد.

ترس از اشاعه این گفتمان سبب شد که دولت‌های مختلفی که در آمریکا روی کار آمدند نیز بنا بر تعهد این کشور به اسرائیل مبنی بر تأمین امنیت آن، تلاش‌های زیادی نمایند تا از رشد عناصر مقاومت در میان حاکمان این کشورها جلوگیری کنند. در این راستا، این دولت‌ها همواره تلاش نمودند جریان‌های سازش‌گر را در منطقه تقویت نمایند. بستن گذرگاه رفح، حمله اسرائیل به غزه و جریان مقاومت اسلامی در منطقه و محدود کردن مبارزان فلسطینی در راستای همین سیاست‌ها برای تضعیف جریان مقاومت دنبال شد. این سیاست‌ها نه تنها مثمر ثمر واقع نشد بلکه سبب شد که ملت‌های منطقه احساس سرخوردگی و حقارت نمایند^۲. به همین دلیل ما شاهد برخی از اقدامات خودجوش در مخالفت با نظام سلطه از سوی ملت‌های عرب بودیم. تظاهرات علیه رژیم اسرائیل، فشار برای قطع گاز ارسالی از مصر به اسرائیل، و تظاهرات روز نکبت علیه اسرائیل نشانگر ضد نظام سلطه بودن این قیام‌ها است. زیرا اولویت اول نظام سلطه در منطقه تأمین امنیت اسرائیل و تضمین منافع خود است که با بیداری اسلامی به شدت آسیب دیده است (کریم خانی، ۱۳۹۰: ۱۲). اما مهم‌ترین تحولی که در بیداری اسلامی رخ داد و

۱. علی رغم آنکه اکثریت مردم سوریه از اهل سنت هستند اما شیعیان علوی قدرت در این کشور را در اختیار دارند.

۲. ماکس وبر یکی از دلایل اصلی شروع جنگ جهانی دوم را قرارداد ورسای می‌داند. وی معتقد بود ملت آلمان در این قرارداد تحقیر شده بودند. وی در توجیه جنگ جهانی دوم گزاره معروفی دارد که می‌گوید ملت‌ها شکست را می‌پذیرند اما تحقیر را هرگز.

فرصت مناسبی را برای بسط گفتمان مقاومت فراهم نمود، سقوط رژیم حسنی مبارک در مصر بود. چراکه رژیم ساقط شده فوق به عنوان مهم ترین مانع در بسط فضای مقاومتی بود که در برخی از موارد به منظور بهره مندی از حمایت دول غربی و به ویژه آمریکا جلوتر از سیاست های آمریکا در حمایت از اسرائیل در منطقه حرکت می کرد. به همین دلیل بود که هنگامی که حسنی مبارک در لبه پرتگاه سقوط قرار گرفت، اسرائیلی ها او را "گنج استراتژیک"^۱ خود خواندند و از آمریکا خواستند که به هر طریقی وی را در قدرت نگه دارند، زیرا استراتژیست های اسرائیل دقیقاً واقف بودند که سقوط دولت مبارک می تواند اسرائیل را در تنگناهای ژئوپولیتیکی خطرناک در منطقه قرار دهد. از سوی دیگر یکی از نگرانی های ژئوپولیتیکی مصر در دوران پس از حسنی مبارک باز بودن مرز رفح بود که با عبور فلسطینی ها از گذرگاه رفح، جریان مقاومت تقویت شده و ارتباط بین حماس و اخوان المسلمین برقرار می شد (علایی، ۱۳۹۰: ۱۴۴).^۲

سرلشکر "ایال ایزنبرگ" فرمانده جبهه داخلی اسرائیل در همایش سالانه رؤسای شورای محلی اظهار داشت: شاخص های موجود به ویژه پس از انقلاب های عربی و سرنگونی رژیم هایی که با اسرائیل تعامل داشتند نشان از تغییرات در میدان جنگ آینده دارد و اسرائیل با یک زلزله منطقه ای مواجه است که امنیت و ثبات آن را تهدید می کند (امین، ۱۳۹۰). بدین ترتیب با سرنگونی حسنی مبارک به نظر می رسد موازنه قدرت در منطقه به گونه ای شگرف در حال تغییر است. در چنین حالتی به نظر می رسد که با تغییر شرایط موازنه قوا، خاورمیانه به سمتی می رود که جبهه مقاومت در برابر جریان ضد مقاومت و سازش جو موقعیت بهتری را حداقل نسبت به گذشته پیدا کند. پر واضح است که این شرایط با پیوستن دولت های برآمده از بیداری اسلامی به تضعیف موقعیت جریان ضد مقاومت در منطقه کمک می کند.

این مسئله (سقوط رژیم حسنی مبارک) مهم ترین ضربه امنیتی به دولت های فرامنطقه ای حامی این رژیم بود. به همین دلیل تلاش گسترده ای نمودند تا این جریان را مدیریت نمایند. آنان

1. Strategic treasure

۲. توافقنامه کمپ دیوید توانسته بود سطح خوبی از روابط را بین تل آویو و قاهره تضمین کند و تل آویو را از انزوایی که پیرامون عربی بر آن تحمیل کرده بود، خارج سازد و روابط دشمنانه را به روابطی مسالمت آمیز تبدیل کند. پس از مرگ دیکتاتور مصر نیز، بنیامین نتانیاهو از اولین مقامات رژیم صهیونیستی بود که مرگ وی را تسلیت گفت و مبارک را دوست شخصی خود توصیف کرد که به زعم وی، مردم مصر را به سوی تحقق صلح و امنیت و صلح با اسرائیل هدایت کرد.

تلاش نمودند از یک سو با حمایت از نظامیان به نحوی اسلام‌گرایی در مصر را کنترل نمایند. شورای نظامی در این کشور، بهره‌مند از کمک ۴ میلیارد دلاری عربستان سعودی و کمک ۲ میلیارد دلاری آمریکا افزون بر کمک‌های ۱/۵ میلیارد دلاری سالانه، با پیشبرد همزمان فرایند سیاسی و سرکوب جناح‌های تندروی انقلابی از طرفی، جایگاه و نفوذ خود را حفظ کند تا اوضاع از کنترل خارج نشود و از سوی دیگر، با تداوم رابطه با اسرائیل از پیمان کمپ دیوید و مرزهایش با اسرائیل حفاظت کند (Cooper and Brunner, 2011, Galani, 2011).

پس از آنکه اخوان المسلمین در مصر به قدرت رسید، یکی از خواسته‌های مردمی که در شعارهای انقلابیون نیز نمود یافته بود، قطع روابط با رژیم صهیونیستی بود. حسنی مبارک در حوزه سیاست خارجی خود، از وجه بارز همکاری با ایالات متحده آمریکا و اسرائیل برخوردار بود. مبارک در طول زمامداری خود بر مصر، از یک سو، سیاست‌های همسویی را با آمریکا داشت و از سوی دیگر با اسرائیل نیز روابط مناسبی برقرار کرده بود؛ به گونه‌ای که حتی تاکنون نیز مصر همواره یک پای قدرت، نیازمند رویارویی با مسئله فلسطین و نحوه تنظیم روابط با ایالات متحده مذاکرات صلح در خاورمیانه بوده است. بنابراین اخوان المسلمین پس از دستیابی به قدرت، نیازمند رویارویی با مسئله فلسطین و نحوه تنظیم روابط با ایالات متحده بود. (نظری، ۱۳۹۲: ۲۲۸) کودتای نظامیان در مصر هرچند به مرسی فرصت نداد تا به خواسته‌های اسلام‌گرایان انقلابی در این کشور جامه عمل بپوشاند، اما پیروزی شکننده ژنرال سیسی در انتخابات مصر او را مجاب نمود تا از سیاست‌های ضد اسلام‌گرایانه و حتی عربی‌ستیزانه حسنی مبارک در مورد مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی فاصله بگیرد و با پذیرش خواسته‌های گفتمان مقاومت در برابر اسرائیل، از نیروهای اسلام‌گرا و منابع مشروعیت بخش آنان بهره بگیرد.

در واقع اگرچه بعد از برکناری محمد مرسی از قدرت، اخوان المسلمین جایگاه سابق خود را در قدرت از دست داد، اما از آنجا که یک گفتمان قدرت سیاسی خود را از قبل قدرت اجتماعی به دست می‌آورد، هنوز گروه‌های اسلام‌گرا که در مواردی چون نقش اسلام در حکومت، ضدیت با رژیم صهیونیستی، تقویت حماس و... قربات‌های گسترده‌ای با گفتمان تشیع دارند، نقش گسترده و فعالی در جامعه مصر ایفاء می‌نمایند.

در کنار این مسائل باید به تمایلات صوفیانه بخش بزرگی از اهل سنت در مصر نیز اشاره

نمود. این تمایلات صوفیانه در مصر سبب شده است که آنان نسبت به اهل بیت و برخی از نمادهای شیعه احترام بسیاری قائل شوند که این موضوع بر هم‌گرایی بین بخش بزرگی از جامعه مصر با گفتمان تشیع افزوده است.

استراتژی دوم که اکنون از سوی غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا دنبال می‌شود، اشاعه بحران‌ها به کشورهای حامی جریان مقاومت است. برخی از تحلیل‌گران معتقد بودند که به‌زودی این ناآرامی‌ها به ایران و سوریه نیز سرایت خواهد کرد. اما برخلاف این تحلیل‌ها که معتقدند، موج ناآرامی‌های سیاسی در جهان عرب به ایران سرایت خواهد کرد، باید تصدیق نمود که محیط سیاسی داخلی ایران به میزان بسیار اندکی از حوادث جهان عرب متأثر گردیده است (Metghalchi, 2011). هرچند مشابه بودن فضا در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه شامل تونس، مصر، اردن، بحرین، سوریه (39-65: Kootoyeva.zinkinja, 2011) سبب اشاعه این بحران به سوریه و موفقیت غرب در این زمینه (یعنی تسری بحران به محور دوم مقاومت) شد.

اگرچه انجام بسیاری از اصلاحات در سوریه نیز ضروری به‌نظر می‌رسد و دولت حاکم در این کشور نیز قادر نخواهد بود بدون انجام این اصلاحات که بنا بر دلایلی تاکنون ناموفق دنبال شده، مانند بسیاری از دولت‌ها به حیات خود ادامه دهد، اما ماهیت تحولات در سوریه متفاوت از دیگر کشورهای دیگر در این جریانات است. این امر بیش از همه به دخالت کشورهای محور ضد مقاومت و حمایت‌های مالی و نظامی برای جبران شکست خود در بیداری اسلامی و نگرانی از تقویت محور مقاومت بر می‌گردد.

در لیبی نیز معمر قذافی با بیش از ۴۰ سال حکومت استبدادی در این کشور تلاش نمود تا ایدئولوژی ملی‌گرایی را جایگزین اسلام‌گرایی نماید. بیداری اسلامی در این کشور، که با نام «انقلاب ۱۷ فوریه» نیز شناخته می‌شود، از ۱۳ ژانویه سال ۲۰۱۱ میلادی (۱۳۸۹)، به‌دنبال بالاگرفتن اعتراضات و راهپیمایی‌های خیابانی مخالفان و سپس شورش سراسری علیه حکومت لیبی و رهبر آن، معمر قذافی آغاز شد و پس از همراه شدن با سرکوب‌شدید و سپس جنگ داخلی، در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۲ میلادی با سرنگونی حکومت قذافی به تحقق رؤیای لیبی بدون قذافی و روی کار آمدن دولتی دموکراتیک از طریق برگزاری انتخاباتی سال ۲۰۱۲ محقق شد. در این انتخابات، مردم نمایندگان «کنگره ملی لیبی» را برگزیدند. نمایندگان این نهاد به گروه سیاسی خاصی وابستگی نداشتند؛ اما اکثر نمایندگان به اسلام‌گرایان متمایل بودند. کنگره ملی

با هدف برقراری صلح و ثبات و تشکیل دولت دموکراتیک نضج یافته بود؛ اما به سبب تغییر رویه نمایندگان به سمت فساد و گروه‌های نظامی و تبهکار، تحقق این هدف با اما و اگرهای جدی مواجه شد، به طوری که برای انتخاب رئیس مجلس هیچ توافقی صورت نگرفت. از سوی دیگر، ورود اسلام‌گرایان به حوزه عمومی و تعیین قوانینی نظیر: جداسازی زنان و مردان در محیط‌های آموزشی و اجباری کردن حجاب موجب شدت گرفتن اختلافات در کنگره ملی و افکار عمومی لیبی شد. این شرایط زمینه‌ساز وقوع «نخستین کودتای ناکام» در دوران پساقذافی (۲۰۱۳) بود که در آن، برخی از نمایندگان کنگره با همکاری شبه‌نظامیان در صدد عزل نخست‌وزیر وقت برآمدند.

نبود ثبات و امنیت، خاطره دوران قذافی را برای مردم تداعی کرد و نارضایتی از شرایط کنونی را افزایش داد که این امر ناکارآمدی‌های کنگره ملی و رویگردانی مردم از آن را بیش از پیش به نمایش گذاشت. در چنین شرایطی، ژنرال خلیفه حفتر و فائز سراج، چهره‌های شاخص سیاسی لیبی، وارد میدان شدند و کوشیدند قدرت خویش را تثبیت کنند. رقابت این دو برای کسب حداکثر میزان قدرت و تفوق بر سایر نیروها جنگ و آشوب را به حداعلائی خود رساند.

تحولات لیبی در دوران پساقذافی سبب ایجاد نگاهی توأم با نارضایتی در میان مردم این کشور شده است. در طی هفت سال، بیش از ۲۵۰ هزار نفر در لیبی کشته شده‌اند و این کشور هنوز روی آرامش را به خود ندیده و چشم‌انداز روشنی نیز از آینده برای آن متصور نیست. مردم در شرایط کنونی با یادآوری آرامش و امنیت دوران قذافی دورنمایی را ترسیم می‌کنند که در آن، هرگروهی که توان برقراری امنیت و ثبات را در لیبی داشته باشد، همراهی عمومی را نیز با خود خواهد داشت. حضور بازیگرانی نظیر: عربستان، روسیه، ترکیه و رژیم صهیونیستی در کنار بازیگران اصلی داخلی، گواه آن است که آنچه در لیبی رخ می‌دهد می‌تواند منطقه و معادلات قدرت را در آن سوی مرزهای آفریقایی نیز دگرگون سازد. ذخایر نفتی لیبی و حضور صدها گروه شبه‌نظامی تحولات این کشور را برای برخی دیگر از بازیگران جذاب می‌نماید. روی کار آمدن جریان‌های اسلامی و یا مردم‌گرا حامی مقاومت در برابر غرب مسیر متفاوتی را پیش روی لیبی قرار خواهد داد که این امر از یک سو موجب گسترده‌تر شدن مرزهای گفت‌وگومانی مقاومت خواهد شد و از سوی دیگر پیامدهای جدی برای رژیم صهیونیستی و آمریکا خواهد داشت.

با اوج گرفتن بیداری اسلامی در کشورهای عربی از سال ۲۰۱۱، یمن نیز شاهد انقلابی

مردمی بود. در پی سرنگونی حکومت‌های دیکتاتوری در تونس و مصر، جوانان یمنی به تظاهرات علیه دیکتاتوری عبدالله صالح که از ۳۳ سال پیش از این قدرت را تصاحب کرده بود، ترغیب شدند. جوانان یمنی که نبض انقلاب را در دست داشتند، نه تنها خواستار فروپاشی رژیم دیکتاتوری بودند، بلکه رژیم آل سعود و آمریکا را نیز شریک اقدامات وی می‌دانستند (خاکی راوندی، ۱۳۹۱، ۲۳۱). در این کشور، شیعیان بازیگران اصلی بیداری اسلامی هستند. شیعیان در یمن به سه گروه شیعیان جعفری، زیدی و اسماعیلی تقسیم می‌شوند که اکثریت با شیعیان زیدی است. مقاومت شیعیان زیدی یمن به اعتقاد برخی جدال بر سر حق حیات و زندگی است. بنابراین، حکومت یمن قصد دارد شیعیان را از صحنه سیاست خارج کند و به همین دلیل، شیعیان زیدی در مقابل این حملات دست به مقاومت زده‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). تحلیل‌گران اقداماتی به‌مانند سرکوب شیعیان یمن را در راستای مبارزه با رشد شیعه‌گری در جهان اسلام می‌دانند.

در تونس پیروز تحولات حزب اسلام‌گرای النهضة است. با پیروزی اسلام‌گرایان در تونس رویه این کشور نسبت به دولت رئیس جمهور سابق یعنی بن علی تمایزات مهمی دیده می‌شود. به‌عنوان نمونه، نزدیکی گسترده به غرب، عدم رویکرد انقلابی نسبت به رژیم صهیونیستی، مخالفت با نمادهای اسلامی و غیره از جمله مواردی بود که بن علی در زمان ریاست خود بر تونس آنان را عملی می‌ساخت. اگر چه اسلام‌گرایان در تونس در شرایط کنونی نتوانستند موقعیت خود را تثبیت نمایند و همچنان قسمت اعظمی از آرمان‌های انقلاب، عملی نشده است دیگر نشانی از رویکرد سابق نیز وجود ندارد (صالحی، ۱۳۹۲: ۸۷). بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند در صورت برگزاری انتخابات آزاد در یمن و لیبی اسلام‌گرایان نقش کلیدی در آینده تحولات این دو کشور خواهند داشت. واضح است که شکل‌گیری نظام‌های اسلامی در منطقه مطلوب شیعیان خواهد بود، چرا که غایت آن هم‌افزایی استراتژیک برای گفتمان مقاومت است.

مسئله دیگری که می‌تواند فرصت مناسبی برای بسط گفتمان مقاومت در تحولات اخیر خاورمیانه فراهم آورد، این است که با توجه به وابسته بودن دولت‌های عربی به غرب «حرکت به‌سوی حکومت‌های دموکراتیک در جهان عرب، در بسیاری از موارد به‌قدرت یافتن شیعیان و فضای مانور بیشتر برای آنان در خاورمیانه منجر خواهد شد.» (حافظیان، ۱۳۸۸) این امر به‌ویژه در بحرین که بیش از ۶۰ درصد آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، می‌تواند به‌روزی کار آمدن

دولتی با اکثریت شیعیان بیانجامد. اتفاقی که در صورت رخ دادن حضور ناوگان پنجم نظامی آمریکا را در این کشور با چالش جدی مواجه می‌کند و فرصت امنیتی مناسبی را برای ژئوپولوتیک شیعه و بسط فضای گفتمانی مقاومت فراهم می‌آورد. اهمیت بحرین و ترس از فقدان این کشور در معادلات امنیتی و هراس از سقوط آل خلیفه، ایالات متحده آمریکا را بر آن داشت تا برای حفظ متحدانش در منطقه، برای مدیریت و کنترل روند آتی تحولات مرتبط با بیداری اسلامی دست به کار شود. به همین دلیل با چشم پوشی بر جنبش‌های مردم بحرین و عربستان سعودی به اعزام نیروهای نظامی خود به منطقه به هدف حمایت از دولت‌های عربستان و بحرین، به کنترل این تحولات اقدام نموده است (Lour, 2011). چراکه ایالات متحده و متحدانش دریافته‌اند که سقوط بحرین حضور ناوگان پنجم نظامی آمریکا را در این کشور با چالش جدی مواجه می‌کند و با توجه به نقش عربستان در سرکوب قیام مردم این کشور، می‌تواند به چالش امنیتی برای عربستان به‌ویژه نواحی شرقی این کشور یعنی «قطیف» که اکثریت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند و سرشار از منابع نفتی است بیانجامد. اتفاقی که در صورت وقوع و با توجه به مرکزیت عربستان در محور ضد مقاومت و با توجه به نگاه متفاوت جریان مقاومت به نقش بازیگران و حضور قدرت‌های بزرگ، سرانجام به فروپاشی جریان ضد مقاومت و تسری گفتمان مقاومت در سطح منطقه و تغییراتی در نظم منطقه‌ای بیانجامد.

نتیجه‌گیری

کشورهایی که در فضای گفتمانی ژئوپولوتیک شیعه قرار داشتند نیازمند به ارائه نشانه‌هایی بودند که آنان را در برابر با ابژه؟؟ قرار می‌داد. دراین راستا سوژه‌ای جدید در فضای ژئوپولوتیک شیعه ایجاد شد که سوژه‌های مسلط را فرا می‌خواند تا از فضایی که برای آنها ساخته بود عبور نماید. این موضوع که در حصار گفتمانی ژئوپولوتیک شیعه قرار داشت بر گفتمانی که مبتنی بر «مقاومت» بود شکل گرفت. این گفتمان هویتی مانند هر هویت دیگر، «دگر» خود را جریان «ضد مقاومت» و رژیم‌های محافظه‌کار و سازش‌جو قرار داد. گفتمان فوق که در بدو امر متشکل از بازیگران دولتی چون سوریه و ایران و بازیگران غیر دولتی چون حماس و حزب الله بود، از اصطلاح «سلطه» همانگونه که «فوکو» از آن برای نمایش قدرت استفاده می‌نمود، در ادبیات سیاسی و بین‌المللی خود بهره می‌جست. این گفتمان مسلط یا همان گفتمان سلطه

و سازش طلب که متشکل از دول غربی و رژیم‌های محافظه کار منطقه است با چالشی به نام مقاومت روبرو شد. گفتمانی که در مدتی بعد به دلیل پیروزی‌هایی که در جنگ‌هایی چون ۲۲ روزه و ۳۳ روزه به دست آورد توانست در بین ملت‌های منطقه تسری یابد. این گسترش موج مقاومت در بین ملت‌های جهان عرب، اسباب برخی از نارضایتی‌های افکار عمومی را در جهان عرب فراهم نمود، تا اینکه بعد از آغاز تحولات اخیر در خاورمیانه به عنوان یکی از مطالبات اصلی دولت‌های برآمده از انقلاب‌های اخیر خاورمیانه تبدیل شد. بدین ترتیب هر چند در مصر، تونس و حتی لیبی اسلام‌گرایان اهل سنت پیروز انتخابات هستند، اما آنچه در بین همه آنها مشترک است مقاومت در برابر سلطه است که به عنوان دال مرکزی ژئوپولیتیک شیعه، فضای گفتمانی بسیاری را تسخیر نموده است. در این راستا و در این فضای گفتمانی، دیگر شیعه و سنی و مرزهای مکانی و زمانی مطرح نیست، هر جا مقاومتی علیه سلطه باشد این ژئوپولیتیک شیعه است که به عنوان مکتبی معترض بسط گفتمانی می‌یابد. در همین راستا است که تردید غرب در نحوه برخورد با رژیم بشار اسد (علی رغم حمایت‌های روسیه و چین از این کشور) تا حدی نیز به دلیل روی کار آمدن اسلام‌گرایانی به مراتب رادیکال‌تر از مصر و تونس نیز در چارچوب همین فضای گفتمانی یعنی مقاومت قابل فهم است.

منابع فارسی

- جلیوند، محسن (۱۳۸۹)، جهانی شدن و خاورمیانه: نگاهی به فرآیند جهانی شدن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی.
- خاکی راوندی، زهره، (۱۳۹۱)، ایالت متحده آمریکا و اسلام سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک، چاپ اول، مشهد، انتشارات پاپلی.
- حسینی میرسیفی، فاطمه، (۱۳۹۰)، تحول جغرافیای سیاسی و فرهنگی خاورمیانه، ماهنامه روابط فرهنگی، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سال نخست پیش شماره دوم.
- خمینی، روح الله، (۱۳۸۷)، صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۵، ۱۷، ۲۱.
- شهیدی، فرزانه، (۱۳۹۰)، واکاوی نهضت های مردمی در جهان عرب، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، سال دهم، شماره ۳۹.
- شیرودی، مرتضی، (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، تهران: سال پنجم، شماره ۱۶.
- علایی، حسین، بررسی و ارزیابی توافق سازمان های فلسطینی فتح و حماس، تهران، فصلنامه دیپلماسی، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰.
- فهمی، فاطمه، (۱۳۹۰) بیداری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، مجموعه مقالات کوتاه دانشجویی با موضوع بیداری اسلامی، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه ریزی اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، با همکاری معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه بین المللی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۶)، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، تهران: صدر.
- نظری، علی اشرف و محمد صیادی، (۱۳۹۲)، اسلام گرانی، پراگماتیسم و کنش سیاسی در مصر پس از انقلابی سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۴)، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره سوم.

منابع انگلیسی

- Broom, Shalom (2011) Israel and the Arab world: the Power of the people, In: Anat Kuiz and shlomo.brom, Editors (2011) Strategic Survey for Israel 2011 (Tel Aviv: Institute for National Security Studies).
- Cooper and Bromer,E(2011)focus on Obama as tension soar Across Middle East ,New York Times, May 18 2011,available at:<http://www.nytimes.com/2011/05/19/World/MiddleEast/19diplo.htm>
- Karoline, Par,(2001),postal – vinery ,Geographical et pouvoir , Critique international ,janvie
- Korotayeva Zinkinay”Egyptian revolution a demographic structural analysis Entelequia revista”interdiscipliar13(2011)
- Lour,laurence(2011)”AFALLED UPRISING IN BAHRAIN “May 2011, Europe and Union Institute for Security Studies-available at:<http://www.euro-pa.eu/uploads/Media/A-FailsuprisinginBahrain.Pdf>
- Metghalchi, Nazanin (2011) Is Iran immune from the Arab spring? Frieda Europe Think Tank for Global action, N99, October2011, available at:<http://www.frieda.org/download/PB-99-Iran.pdf>.
- O Loughlin John (2004), Geopolitical Fantasies ,National Strategies and Ordinary Russians in the post – communist.Institute of Behavioral

Political Challenges of the Islamic World and Defensive Strategies (wt) to counteract it from the point of view of the Supreme Leader based on the swot method

Abdollah Noori Goljahy¹

Abstract

The Islamic world is based on indicators such as: the political power structure can be defined in terms of population size and legal basis. The world has not yet been defined by defensive strategies to confront the political weaknesses of the Islamic world from the point of view of the Supreme Leader, despite the fact that there are reports of weaknesses in the Islamic world. Therefore, the question asked in this study is that the political weaknesses of the Islamic world from the point of view of the Supreme Leader and their defensive strategies based on the swot method? In the thought of the Supreme Leader, the existence of political weaknesses, including religious divisions, the existence of deviant and extreme events, threatens the Islamic world. In this research, the swot method has been used to answer the main question. From the point of view of the Supreme Leader, the leadership to reduce and control the political threats of the Islamic world and there have been strategies that, based on Swat's method, include diversity strategies (st), competitive strategies (strategies), review strategies (wo), defensive strategies (wt) In this research, defensive strategies (wt) have been used to address the political challenges of the Islamic world based on Swat's methodology. According to the Supreme Leader's ideas, there have been defensive strategies to counter the political challenges of the Islamic world, including: strengthening the spirit of unity and resistance, strengthening the level of awareness and insight among Muslims, and so on.

KeyWords: Islamic Awakening, Supreme Leader, Weaknesses, Defensive strategies (wt)

1. PoLiterally researcher of imam Sadiq.

goljahy@yahoo.com

Analysis of persistence in contemporary Yemeni poetry Case Study: Shahid Mohammad Mahmoud al-Zubairy

Ali Ghahramani¹, Kolsom Tanha², husein elyasi³

Abstract

The contemporary political history of Yemen has been filled with radical changes, including the influx of foreign countries. Meanwhile, the crowd of protest and rightfulness has been heard from the people of this land, especially artists and poets in the interior and international. Under such circumstances, committed and prominent poets such as Zayd al-Moushka, Ebrahim al-Hazrani, and Shahid Mohammad Mahmoud al-Zubiri fought with their guards in defending the national-religious interests of their country. He is a committed poet and leader of the Yemen resistance poets such as Almooshky Zaid Ibrahim Hzrany, Ahmed al-Malami and Ahmad al-Shami and other poets of resistance. he has a important role in the Transformations that this arena as well as in the Yemeni revolution with weapons guidance poetry of the people. He was always flushed with his poetry flames of hope in the hearts and spirits of his countrymen. And speaking of the greatness of the Yemeni people calls for revolution. Determination is Al-Zubairi weapon, And poetry is his only weapon with which to punish the aggressors. A spirit of freedom, love of country, calling for revolution, attention to the Palestinian issue, challenge, commitment to Arab unity, and hope to brilliant future is the most important of sustainability effects in the Al-Zubairi poetry.

KeyWords: resistance Literature, Mohammad Mahmood Al-Zubairy, Yaman, Despotism

1. azarbaijan shahid madani university.
2. azarbaijan shahid madani university
3. Tehran University

d.ghahramani@yahoo.com
k.tanha68@gmail.com
hsn_elyasi@ut.ac.ir

Analysis of the application of the Qur'anic education system in the movies "Abu Ghraib Strait" and "Dinner Time" with the Islamic Awakening Approach

Somayeh Rasoulipour¹, Sahar Zekavat²

Abstract

Cinema is one of the areas that affects the cultural dimensions of Islamic society. Therefore, the importance of the Qur'anic education system in the awakening of Muslims and the important effects of cinema on the culture of the society have necessitated the need to examine the knowledge of the Qur'anic education system and its reflection in movies. Examples of the present study are the films of Abu Ghraib Strait and Dinner Time. The aim of the study is to identify the system of Quranic knowledge in the movies of the Strait and Dinner Strait and to identify the similarities and differences of the Quranic education system in these two movies. The questions are as follows: 1- How and to what extent the Quranic education system Has the movies "Abu Ghraib Strait" and "Dinner Time" been shown? 2- What are the commonalities and differences in the reflection of the Qur'anic education system in the films of the Strait and the Evening Strait? The results of the research indicate that in the two cinematic films in question, while observing and adhering to most of the components of the Qur'anic education system, "the rules of cosmology and the rules of the international" have had the most reflection. At the same time, in order to establish the divine commandments and fight against the oppressive rulers, one must also fight for the spirituality and knowledge of God, and after winning the Islamic educational mechanisms, one must strive to achieve an awakened society free from oppression.

Keywords: Quranic Knowledge System, Movies, Narrow Straits, Dinner Time, Islamic Awakening

1. M.Sc., Department of Visual Communication, Shahed University of Tehran.
somayeh.66.rasouli@gmail.com

2. M.Sc., Department of Islamic Art, Literature and Painting, Shahed University of Tehran. sahar.zekavat@shahed.ac.ir

Comparing and analyzing the concept of martyr and martyrdom in some poems of Salman Harati and Shafiq Habib

razieh karamad¹, hosein shamsabadi²

Abstract

Salman Harati and Shafiq Habib are among those poets who have dedicated some of their poems to martyrs. This article deals with the analysis and comparison of these works in terms of context and style. Both poets appreciate the influence and value of the blood of the martyrs and point to the immortality of the martyr's way and name. The loss of the martyrs is accompanied by the regret and sadness that Salman and Shafiq try to reduce influence of the negative side of this issue in their poems through describing the martyrs with beautiful symbols and speak about their power of spirituality and guidance in our life. Shafiq hopes to reaching victory and presents it in some of his works. Though he admires martyrs for that. Both poets present their own concepts to their readers with simple statement and style which is accompanied by beautiful words and deep meaning. Repeating the words, phrases and letters in the poems of Salman and Shafiq and the use of the vowels and the consonants in proper place are among the poets' stylistic features and among the various parts of speech used in sentences, interjection frequently used in their poems.

Keywords: Shafiq Habib, Salman Harati, martyr, martyrdom

1. Ph.d.MA Student of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University. razieh.k81@gmail.com

2. Associate Professor, Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University. drshamsabadi2@gmail.com

Islamic Awakening and its impact on the geopolitics of the resistance**Hadi Ebrahimikiapei¹****Abstract**

Recent revolutionary developments in the Middle East, known as the Islamic Awakening, have undergone a major transformation in the region's geopolitical structure. The speed and type of recent developments in the Middle East have been such that even traditional geopolitical theories that emphasize the element of place and border have not been able to explain it. With this in mind, we seek to answer the question, what effect has the Islamic Awakening had on the geopolitics of resistance? It is derived from Shiite geopolitics and has developed a discourse. The research method in this research is documentary and the data and information have been collected using library resources and internet resources (Persian and English) and blogs and websites related to the subject.

Recent revolutionary developments in the Middle East, known as the Islamic Awakening, have undergone a major transformation in the region's geopolitical structure. The speed and type of recent developments in the Middle East have been such that even traditional geopolitical theories that emphasize the element of place and border have not been able to explain it.

Keywords: Body, Conflict, Pahlavi, Islamists, Modernists

1. Political Science - Radio and Television University - Assistant Professor, Radio and Television Faculty - Tehran. ebrahimih56@yahoo.com